

۵۹

آداب عیالی در ۹ باب

از
صدا

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

تألیف: آقابزرگ تهرانی
مطبع: تهران
برای طبع در سال ۱۳۰۵

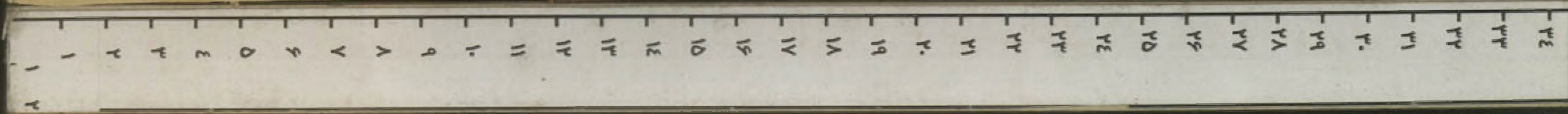
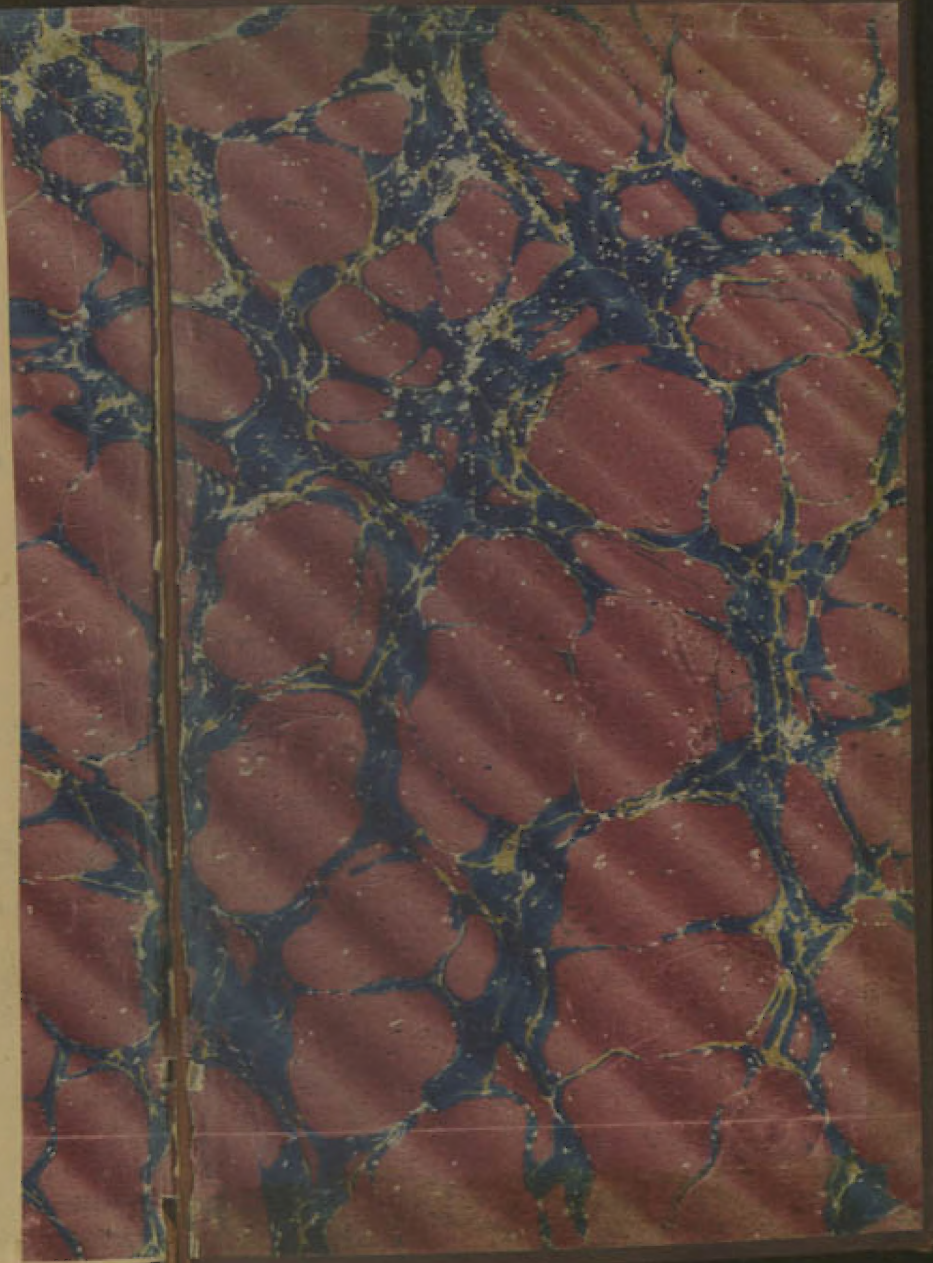
۷۲۳۴
۱۳۰۵

کتابخانه
مجلس شورای اسلامی

۲
۱۱
۲۰

کتابخانه
مجلس شورای اسلامی

۱۳۵۸۸



۴۹

آداب عباسی در ۹۶

از
صدا

مطهره حضرت محمد و آل محمد

تألیف آیت الله العظمی
علیه السلام
مطهره حضرت محمد و آل محمد

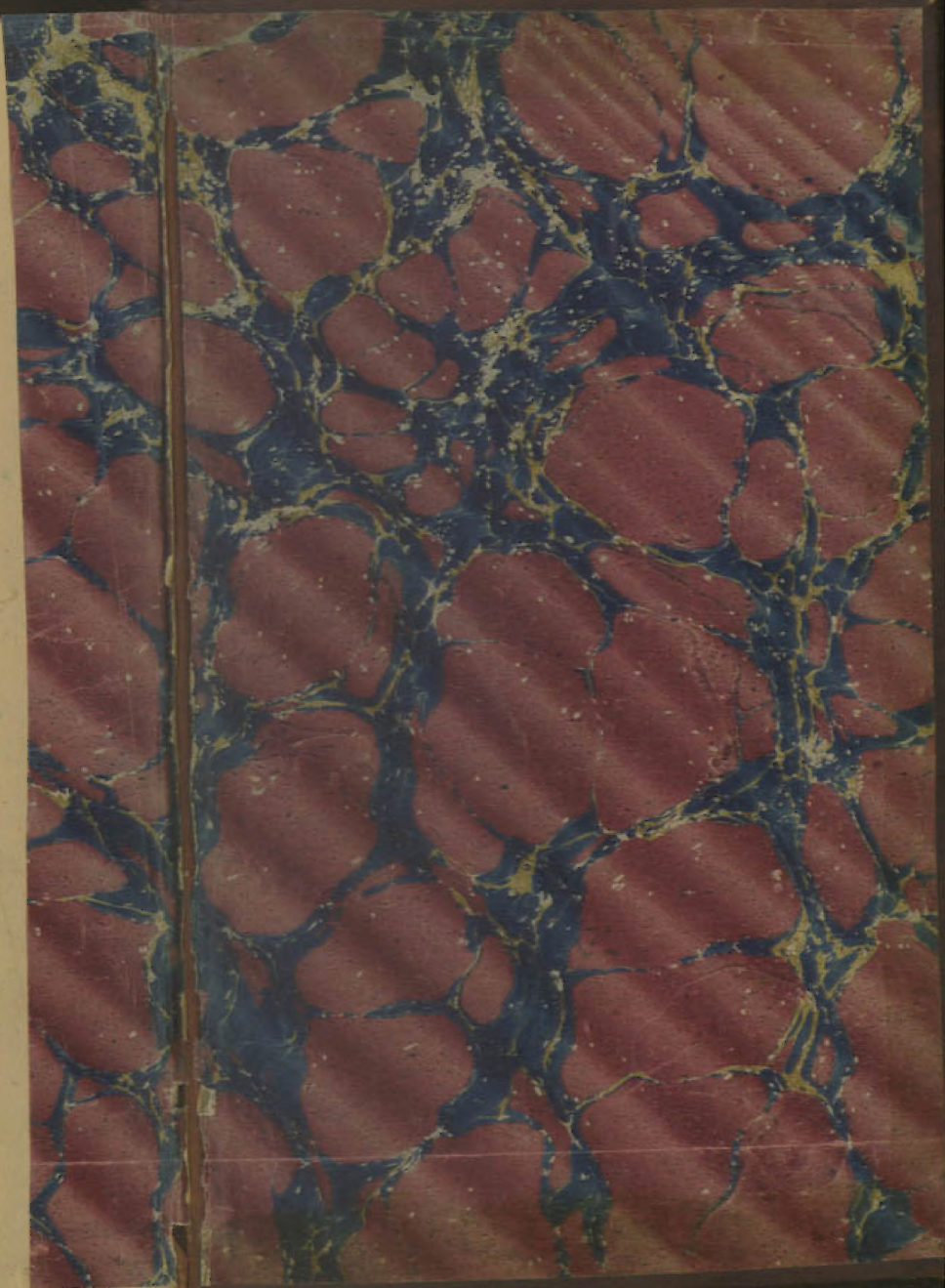
۷۲۳۴
۱۳۴۰

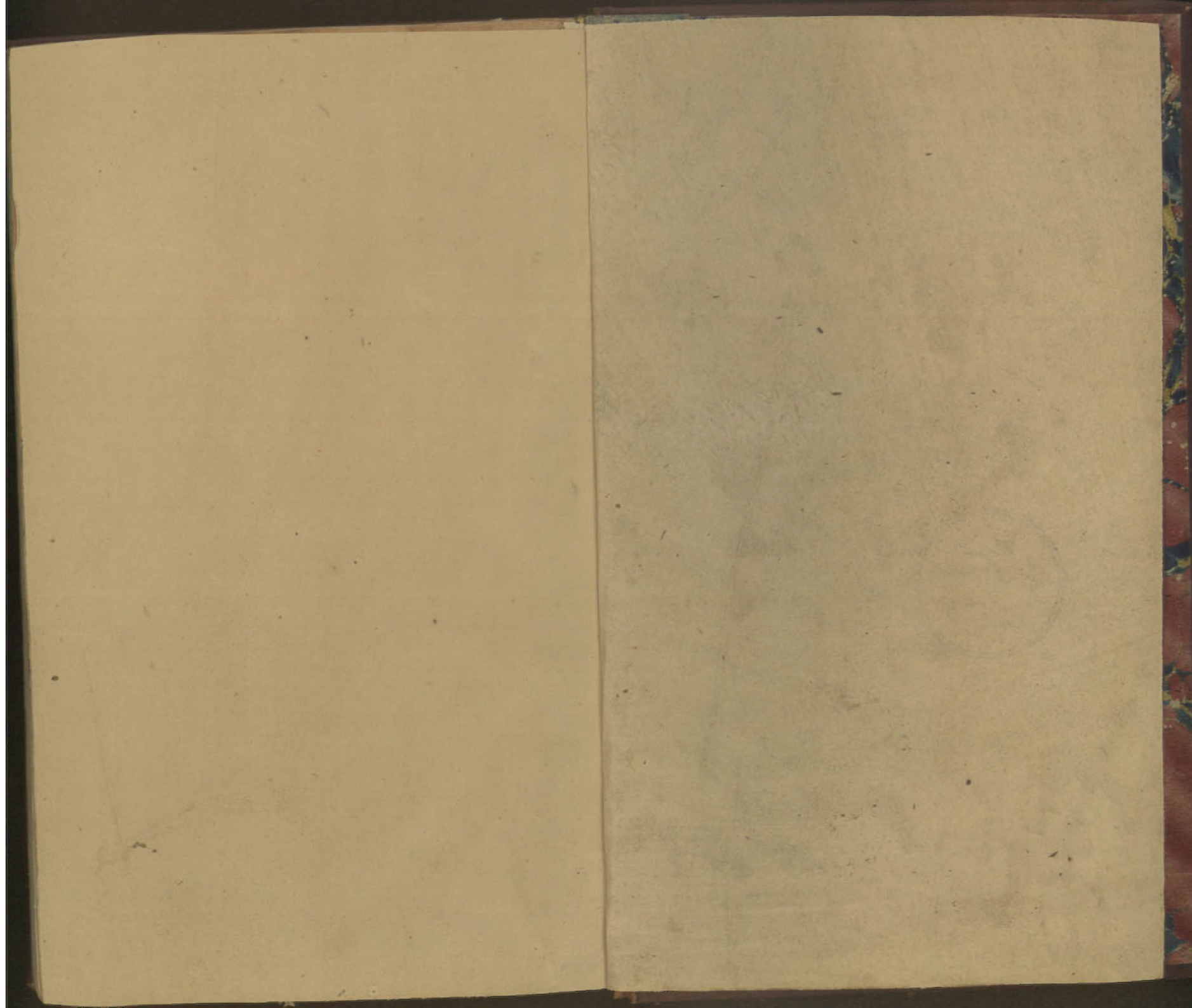
کتابخانه
مطهره

۲
۱۱
۲۰۴

کتابخانه
مطهره

۱۳۵۶





وَالْأَرْضَ أَرَأَيْتَ إِنْ هِيَ إِلَّا فَعْلَانِ قَدْسٌ قَبُولُهَا
سَاقِي وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ بِأَكْوَابٍ
وَأَبَارِقٍ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ رَجِيْقٌ مَحْمُودٌ
سَقِيْمٌ رَفِيْعٌ شَرَابٌ طَيِّبٌ وَرَأْسٌ شَامِدٌ وَنَظَرٌ
وَحُلَّةٌ عَرِشٌ تَعَالَى بِشَرَفِهِ وَبِأَعْلَى مَقَامِهِ
فَأَنْصَبْ وَالِي رَيْكَ فَارْغَبْ أَوْ مَعْدُودِ
عِزَّةٌ وَعِزَّتٌ قَدْرَةٌ وَصَاوَاتٌ مَقْدَسَاتٌ وَ
مَحَلَّاتٌ مَقْدِسَاتٌ بِرَأْفَةٍ مَقْدَسِينَ وَمَحَلِّينَ
وَأَشْرَفَ مَجْدِينَ وَمُسْتَحِينَ شَارِبٍ رَجِيْقٍ وَ
أَنْهَارٍ مِنْ مَحْمُودٍ الشَّارِبِينَ تَاجٌ دَارِ مَلِكٍ
دَنِيٌّ فَتَدَلِّي أَفْكَانَ قَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى
شَمْسٍ أَوْ مِدَانٍ وَلَسَوْفَ يَطِيْرُكَ رَبُّكَ فَرَضِي

محمد باریکاه ولا یشفعون الا لمن ارتضى صاحب
 سریر یا ایها المدثر قم فانذر ونفک فکذر
 وثیابک وظهر وبرآل اطهار واولاد مطهرین
 اخیارش که شاه شاهان ملک استماید الله
 لیذهب عنکم الرجز اهل البیت و
 یطهرکم تطهیرا در شان ایشانست صلوات
 و تسلیمات دائمه بدوام عز ربوبیت و قدس
 الوهیت تعز و تقدس و تعالی
 چنین گوید این ذره خاکسار بصدقه شریفه
 ز اطوار نفس از خدا شرمسار نظر بستم بر رحمت کردگار
 که در وقت اقبال شاه جهان جماعه شاهی ده نشان
 شهباد شاهان روی زمین ابوالنصر عباس نصر تفرین

از و رفوق دین پاک بنی با و تانہ آثار آل علی
 جبین شهبان در شبحه موتید بتایید منصراله
 بخاک درش نقش روی چو بروی ز نقش روی تان
 بتدبیر و دای و باقیال تخت کشته جهانرا نشسته تخت
 نکرده بکس مشورت جز خدا همین از خدا جسته راه هدای
 خدا نصرتش داده در روگا مدد کار او احد و مشایخ
 به تیغش بر انداخت بنیاد خدا بر کردیش بفتح و ظفر
 بستی نشاد و خوش خاطر خدایا و حافظ و ناصر
 فلک بر مراد دلش شادمان بزرگینش تمام جهان
 سخندان دین محمد بنما بهائی محمد شه عالمان
 کتابی را دایب طاعت نوشت در او را در وقت وساعت
 بلفظ عرب بود آنرا بیان بند و بر انفع بسیار از

برای غلامان خاقان دین: بفرش میان کوه این کمترین
 چون نام شاه جهانش تمام شد آداب عباسیش نیز
 امید آنکه مقبول یزدان شود: توانش ز شاه جهانان شود
 بخشد خدا عمر سلیمان باو: بود شمع ایمان فروزان باو
 بروفقان و باد شرع نبی: و ز شاد حدیثش علی ولی
 و مرع التوفیق و علیه التکلیل و این رساله شش
 بابست **باب اول** در بیان آنچه از طلوع صبح
 صادق تا طلوع آفتاب بجا باید آورد
 در بیان آنچه از طلوع آفتاب تا وقت ظهر بجا باید
 آورد **باب سیوم** در بیان آنچه از وقت ظهر تا
 فرو رفتن آفتاب بجا باید آورد **باب چهارم**
 در بیان آنچه از فرو رفتن آفتاب تا وقت خوابیدن

بجا باید آورد **باب پنجم** در بیان آنچه از وقت
 خوابیدن تا نصف شب بجا باید آورد **باب ششم**
 در بیان آنچه از نصف شب تا طلوع صبح بجا باید
 آورد **باب اول** در بیان آنچه از طلوع صبح تا
 طلوع آفتاب بجا باید آورد و در آن مقدمه است
 و چند فصل **مقدمه** بدانکه از اصحاب عصمت
 سلام الله علیهم حدیث بسیار در فضیلت این وقت
 نقل شده و این وقت ساعت غفلت میگویند
 چنانچه از فرو رفتن آفتاب تا بر طرف شدن شفق تا
 ساعت غفلت می نامند و **سنت است** که آدمی درین
 وقت بیدار باشد زیرا که خواب درین وقت
 شوم است و محمد بن بابویه در کتاب من لایحضره

نقل کرده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرموده که خواب صباح شومست و روزی را
میرساند و رنگ روز از رد میکند و متغیر
میانزد و آن خواب هر شومیت تحقیق که
خدای تعالی قیمت میکند روزیهای بنی آدم
در وقتی که میان طلوع فجر است تا طلوع آفتاب
پس جدا کنند و پیرمیزید این خواب در کتاب
مذکور روایت کرده که حضرت ابوالحسن رضا
علیه السلام در تفسیر آیه فَالْمُقْتَاتِلَاتِ امر فرمود
که مراد فرشتگانند که قیمت میکنند روزیهای
بنی آدم را در میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس
کسی که خواب کند درین وقت خوابیده است از روی

خود و در حدیث است که نماز صبح نوشته میشود
در عملهای شب و عملهای روز **روایت کرده**
کلینی در کتاب کافی که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام در تفسیر آیه إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ
مُثْمَرًا فرموده مراد بقرآن الفجر نماز صبح است
می بیند آن فرشتگان شب و فرشتگان روز پس
هرگاه بگذارد بنده نماز صبح را در وقت طلوع فجر
نوشته میشود برای او دوباره نویسد **لن یسأل**
فرشتگان شب و فرشتگان روز **و**

عنه عیسی علیه السلام

و در اینجا اشکال نیست زیرا که حاجتی

ان علماء روایت کرده اند از حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام که سؤال کرد یکی از نصاری از حضرت
 امام محمد باقر علیه السلام از ساعتی که نه از ساعت های
 شب است نه از ساعت های روز پس آن حضرت
 فرمود که ساعت میان طلوع فجر است تا طلوع آفتاب
 و این جواب بنا بر مذهب نصاری است نه بر مذهب
 اشاعره زیرا که در روایت هست که آن سائل از
 کثیشان علمای نصاری بوده و از مسئله چند
 پرسید که در مذهب ایشان بود و مطلع بر آن مسائل
 بودند مگر بزرگان علمای نصاری این مسئله
 هم از آن مسائل بود **فصل** بدانکه نماز صبح داخل
 نماز روز است بل جمیع علمای ما و سلیمان اعشاری

داخل نماز شب دانسته بدلیل آنکه پیغمبر صلی الله
 علیه و آله فرموده که **صَلَاةُ النَّهَارِ عَجَاءٌ** یعنی نماز
 روز است جوابش آنست که پیغمبر صلی الله علیه
 و آله نماز صبح در نیج کم داخل نماز روز نکردند
 بواسطه آنکه آنحضرت نماز صبح را در تاریکی بجا
 می آوردند چنانکه چون از نماز فارغ می شدند
 در آن **خود میز نشد** و کسی ایشان را نمیشناخت
 بواسطه آنکه **این بابویه** در کتاب
 منی بنی بن اکنم سؤال کرد از
 السلام که چرا در نماز

علیه و آله نماز صبح را در تاریکی بخامی آورد پس
 مقارن ساخت آنرا با نماز شب **اما** **الفخ** ابن بابویه
 قدس سره روایت کرده که حضرت امام مجتبی علیه
 السلام فرمود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
 در روز هیچ نماز نمیکرد تا آنکه آفتاب یعنی تا وقت
 ظهر بر غرض دست بر ستیان که نماز چاشت
 سنت میدانند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
 آنرا نمیکرده سنت دانستن آن بدعت است **و در بیان**
صحیح صادق و کاذب در تحقیق فجر اول که صبح
 کاذب است و فجر دوم که صبح صادق است و اول
 وقت نماز صبح است اینجا ذکر کنیم حاصل آنرا که
 حضرت شیخ جمال الدین حلی قدس سره در کتاب

منتهی المطلب فرموده **بمانک** روشنی و نماز
 آفتاب است و هر چه در **شود** شمع آفتاب و
 در جانب دیگر سایه
 ساخته که دیدن
 قرص آفتاب
 محروم باشد
 محروم ظاهر
 محروم ظاهر
 شمع آفتاب روشن

محروم ظل در مشرق باشد و هر چند آفتاب پائین تر
 رود سر محروم ظل بالا تر آید و چون آفتاب
 بنیز قدم رسد محروم ظل بالای سر آید و چون
 از آنجا آفتاب بجانب مشرق رود سر محروم
 ظل از بالای سر بجانب مغرب میل کند و چون
 آفتاب در آخر شب بمشرق نزدیک شود انچه از
 محروم ظل روشن است در بالای مشرق نمایا
 بشود باریک و دراز چون ستون آنرا صبح کاذب
 و فجر اول میگویند اما درین وقت مشرق ناریک
 باشد و چون آفتاب اندکی دیگر در زیر افق بمشرق
 نزدیک شود آن روشنی بیشتر شود و مشرق روشن
 شود و روشنی در مشرق پهن گردد و این صبح

صادق است و اول وقت نماز صبح اینست و ازین
 شکل تصور آنچه گفتیم آسان شود **بدانکه** متعلق
 نیست بصبح کاذب بگویند کی انحرافات مثل داخل
 شدن وقت فضیلت نماز و ترزیرا که افضل
 اوقات و قرآن طلوع صبح کاذب تا طلوع صبح
 صادق **روایت کرده** شیخ طوسی قدس سره
 در کتاب تهذیب بسند صحیح که اسمعیل بن
 سعد الاشعری گفت پرسیدم از حضرت امام
 رضا علیه السلام از افضل ساعات و ترزیر
 آن حضرت فرمود که دو ست ترین ساعت های
 و ترزیر من فجر اول است **در حدیث است** که شخصی
 در اول شب سید از حضرت امیرالمومنین

علیه السلام از وقت و تر آن حضرت جواب گفت
 تا وقت ما این صبح کاذب صبح صادق شد حضرت
 امیر علیه السلام بیرون آمد از مسجد و سه بار
 نما کرد که گجاست آنکه سوال کرد از وقت و تر
 نیکو ساعتی است نماز و تر را این ساعت بعد از آن
 برخاست آنحضرت و نماز و تر را بجای آورد و
 سنت است که چون صبح صادق طلوع کند این
 دعا بخوانند یا ایا الله من حیث لا اری و
 محرجه من حیث اری صل علی محمد و آله و
 اجعل اول یومنا هذا صلاحا و اوسطه
 و آخرا و یخرج بنی احمار **روایت کرده** ابن بابویه
 در سنن در کتاب فضیه بسند صحیح که حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که نوح علیه
 السلام هرگاه صبح و شام کردی در هر یک ده
 بار گفتی اللهم انی اشهدک الله ما اصبحت به من
 نعمة و عافية فی دین او دنیا فینک و حردک
 لا شریک لک لک الحمد و لک الشکر ربها
 علی حتی ترضی و بعد الرضا پس این سبب نام
 او عبد شکور شد **روایت کرده** کلینی در کتاب
 کافی بسند حسن از حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام که چون صبح می شد حضرت می فرمود
 علیه السلام می گفت سبحان الملیک القدوس
 سه بار اللهم انی اعوذ بک من ذوال یقینک
 و من یحویل عافیة و من یجاءة نعمتک و من

ذَرِكِ الشَّهَادَةَ وَتَوَسَّعِ فِي التَّيْلِ وَالنَّهَارِ
 اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِعِزَّةِ مُلْكِكَ وَبِشِدَّةِ قُوَّتِكَ
 وَبِعَظَمِ سُلْطَانِكَ وَبِعِزَّةِ نَبِيِّكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ اَنْ
 تَفْعَلَ بِيْ كَذَا وَكَذَا وَمَطْلَبُ خُودِ دُرِّ بَابِ دُرِّ
روایت کرده کلینی در کتاب کافی پسند صحیح
 از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که حضرت پیغمبر
 صلی الله علیه و آله گذشت بر شخصی که درخت
 می نشاند در زمین محوطه خودش پیغمبر صلی الله
 علیه و آله ایستاد و گفت یا دلالت کنم ترا بر خدایان
 درختی که اصل آن ثابت تر و سید ملک میوه و روزه
 و میوه آن بهتر و باقی تراست آن شخص گفت بلای پس
 مراد دلالت کن یا رسول الله پس آنحضرت فرمود که

چون صبح و شام کنی بگو که سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
 وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ پس بدرستی که
 تراست بجهنمی ده درخت در بهشت از
 انواع میوه ها و این نهیجا باشد باقیات صالحان
 پس امام محمد باقر علیه السلام فرمود که آن شخص گفت
 بدرستی که ترا کوه میگردم یا رسول الله این محوطه
 من صدقه ایت مقبوضه بر فقرای مسلمین که
 مستحق صدقه باشند پیر نازل ساخت خدای تعالی
 آیچند از قرآن فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَصَدَّقَ
 بِالْحُسْنَى فَسَنَنْزِلُ الْيُسْرَى یعنی اما آن کسی که
 عطا کند و پرهیزد و تصدق کند به نیکویی پس
 زود باشد که ما میرسانیم او را برای آسایش

روایت کرده مستند جلیل جمال العارفین رضی الله

علی بن طاووس قدس سره که حضرت امام محمد باقر
علیه السلام فرموده که کسی که صبح کند و در ده
راست او باشد آنکس تری که نکین او عقیق باشد
و پیش از آنکه کسی آب بنماید نکین او را بگرداند
بش که دست و پا از لثام بخواند تا آخر و

بعد از آن بگوید اَمَنْتُ بِاللّٰهِ وَحَدَّ لَا شَرِّكَ لَهُ

وَكَفَرْتُ بِالْجَنَّةِ وَالظَّالِمِينَ وَ اَمَنْتُ بِرَبِّ اِلٰهِ

مُحَمَّدٍ وَعَلَا يَتَّبِعُهُمْ فِي ظَاهِرِهِمْ وَبِاطْنِهِمْ وَ اَوَّلِيَهُمْ

وَاٰخِرِيَهُمْ نَکَاهُ دَارِ خَدَايَ تَعَالٰی اُوْرَادِ دَارِ زُورِ

از شتر اینچنان آسمان پائین آید و اینچنان آسمان بالا

رود و اینچنان زمین آید و در حر زخدا و گفت او

باشد تا شام کند و **روایت** از حضرت امام جعفر

صادق علیه السلام که نزد صبح سه بار گفت

اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ الْعَلِيَّ الْاَعْلٰی الْجَلِيْلَ الْعَظِيْمَ

دِيْنِيْ وَنَفْسِيْ وَ اَهْلِيْ وَ مَالِيْ وَ وَلَدِيْ وَ اَخْوَانِيْ

الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ جَمِيْعَ مَا رَزَقَنِيْ رَبِّيْ

وَ جَمِيْعَ مَا يَعْصِيْ اَمْرُ اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ الْخَوْفَ

الْمَرْهُوْبَ الْمُتَضَعِّعَ لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَيْءٍ

دِيْنِيْ وَنَفْسِيْ وَ اَهْلِيْ وَ مَالِيْ وَ وَلَدِيْ وَ اَخْوَانِيْ

الْمُؤْمِنِيْنَ وَ جَمِيْعَ مَا رَزَقَنِيْ رَبِّيْ وَ جَمِيْعَ

مَنْ يَعْصِيْ اَمْرُ **فصل در بیان وضو کامل**

بدانکه در محل طلوع صبح صادق با وضو باشی

تا اذان صبح را با طهارت کوفی و ما اینچا وضو

کامل ایان کنیم پس چون خواهی که وضو سازی
 اول مسواک کن و باید که بعضی دندانها یعنی
 پهنائی مسواک کنی نه بطول یعنی نه بدازی آنها
 و کافیت آنکست از چوب مسواک **روایت کرده**
 در کتاب تهذیب که حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام فرمود که حضرت پیغمبر صلی الله
 علیه وآله وسلم فرموده که مسواک با بهام و منجر
 یعنی در وقت وضو مسواکت و غرض آنست که
 مالیدن آنکست شهادت و آنکست بزک بر
 دندانها در وقت وضو ثواب مسواک کردن
 دارد و **مسئله** رو بقبله بودن در حال وضو
 و اکثر علمای ما ذکر نموده اند و بعضی ذکر کرده

و مستند شده اند باینچه منقولست از ائمه ما
 علیهم السلام که بهترین مجالس آنست که رو بقبله
 باشد پس اگر وضو از طرفی سازی که ممکن باشد
 دست در آن فرو بردن و آنرا بر جانب راست
 بگذارد و اگر از چپ یا حوضی وضو سازی
 چنان بنشین که آن بر جانب راست تو واقع شود
 و اگر جمع نتوان میان رو بقبله نشستن و کذا
 آب وضو بر جانب راست پس ظاهرتر جیم
 استقبال است **مبحث** نظر بر آب کنی بگو الحمد
 لله الذی جعل الماء طهوراً و لم يجعله نجساً
 پس بشود ستمبار آمدند هایش از آنکه آب فرو
 بری یکبار اگر از حدش بول یا خول و وضو سازی

نه حدث باد و دو بار از حد ث غایط و شستن دستها
 پیش از وضو از غیر این سه حدث سنت نیست
 اگر وضو از حیضی ابرقی سازی پس مذموم است
 علما آنست که شستن دستها در حیض سنت نیست
 بعضی دیگر سنت میدانند **بعد از آن** دست
 در آب زن و بگو آنچه در ولایت کرده در تنه ندید
 پس صحیح که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
 فرموده که چون دست در آب بگناری بگو **بسم الله**
و بالله اللهم اجعلني من التوابين واجعلني
من المتطهرين پس سه بار مضمضه یعنی آب در
 دهان کریم گفت پس سه بار هم آب در بینی کن و بگو
 عقب هر يك دعائی که در فصل آئیده خواهیم ذکر

کرد پس بدست کفی آب بردار و نیت کن که وضوی
 واجب میانم برای میاح بودن نماز جمعت
 امثال امرا لله تعالی و مقارن ساز به نیت شستن
 بالای روبرو و حکم نیت ادا نم دار تا فارغ
 شدن **بگو** **بسم الله** چنانکه روایت کرده در کتاب
 از امام محمد باقر علیه السلام و ظاهر آنست که بسم الله
 اول کافی نیست بلکه اینجا هم بسم الله باید گفت
 زیرا که آن برای شروع در سنت بود و این
 برای شروع در واجبست و بخوبی زکریه اند
 مقارن ساختن نیت را بشتن سرهای دست
 اگر شرطش موجود باشد و بمضمضه و باستنشاق
 هم بدلیل آنکه چون هر سه از افعال وضوی کامل اند

و این طایفه قدس سره توقف کرده در جایز بودن
مقارنه نیت بغیر شدن دو احتیاط با او است
و چون آب بر روی دست بران کش چنانکه
از اصحاب عصمت سلام الله علیه منقول است
نزد حکایت وضوی بیانی پیغمبر صلی الله علیه
و آله و خلاصی از خلاف کسی که دست کشیدن با
واجب میدانند **واجب** نیت که هر جزوی از اجزای
دو که بالا تر است بشویند پیش از جزوی که پائین
آن جزوات بلکه چون ابتدا بشویند اعلای
روکنی کافیت مسند و در طول و عرض
آنکه دو رکعت بروا بهام و وسطی یعنی لکنت
بزرگ و لکنت میانه بران بکشد چنانکه نا ملون

باز صحیح روان از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
بیان آن در شرح حدیث چهارم از کتاب چهل
حدیث است **واجب** تحلیل یعنی رسانیدن
آب بر رویی که پوست روان بر آن دیده شود
وقت مواجعه یعنی برو برو بودن چنانکه شستن
بران صادق آید یعنی در وقتی که دو کس برو بروی
هم باشند که پوست و در مجلس مخاطب دیده نشود
تحلیل آن واجب نیست بلکه واجب شستن ظاهر
آن پوست و چشمها بکشد در حال وضو **روایت** کرد
در فضیله که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود
که بکشاید چشمها را از وضو شاید که چشمها
نه بیند آتش جهنم را و اکثر علمای ما ذکر این روایتها

وضو کرده اند و بعضی اظن شده و جماعه
آن باشد که شیخ طوسی قدس سره نقل کرده بجماعه
بر آنکه سنت نیست رسانیدن آب وضو بدرون
چشمها و شیخ شهید قدس سره در کتاب ذکر
فرموده که منافاتی نیست میان این دو زیرا که
می تواند بود که چشمها را آن کردن سنت باشد و بعد
چشم کردن سنت نباشد پس چون فارغ شوی
از شستن رو کف از آب بردار و دست چپ چنانکه
حضرت امام محمد باقر علیه السلام کردند ببار
وضو حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و بشو
بآن دست است از مرفق تا سر انگشتان و دست
چپ بکش بر آن تا سر انگشتان و اینجا واجب است

آب بر بر و خواه بسیار باشد و خواه اندک اگر چه
دیدن نشود و ابتدا کن بپشتن ظاهر دست و زن
ابتدا کند بباطن دست **بعد از آن** بدست راست کف
آب بردار و آن دست چپ را بشو چنانکه دست
راست داشتی و باید که هر یک از رو و دستها را
یکبار یکبار بشویی نه زیاد چنانکه مذهب کلینی
است و این بابویر پس بر تری دست راست مسح کن
بسر انگشت پهلوی هم نهاده پوست پیش سر را
یا موی که بر آنجا روئیده و بکشیدن بیرون
خود و از بعد رو و بپای مانده آن تری مسح کن
پشت پای راست از سر انگشتان تا کعبه یعنی تا بند
انجا که از هم جدا میشود یا از قدم و کافی نیست

این نماز که در این هم در شرق الثمین و جیل
 الثمین مذکور است **پیش** مسح کن پشت با چپ ما
 به تری دست چپ باید که مسح سر و قدمها بکند
 دستها باشد نه پشت دستها مگر برای مضرتی و
 باید که دست کشیده شود بر سر قدمها و کافی نیست
 گذاشتن دست بی کشیدن و باید که قدمها را
 مسح کنی تمام کن چنانکه در تعذیب روایت کرده
 پسند صحیح از احمد بن محمد بن نصر البزنطی که گفت
 سؤال کردم از حضرت امام رضا علیه السلام
 از مسح قدمها که چگونه است پس گذاشت آنحضرت
 گفت دست خود را بر انگشتان پایش مسح کرد آنها را
 ناگه پایش گفتم اگر کسی بدو انگشت از انگشتان

خود مسح کند یا بخشد تا که عین آن حضرت فرمود که
 لا الا یکونه کلها یعنی مسح تمام نیست مگر بکند
و باید که افعال و ضوابطی در پی بجای آری بی تأخیر
 میان آنها با رعایت ترتیب مذکور حتی در مسح
 قدمها چنانکه مختار جمعی است از متقدمین
 علای ما و کلینی در کافی روایت کرده پسند
 حسن که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 فرموده که مسح کن بر قدمها و ابتدا کن بچپ
 راست **و باید که** بخوانی نزد هر فعل از افعال مذکور
 دعائی که مقرر است برای آن فعل چنانکه در فصل
 آینده مذکور میشود **و چون** از وضو فارغ شوی
 بگو الحمد لله رب العالمین چنانکه شیخ طوسی قریب

سنة در تحذیب روایت کرده پسند صحیح **و بعد از آن**

يَكُوْا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ مِنَ التَّوَّابِيْنَ وَاجْعَلْنِيْ مِنَ
الْمُتَّقِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ تَمَامَ الْوُضُوْءِ وَ

تَمَامَ الصَّلَاةِ وَتَمَامَ رِضْوَانِكَ وَالتَّوْبَةَ **و بعد از آن**

بیشتر افعال مذکور در جمیع دعاها استند

افعالی که واجبست ده است نیت استندت حکمی

و شستن رو و دستها و مسح سر و قدحهاست

از سر قدحها تا کعبه تربیت موالان یعنی بی

بی بودن و مباشرت یعنی خود وضو ساختن مگر

برای ضرورت **و نیت** ترك تمسك یعنی بعد از

وضو نمیدن یا خشك کردن تری وضو **و این کرده**

کلینی در کافی که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

فرموده که کسیکه وضو کند و تمسك نکند باشد در

او یا بکشد و اگر تمسك نکند تا آنکه خشك شود

آب وضوی او باشد او را سی حسنه ظاهر است که

عند خشك کردن آب وضو یا قناب یا باتش مثل

تمسك باشد و باکی نیت وضو ساختن در مسجد

از غیر حدث بول و غایط و ازین دو مکرر هست

چنانکه روایت کرده در کافی پسند صحیح

فصل روایت کرده در کافی و رئیس المحدثین

در فقیه و شیخ الطائفة در تحذیب از عبد الرحمن

بن کثیر الهاشمی که امام جعفر صادق علیه السلام

فرموده که روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

نشسته بود با پسر خود محمد خنفته رضی الله عنه

گفت ای مجتهد یا زاری که وضو سازم برای
 نماز پس آورد برای آنحضرت آب پس آنحضرت کف
 آن آب بدست راست برداشته بر دست چپ
 ریخت پس گفت بِسْمِ اللَّهِ وَلِكُلِّ لَهِ الَّذِي جَعَلَ
 الْمَاءَ طَهُورًا وَلِكُلِّ جَعَلَ نَجَسًا حضرت امام
 جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت
 امیر المؤمنین علیه السلام بعد از آن استنجی کرد
 و گفت اللَّهُمَّ حَصِّنْ قُرْبِي وَاعْقِدْ وَاسْتُرْ
 عَوْنِي وَخَرِّقْ عَنِّي النَّارَ فرمود که بعد از آن
 مضمضه کرد و یعنی آب در دهان مبارکش کرد
 پس گفت اللَّهُمَّ لَقِّنِي حُجَّتِي يَوْمَ الْقَالَةِ وَ
 أَطْلِقْ لِي فِي يَدِي كُرْسِيَّ پس استنشاق کرد و گفت

اللَّهُمَّ لَا تُحَرِّم عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ
 يَنْتَمِرُ بِرُحْمَا وَرَوْحَهَا وَطِبْعًا فرمود که پس
 رو داشت و گفت اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُّ
 وَبَدِ الْوُجُوهُ وَلَا تَسْوَدْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ
 الْوُجُوهُ پس شست دست راستش را پس گفت
 اللَّهُمَّ آغِثْنِي كِتَابِي بِمِثْنِي وَلِخُلْدِي
 الْخَيْرَانِ بَيْتَارِي وَطَاسِ بَيْتِي حَبَابًا بَيْتِي
 و بعد از آن شست دست چپش را و گفت اللَّهُمَّ
 لَا تَعْطِئْنِي كِتَابِي بِشِمَالِي وَلَا تَجْعَلْ مَقُولَتِي
 إِلَى عُنُقِي قَدْ أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَقْطَعَاتِ الْبِرِّ اِنْ
 پس مسح کرد سر مبارکش را و گفت اللَّهُمَّ غَشِّنِي
 رَحْمَتَكَ وَبِرَّكَائِلَتِ پس مسح کرد پاهای خود را و گفت

اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ تَوَكَّلْ فِيهِ الْأَقْدَامُ
وَلَجْعَلْ سَعْيِي فِيْهَا رُضْبَكَ عَنِّي بَعْدَ إِذْ بَالَا
کرد سر مبارکش را و نظر کرد بر محمد و گفت ای محمد
کسی که وضو سازد مثل وضوی من و بگوید مثل
گفتن من خَلَقَ اللهُ خَدَايَ تَعَالَى مِنْ قِطْعَةِ نَارٍ
که تقدیس و تسبیح و تکیب بر خدا گوید و
بنویسد خدای تعالی برای او ثواب آتا تا رود
قیامت **بدانکه** میان تسبیحهای کتاب کافی و فیه
و مخدیه باشد اختلاف است در بعضی الفاظ
این دعاها و آنچه اینجا مذکور است بطریقیت
که شیخ طوسی قدس سره در نهج سبأ آورده و
نسخه که پیش عالی حضرت استاد است دامن ظاهر

والد مبارکش قدس سره است که همین نسخه را
پیش شیخ زین الدین نور الله ضریح خوانده و در
آخر جلای جان نوشته بخط مبارکش برای او
فصل هرگاه از وضو فارغ شوی متوجه شو
بمحمد **روایت کرد** در رئیس الحدیثین در فقیه که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
کسی که راهی شود بمحید نکند پا بر هیچ تری و
نه بر هیچ خشکی مگر که تسبیح کند برای او زمین
هفته و چون خواهی که بمحید روی وقت بیرون
رفتن از خانه بگوید بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ
يَهْدِينِ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ وَإِذَا
مَرَضْتُ فَهُوَ يَشفِيْهِ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ
 رَبِّ قَبْلِ لِي حُسْنًا وَلِحَقِّقِي بِالصَّالِحِينَ
 قَلْبِي لِي لِيَانِ صِدْقِي فِي الْآخِرِينَ وَاجْعَلْنِي
 مِنْ وَثَرَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ وَاعْتَفِرْ لِي **رَبِّكَ**
 جَمَالَ السَّالِكِينَ دَرْكَابِ عَذَّةِ الدَّاعِي كَيْ يَنْجِبَ صِلَى
 اللَّهِ عَلَيْهِ وَاللَّهُ قَرِيبٌ كَرِيمٌ وَضَوَّادُ
 بَعْدَانِ بِيْرُونَ رَوْحِ جَانِبِ مَسْجِدٍ وَدَرْجَلِ
 بِيْرُونَ رَفَقِ انْخَانِ بَكْوِدِ بِيْرُونَ الدَّاعِي
 خَلَقْنِي قَوَّيْنِي هَدَانِي كُنْتُ خَدَايَ تَعَالَى
 أَوْ رَابِضِي إِيْمَانِ وَبَعْدَ بَكْوِدِ الدَّاعِي قَوَّيْنِي
 بِيْظَمِي وَبَعْدَ بِيْرُونَ خَدَايَ تَعَالَى أَوْ رَابِضِي
 طَعَامِي بَعْدَ بِيْرُونَ شَامِي أَوْ رَابِضِي

هَمِشْتُ وَبَعْدَ بَكْوِدِ أَوْ رَابِضِي قَوَّيْنِي
 بَكْوِدِ خَدَايَ تَعَالَى بِنِ كَفَرِ رَاكِدَانِ كَنَاهَانِ
 أَوْ بَعْدَ بَكْوِدِ الدَّاعِي قَوَّيْنِي بَعْدَ بَكْوِدِ
 أَوْ رَابِضِي تَعَالَى مَرْدَنِ سَعَادَتِ يَافِئَكَانِ وَبَعْدَ
 بَكْوِدِ الدَّاعِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ
 الدِّينِ بِيْرُونَ خَدَايَ تَعَالَى جَمِيعِ خَطَايَايَ أَوْ رَابِضِي
 أَوْ رَابِضِي بَعْدَ بَكْوِدِ دَرْجَلِ وَبَعْدَ بَكْوِدِ
 رَبِّ قَبْلِ لِي حُسْنًا وَلِحَقِّقِي بِالصَّالِحِينَ
 بَعْدَ خَدَايَ تَعَالَى أَوْ رَابِضِي وَبَعْدَ بَكْوِدِ
 بَعْدَ خَدَايَ تَعَالَى وَبَعْدَ خَدَايَ تَعَالَى
 وَبَعْدَ بَكْوِدِ وَبَعْدَ خَدَايَ تَعَالَى وَبَعْدَ
 الْآخِرِينَ بَعْدَ خَدَايَ تَعَالَى بَرَايَ أَوْ رَابِضِي

شنید که فلان بن فلان از راست گویات و چون
 بگوید و اجعلنی من ورثة الجنة النعم عطا کند
 خدای تعالی او منزلها در جنت نعيم و چون بگوید
 واغفر لابی سیامزد خدای تعالی پدر و مادر او را
و چون خواهی که بمسجد اخل شوی کفش را و آنچه
 قایم مقام آن باشد ملاحظه کن که نجاستی نداشته
 باشد و مقدم دار پای است و بگوید **سبحان الله**
و بالله و من الله و الى الله و خیر الاسماء و کلها
لله توکلت علی الله الاحول و لا فزع الا بالله
العلی العظیم اللهم صل علی محمد و آل محمد
وافتح لی ابواب رحمتک و قلوبک و اغلق عني
ابواب معصیتک و اجعلنی من ذقارک و عمار

مساجدک و من من یناجیک فی اللیل و النهار و
 من الدین هم فی صلاتهم خاشعون و احقر
 عني الشیطان الرجیم و جنود ابلیس اجمعین
و چون خواهی که کفش را نعلین یا غیر آنها را از پا
 بیرون کنی چپ را پیش از راست بیرون کن و در
 پوشیدن بعکس و اگر در پا نعل عربی باشد و نما
 کردن آن ممکن باشد پس آن نماز کن و آن را بیرون
 ممکن زیرا که نماز در نعل عربی سست است **نقلاً**
 کرده در فقه دیب بستند صحیح از ابن عمار که گفت
 دیدم بارها امام جعفر صادق علیه السلام که
 نماز میکرد در نعلینش و هرگز ندیدم که در وقت
 نماز کند باشد **و روایت** کرده از عبدالرحمن بن

اخی عبد الله که او گفت حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام فرموده که هرگاه نماز میکنی پس نماز
 در فضیلت کن اگر با کسی باشد زیرا که گفته خواهد
 شد که این از سنت است ظاهر آنست که حضرت
 اراده کرده که هرگاه توفیق نماید نماز کنی شیعه
 میدانند که نماز درین سنت است زیرا که راوی
 از اعیان اصحاب امام علیه السلام است و اعتقاد
 تمام بر قول و فعل اوست **بعد اذان** اذان بگوید
 زیرا که اذان صبح از سنتهای مؤکد است حتی
 آنکه سید مرتضی رضی الله عنه واجب دانسته
 بر مردان و بزرگان عقیل یا او مواظبت کرده و زیادت
 که گفته که نماز صبح باطلست بترک آن عمدا

وصلی اذان **بیت** الله اکبر چهار بار آشهد آن
 لا اله الا الله دو بار آشهد آن محمدان رسول الله
 دو بار حتی علی الصلوة دو بار حتی علی الفلاح
 دو بار حتی علی خیر العمل دو بار الله اکبر
 دو بار لا اله الا الله دو بار **سنت** که در
 حال اذان ایستاده باشی و بقبله انگشتهای
 شهادت را در گوشها کرده با و از بلند بتأخیر
 هر فصلی ازین هیجده فصل مذکور وقف کنی
 و بجانب راست و چپ کردی و در آشای آن
 حرف زنی و نزد کسی بنمیزد صلی الله علیه و آله
 صلوات بران حضرت فرستی **روایت کرده** رئیس
 محدثین در فقیه پسند صحیح که امام محمد باقر

عليه السلام فرموده که صلوات بر پیغمبر هرگاه ذکر آن
حضرت کنی یا ذکر آنحضرت کنی پیش تو ذکر کننده در
اذان و غیر اذان و مخفی نیست ظاهر انجوریش دلالت
میکنند بر واجب بودن صلوات بر پیغمبر صلی الله
علیه و آله هرگاه آنحضرت کند هرگاه ذکر آنحضرت
شود در هر یاد کو حق و هر شنیدنی و بعضی
سننیان را مذهب است که واجب صلوات بر
پیغمبر صلی الله علیه و آله در مدت عمر یکبار و بعضی
ایشان را آنکه واجب در هر مجلس یکبار و بعضی
ایشان را آنکه واجب هرگاه نام آنحضرت مذکور شود
و این موافق مذهب ابن بابویه است قدس سره و جمعا
کثر العرفان موافق است در واجب بودن صلوات

هرگاه اسم آنحضرت مذکور شود واضح اینست که دلیل
این میتوان ساخت قول خدای تعالی را و لا تجعلوا
دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا
یعنی مگردانید طلب کردن پیغمبر را میان خود
مثل طلب کردن بعضی از شما بعضی را با آنچه پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرموده که هر که من پیش او مذکور
شوم و صلوات نفرستد بر من داخل آتش شود پس
دور کرده او را خدای تعالی و آنچه مرویت که از آن
حضرت سؤال کردند از قول خدای تعالی اِنَّ اللَّهَ
وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا پس آنحضرت فرمود
که این از علم مکتوفست و اگر نه آنکه شما سؤال کردید

این خبر بمبادم شاید بدستی که خدای تعالی
موکل ساخت دو فرشته بر نام من برده نشود نزد
مسلمی و اوصولات فرستند بر من مگر آنکه بای او
دو فرشته گویند **اَعْقَرَ اللّٰهَ الْکَلْبَ** و بگوید خدای تعالی
و هر فرشته کان آید و من مذکور شوم نزد مسلمی
و صولات فرستند بر من مگر آنکه دو فرشته بگویند
لَا اَعْقَرَ اللّٰهَ الْکَلْبَ و بگوید خدای تعالی و ملائکه
آمین و **مخبر** نمایند که قول امام محمد باقر علیه السلام
در حدیث اولی که هرگاه که ذکر کنی توان حضرت را
یاد و رکعت پیش تو ذکر کند و تقاضا میکند و واجب
بودن صلات **اَعْقَرَ** آن حضرت مذکور باسم یا
مقلب یا بکینه و ممکن است که ذکر آن حضرت بضمیر هم

چنین باشد و در کلام علای ما چیزی درین نیافتم
و احتیاط مقتضی عمومست **بَلَّغْکَ** اظهر آنست که
صلوات و لجبای آید بگفتن **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ**
وَعَلٰی مُحَمَّدٍ اما آنچه روایت شده که چون آید نماندند
اصحاب گفتند یا رسول الله سلام بر تو دانستیم صلی
بر تو چونست بر آنحضرت گفت **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی**
مُحَمَّدٍ وَّ عَلٰی مُحَمَّدٍ **کَمَا صَلَّيْتَ عَلٰی اِبْرٰهیمَ** **وَّ عَلٰی**
اِبْرٰهیمَ و باریک علی محمد **وَّ عَلٰی مُحَمَّدٍ** **کَمَا**
بَارَكْتَ عَلٰی اِبْرٰهیمَ **وَّ عَلٰی اِبْرٰهیمَ** **اِنَّکَ حمید مجید**
ظاهر آنست که حضرت بیان افضل کیفیات صلوات
فرموده اند **بَلَّغْکَ** بمعبر یا صلی الله علیه و آله
افضل است آنحضرت ابرهیم علیه السلام و در علم

بلاغت مقر است که مشبه به اقوی باید از مشبه
 پس تشبیه صلوات بر پیغمبر ما بصلوات ابرهیم
 خلاف مقر بلاغت باشد **جواب** آنست که چون پیغمبر
 صلی الله علیه و آله از آل ابرهیم است پس این کفر
 دو صلوات جهت آنحضرت طلب شدن یکی صلواتی
 که خدای تعالی بر او و بر هلالی آل ابرهیم فرستاده
 در ضمن آل ابرهیم و یکی دیگر صلواتی که خدای تعالی
 بر ابرهیم فرستاده و شان نیست در آنکه صلواتی که
 شامل هر دو باشد افضل از آنکه مخصوص یکی
 باشد و بعضی از علمای این توجیه کرده اند که صلوات
 بر ابرهیم از آن جهت که پیشتر واقع شده اقوی است
 و این قدر در تشبیه کافیت و این وجه ضعیفست

زیرا که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده
 كُنْتُ نَبِيًّا وَاَدْمَ بَيْنَ الْمَاءِ وَالظِّلِّ یعنی من
 پیغمبر بودم در آنوقت که طینت آدم کل بود و بعضی
 دیگر چنین گفته اند که مشبه به صلوات بر آل
 محمد است معنی چنین است که خدا یا صلوات
 بعزت بر محمد و آل محمد چنانکه صلوات فرستادی
 بر ابرهیم و آل ابرهیم و این هم ضعیفست زیرا که
 سؤال اصحاب از کیفیت صلوات بر آنحضرت بوده نه
 از صلوات بر آل آنحضرت و این را وجههای دیگر است
 در کتاب جمل الثمین **فصل** چون از اذان صبح
 فارغ شدی سجده کن یا اندک زمانی بنشین و بگو
 اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي نَارًا وَ عَيْنِي قَارًا وَ زُنْجِي دَارًا

قُلْ لِّمَنْ عِنْدَ قَابِ رِ سُوْلِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 مُسْتَقَرَّةٌ وَأَقْرَارٌ وَبَعْدَ اِذَا نِ هَر دَعَا كِه خَوَاهِي بخوان
 و هر حاجتی که داری از خدای تعالی بطلب **و اینست**
 از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که دعای میان
 اذان و اقامت رد نمیشود **و بعد از آنکه** بخیر و اقامت
 بگو و فصول اقامت همان فصول اذان است اما همه
 دوبار دوبار است مگر لا اله الا الله در آخر اقامت که
 یکبار است و بعد از آن **تَلَا خَيْرَ الْعَمَلِ** دوبار بگوید
 قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ و آدای که در اذان مذکور شد
 در اقامت بجا آید مگر تَلَا و گذاشتن انگشتها در
 گوشها و بلند کردن آواز اینها در اقامت نیست نیست
 و در طهارت و ایستادن اینجا تاکید بیشتر است حتی

آنکه سید مرتضی رضی الله عنه ایستادن و طهارت
 در اقامت واجب دانست **و چون** از اقامت نماز
 صبح فارغ شدی رو بقبله بگو **اللهم اليك**
تَوَجَّهْتُ وَرِضَائِكَ طَلَبْتُ وَتَوَالِكَ اَتَغَيِّثُ وَبِكَ
اَمْنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَافْحْ قَلْبِي لِمَنِّكَ وَنَبِّشْنِي عَلَى دِينِكَ
وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي وَتَعَبَّلْنِي مِنْ
كَدِّكَ وَحَمْرِكَ اَنْتَ الْوَقَّافُ **و اینگونه** در نماز
 بوقار و خضوع ایستاده باشی دستها را گذاشته بر
 زانوهای بر زانوهای پاها را از هم کناده بقدر سه
 انگشت از هم کشوده مقابلیک شبرگاه بموضع سجده کنی
 نماز که چشم بر آسمان و باید که بخاطر آری که وداع

نماز میکنی و چنان نماز را بجا آوری که گویا نماز آخر
 نیت **بعد از آن** نیت کن که نماز صبح واجب و امیکتم
 برای امثال امر خدای تعالی و مفاد ساز نیت را
 یکی از هفت تکبیر افتتاح و بجز کدام که مفاد ساز
 آنرا قصد تکبیر الاحرام کن و بجز تکبیری دستها را
 بردار تا بر او گوشه احجام که ابتدای تکبیر و بر پشت پای
 برداشتن دست باشد و انتهایش رسیدن دستها
 به پیر بر گوشه او دستها از بر او گوشه انگشت رد و کف
 دستها بقبله باشد و هر انگشت را بپهلوی هم باشد و غیر
 آنکه **بزرگ** بعضی از متأخرین فقهای ما
 در نیت تقویٰ کرده چنانکه باعث دشواری نیت
 شده و اکثر مردم و باعث وسوسه ایشان شده و

الافتتاح

احادیث آمده ما سلام الله علیه چیزی از آنها نیست
 بلکه مستفاد از تتبع اخبار آمده و علیهم السلام
 آسانی نیت است و از سختی متقدمین علمای ما
 بچنان زن نکرده اند حتی آنکه بعضی از علماء فرموده اند
 که اگر خدای تعالی ما را مکلف بپساخت بکاری
 در نیت هر آینه تکلیف ما لایطاق میبود و بخاطر
 گذرانیدن مقصود بر وجهی که تمیز یابد از
 غیرش بقصد امثال امر خدای تعالی در نهایت
 آسانیست و کسیکه مشکل داند خدای تعالی برو
 آسان سازد **و بدانکه** سنت است هفت تکبیر در اول
 نماز گفتن یکی تکبیر الاحرامت و واجب شش
 دیگر سنت و باجماع علمای ما نیت و بجز کدام که

خواهی مقدار میتوان ساخت و اثر اقصای تکبیر
الاحرام باید کرد و اولی آنست که چون نیت کنی
اول بقصد تکبیر الاحرام کنی و تکبیرهای سبقت
بعد از آن چنانکه لفظ هر حدیث در راه استفاد
میشود **و مستحبات** در میان هفت تکبیر سه دعا
خواندن و ولایت کرده کلینی از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام بعد از تکبیر و سیم اللهم انت
المالك الحق لا اله الا انت سبحانك اني
ظلمت نفسي فاغفر لي اني لا اغفر الذنوب
الا انت و بعد از تکبیر پنج کبیر و بعد از
کبیر بی بدایت و الشرائع اليك و اللهم
من هديت الامم الىك الا اليك سبحانك

وَحَسْبُكَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سُبْحَانَكَ رَبِّ
الْعَرْشِ **و بعد از** تکبیر هفت خواست تکبیر الاحرام
باشد یا نه و نَحْمُكَ وَنَحْمُكَ وَنَحْمُكَ وَنَحْمُكَ
وَالْأَرْضُ عَالِمُ الْغَيْبِ الشَّهَادَةُ خَيْرٌ مِمَّا
وَمَا آمَنَ الْمُشْرِكِينَ أَنْ صَلَوَتِي وَنَسْكَي وَ
مَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ
لَهُ وَبِذَلِكَ أَمَرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَدُرُودُ
دو کبر چوبین است وَنَحْمُكَ وَنَحْمُكَ وَنَحْمُكَ وَنَحْمُكَ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدَعْوَتِ
مُحَمَّدٍ وَنَبَاحٍ عَلَيَّ خَيْرٌ مِمَّا وَمَا آمَنَ الْمُشْرِكِينَ
تَاخِرُ بِصَافَةِ عَالِمِ الْغَيْبِ الشَّهَادَةُ بعد از دعا
بگو اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ يَا أَعُوذُ بِاللَّهِ

التَّائِبِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَكَفَرْتَ اسْتَعِ
 نَزْدَ عَلِيٍّ وَامْحُصِ اسْتَبْرَأَتْ بَرَكَةُ أَوَّلِ وَاقِعَةٍ
 بَابُ كَفَرْتَ **بَعْدَ ذَلِكَ** الْحِجَابُ بِلَدِّ بَنَاتِي بِعَيْنِي
 تَهْتَدِي كَمْ تَزِيلُ كُنْ بِعَيْنِي جَانِكِ دَرْخَوَانِ
 هَمَّ الدَّافِلِشْ بِأَقْوَانِ شَمَرِ وَبِأَحْضُودِ دَلِّ وَبِخَاطِرِ
 كَلِّ بَاتِيْدَرِ مَعِينَهَا وَوَقْتُ كُنْ بِرُوحِ **بَعْدَ ذَلِكَ**
 الْحِجَابُ سَاكِتْ شَوْبِ بَدِّ بِكَفَرْتَ مَعْدَلِ زَانِ سَوِي
 بَحْوَانِ تَجَمُّدِ بَيْنِ طَرَفِي **وَقَدْ نَسِيتُ** كَمْ سَوْرَةٍ عَقَبَتْ بِأَوَّلِ
 غَاشِيَةِ بِأَسْوَرَةٍ لَا أَقْبِرُ بِعَيْنِ الْقِيَمَةِ بِأَسْوَرَةٍ دَهْرِ
 بِأَسْوَرَةٍ دَرِيَسْ كَرِ كَمْ بَقْدَرِ إِنَّمَا بِأَسْوَرَةٍ جَانِكِ شَيْخِ
 طَوِي قَدَسِ مَرْزُوقِ بَاتِ كَرْدَةٍ دَرْخَوَانِ بِسَبْدِ
 صَحِيحِ از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام

وَبَعْدَ ذَلِكَ سَوْرَةٍ سَاكِتْ شَوْبِ بَدِّ بِكَفَرْتَ مَعْدَلِ زَانِ سَوِي
 اللَّهُ أَكْبَرُ بِكُوْدِ سَمَاءِ بَدِّ أَشْتَدِّ بِأَوَّلِ كُوْدِ بِأَجَانِكِ
 كَفَرْتَ شَدِّ **بَعْدَ ذَلِكَ** رُكُوعِ كُنْ بِأَوَّلِ دَسْتِ رَاكِعِ
 بِزَانُوِي رَاكِعِ كَذَرِ بِعَيْنِ كَذَرِ كَذَرِ دَسْتِ جَبِ
 بِزَانُوِي جَبِ كَفَرْتَ سَمَاءِ بِرُكُوعِ بِزَانُوِي
 بِأَكْشَرِ بِأَوَّلِ كَذَرِ زَانُوِي بِأَجَانِكِ كُوْدِ بِأَجَانِكِ
 زَانُوِي بِأَجَانِكِ عَقَبِ كُنْ بِبَسْتِ بِأَسْوَرَةٍ كُنْ
 كَرْدِ رَاكِعِ دَرِ كُنْ بِبَسْتِ بِأَسْوَرَةٍ كَرْدِ دَرِ كَرْدِ
 وَبِكُوْدِ بِأَجَانِكِ بِأَسْوَرَةٍ كَرْدِ دَرِ كَرْدِ
 بِسَبْدِ صَحِيحِ از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام
 اللَّهُمَّ لَكَ رُكُوعٌ وَلَكَ اسْتِغْنَاءٌ وَلَكَ اسْتِغْنَاءٌ
 عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَلَكَ رُكُوعٌ وَلَكَ رُكُوعٌ وَلَكَ رُكُوعٌ

بَصَرِي شَعْرِي وَبَشْرِي وَخُحِّي وَدُمِّي وَخُحِّي
 وَعَصْبِي وَعِظَامِي وَمَا أَفَلَحَ قَد مَاتِي غَيْرَ
 مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُتَكَبِّرٍ وَلَا مُتَحَكِّمٍ بِيْكَو
 سُجَّانَ رَحْمَةِ الْعَظِيمِ وَيَحْيِي هَفْت يَابِ يَابِ
 يَابِ يَابِ بَعْدَ دَازِنِ دَاسْتَشُو وَبَابِ يَابِ يَابِ يَابِ
 اللَّهُ لَمْ يَخْلُقْ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَهًا أَكْبَرَ يَكُونُ ابْتَدَاءَهُ بِيْكَو
 بِيْجُودِ رُوحِ وَخُشُوعِ وَخُشُوعِ وَبِرَزْمِ كَذَارِ
 كَفْهَائِي دَمِ دَاسْتِشُو دَازِنِ دَازِنِ دَازِنِ دَازِنِ
 انْدِيدَن دُورِ كُن چنانكه مَرُوحِ بَالِ كَشَادَه وَكَفْهَائِي
 دَسْتِ اَلَكَشْتِ نَارِ اَبِهَمِ كَشَادَه بَرَزْمِ كَذَارِ بَرِ اَبِ
 سِرْهَائِي دُوشِ وَرُوحِ چنان سَجْدَه كُن كِه هَبِجِ عَضْوِي
 اَنْدِيدَن دُورِ عَضْوِي بِيْكَو نَاشِدِ وَبِشَارِ دَازِنِ دَازِنِ

کند

کَذَارِ وَمُتَمَكِّن سَازِ وَافْضَلِ تَرْتِ حَضَرَتِ اِمَامِ حَسَنِ
 عَلَيْهِ السَّلَامِ اسْتِ بِنِي اَبِ خَالِ كَذَارِ وَكَاهِ
 كُن دَعَالِ بِيْجُودِ بَحَابِ سِرْ بِنِي بِيْكَو لَاحِ دُورِ
 كَافِي رَاسِتِ كَرْدَه بَسِنْدِ حَسَنِ اِنْ حَضَرَتِ اِمَامِ
 حَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ اللَّهُمَّ لَكَ سَجْدَتُ وَبِكَ
 اَمْنْتُ وَكَانَ اَسْلَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ بِيْكَو
 سَجْدَه وَخُجْجِي الَّذِي كَلَفَنَهُ وَصَوْنُ وَسَمْعُهُ
 وَبَصَرُهُ لِحَمْدِ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ تَبَارَكَ اللَّهُ اَلْاٰخِرُ
 اَلْاٰخِرِينَ بِيْكَو سُجَّانَ رَحْمَةِ الْاَعْلَى اَمْسَحِدِنِ
 هَفْت يَابِ يَابِ يَابِ يَابِ بَعْدَ دَازِنِ سِرْ بَرِ دُورِ
 بَنِشِينَ وَاللَّهُ اَكْبَرُ يَكُونُ تَوَكَّلْتُ كُن بَعْنِي بَرِ اَبِ
 بَنِشِينَ وَبِشَارِ دَازِنِ دَازِنِ دَازِنِ دَازِنِ

وفاقی

استغفر الله ربی و اتوب الیه و یسبح بحمده و یتذکرها
روایت کرده پسند حسن حضرت امام علی علیه السلام
اللهم اغفر لی ما مضی و ما یتربع و ما یتدرج و ما یتدرج
لیما ازلت الی من خیر فقیه تبارک الله رب
العالمین بعد از آن تکبیر دوم بگوید سجده دوم
نکین بطریق اول و بعد از آن سر بر آرد و اندک
نماز بنشین متوکل و این دلجسته است راحت
میگویند و وقت این مکن زیرا که سید مرتضی
قدس سر این را واجب دانسته بعد از آن برخیز
و اقل زانو ها را از زمین بردار پیش از دستها و تکبیر
کن در برخاستن بر دستها و بگوید بحول الله و قوته
اقوم و اتحد و لا کفر و اتحد پس چون ایستادی

الشیع

بخوان الحمد و سوره چنانکه دانستی در رکعت اول
و سوره شریفه سوره توحید و بعد از قرائت
سوره ساکت شو بقدر بکنفس بعد از آن تکبیر
بکوی برای قنوت و دستها را بردار تا بر آید و
و گفتا بر آسمان و انکشتا پهلوی هم نهاده الاده
انکشت بر رت و کلمات فرج بخوان لا اله الا الله
الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم
سبحان الله رب السموات و رب الارضین
الشیع و ما فیهم و ما بینهم و رب العرش
العظیم و الحمد لله رب العالمین کلینی در کتاب
کافی کلمات فرج را چنین روایت کرده پسند حسن
از امام محمد باقر علیه السلام و در بعضی کتب دعا

وَمَا تَخْتَرُونَ بَعْدَ ذَلِكَ وَمَا يَكُونُ مِنْ رِوَايَةٍ كَرِهَ الْبَاقُونَ
 وَدَرِغَمِي وَمَا تَقُولُونَ بَعْدَ ذَلِكَ وَمَا تَخْتَرُونَ
 وَدَرِغَمِي وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَإِنْ زِيَادَتُهَا
 فِي رِوَايَاتٍ مَعْتَبَرَةٍ بِنَافَةِ وَبَعْدَ ذَلِكَ كَمَا تَفْرِجُ كَوْنُ
 اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وبعد از آنکه اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَخَصَّصَ الْأَبْصَارُ وَ
 تَقَلَّتِ الْأَقْدَامُ وَدَفَعَتِ الْأَيْدِي فِي مَدَنِ الْأَعْنَاقِ
 وَأَنْتَ دُعَيْتَ يَا أَلَسَّ قَدَّ إِلَيْكَ سِرُّهُمْ وَتَجَوَّهْتُمْ
 فِي الْأَعْيَالِ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ
 خَيْرُ الْفَاتِحِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ عَيْبَةَ إِمَامِنَا وَ
 قِلَّةَ عَدَدِنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَظُلْمَةَ الْأَعْدَاءِ

عَلَيْنَا وَفَوَاحِشَ الْفِتَنِ بَيْنَنَا فَفَرِّجْ ذَلِكَ اللَّهُمَّ بَعْدَ
 تَطَهُّرِهِ وَإِمَامِ تَعْرِفُهُ إِلَهُ الْحَقِّ الْإِمَامِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ **وبعد از آنکه** اللَّهُمَّ مَنْ كَانَ أَصْحَابُ
 وَلَهُ نَفَقَةٌ وَجَاءَ عَمَلُهُ فَأَنْتَ تَقْبَلُ وَدَجَائِي
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْجَمَ
 أَرْحَمَ ضَعْفِي وَمَسْكَنِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي
 وَأَمَّنْ عَلَى بِلَاجَتِي وَقِلَّةَ رِقَبَتِي مِنَ النَّارِ
 وَعَافِنِي فِي نَفْسِي وَفِي جَمِيعِ أُمُورِي بِرَحْمَتِكَ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَكَرْخَوَاهِي كَمَا زِيَادَهُ مِنْهَا
 بِخَوَالِي أَضَافَهُ كَمَا بَانَهَا قَوْمَهَا فِي كَدِّ بَابِ شَمِ
 مَذْكَورٍ وَخَوَاهِدُ شَدِّ **وبعد از آنکه** دَسْتِهَا لِبَرِّ دَارِهِ
 تَكْبِيرٍ وَدُكُوعٍ وَبُحُورٍ بِجَا أَرْحَمَ أَنْكَ دَانَسْتِي وَ

حق

بعد از سجده دوم بشین برای تشهد متون و
نگاه کن بر کنار خود و بگو **نعم الله و باله و خیر**
الاسماء لله أشهد أن لا اله الا الله وحده
لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده ورسوله
أنسكه بالحی بکرا و مذکرا بین یدی الساعة
و أشهد أن ربی نعمه الرزق و أن محمدا نعم
الرسول اللهم صل علی محمد و آل محمد و تقبل
شفاعتی فی أمته و ارفع درجاته بعد از آن
دو بار یا سه بار بگو الحمد لله و ازینها آنچه
واجب است شهادتین و صلوات بر پیغمبر صلی الله
علیه و آله و آل پیغمبر است صلی الله علیه و آله
بمقصد بیرون رفتن از نماز بگو اللهم علیکم

و رحمة الله و بركاته و قصد کن انبیا و انتم
و حفظه را و اشاره کن بگو شد چشم راست چپاوی
فصل چون از نماز فارغ شوی شروع کن در
تعقیب در نفس بر آیه فاذا فرغت فانصب
و الخ اربک فانصب مذکور است یعنی هرگاه
فارغ شوی از نماز واجب پس راست شو و به
پهلوی در کار خود در غایت کن بدعا و سوال کن که
او بتو عطا میکند و روایت کرده شیخ طوسی در
تهذیب پسند صحیح که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرموده تعقیب این است در طلب
رزق از تردد در شجرها و مراد بتعقیب دعوات
در غایت نمازها و هم در تعقیب روایت کرده باشد

تعقیب نماز

حسن که حضرت امام محمد باقر را امام جعفر صادق
 علیه السلام فرموده اند دعا در عقب نماز واجب
 افضل است اند دعا در عقب نماز سنتی مثل فضیلت
 نماز واجب از نماز سنتی **روایت کرده اند**
 در کافی بسند حسن که امام محمد باقر علیه السلام
 فرموده دعا بعد از نماز واجب افضل است از نماز
 سنتی و روایات نامتعدد علیه السلام درین باب
 بسیار است و افضل تعقیب تسبیح فاطمه زهرا
 علیها السلام است **روایت کرده** در تحذیب بسند
 صحیح که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
 کسی که تسبیح کند به تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام
 بعد از نماز فریضه پیش از آنکه پاهای او پهلوی هم گذارد

آمرزیده شود و ابتدا کند تکبیر و هم فرموده که
 ما امر میکنیم اطفال خود را بتسبیح فاطمه زهرا
 علیها السلام چنانکه امر میکنیم ایشان را بنماز
 پس لازم سازد بخود زیرا که لازم نماز است و آنرا بر
 خود بنده که شقی باشد مگر که سعید گردد و هم
 آنحضرت فرموده که تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام
 در هر روزی عقب هر نمازی دو ستر است نزد
 خدای تعالی از هزار رکعت نماز و در هر روز
 و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده که
 هیچ بنده عبادت نکرد مگر خدای تعالی را بچیزی از
 بخید که افضل باشد از تسبیح فاطمه زهرا علیها
 السلام و اگر چیزی از آن افضل میبود هر آینه آنرا

هدیه مکرر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

بناطق علیه السلام **در فضیلت**

تسبیح طاهر زهره علیها السلام بیاد است و باید که

نشین برای تعقیب متصل باشد بخشتم مان

و بحسن بهیئت در عقبه متوکل و در انشای

تعقیب یا کسی سخن گوید و روان قبله گرداند

تا به آنکه روایت شده که هر چه مضرت بخاند دارد

عشرت بکار **فصل** در بیان

سلام نماز عبادی که بگوید و دستها را برداشته

تکرار کند و در آخر نماز بر قبله ایستد

و از تعقیب **و بعد از آنکه** لا اله الا الله

لا اله الا الله که مسلمون لا اله الا الله احمدا

واحدا و نحن له مخلصون لا اله الا الله لا نعبد

الاياه مخلصين له الدين ولو كبر

المشركون لا اله الا الله ربنا ورب اباينا

الاولين لا اله الا الله وحد و حده ابجده

و حده و نصر عبده و هزم الاخراب و حده

قله الملك و له الحمد و هو على كل شيء قدير

استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم

و اتوب اليه اللهم اهدني من عندك و

افض علي من فضلك و انشر علي من رحمتك

و انزل علي من بر كالك سبحانك لا اله الا

انت اغفر لي ذنوبي كلها جميعا و لا تغفر

الذنوب الا جميعا الا انت اللهم اني استغفر

لا اله الا الله وحده لا شريك له له ما والا
 احدا قرآن احمد ان يحيد صاحبته ولا ولدنا
وسو **و** سبحان الله وبحمده ولا اله الا الله
 والله اكبر وافضل انت كذا ذكرها وتيسر ان
 بد شيعي ان خاك امام حسين عليه السلام بشعره
رواي **ك** درم ديب بسند صحيح كه حضرت
 صاحب الامر صلوات الله عليه فرموده كه تربيت
 امام حسين عليه السلام افضل جزيت كه
 نسج من آن حفظ كنند و بدست بكه نسج
 كنند و امرش كه بدست بكه نسج كنند و امرش
 امام حسين عليه السلام دارد ست بگردانند پس
 نوشتند بر آن نسج را و يعني توان آن نسج كه

فراموش كرده بعد از آن كه و اين مخصوص است
 بصبح يا مقلب القلوب والا تبصار صل على
 محمد وآله وثبت قلبي على دينك و دين بيتك
 صلواتك عليه وآله ولا ترغ قلبي بعد اذ
 هدني و قبل من كذبك رحمة انت
 الوهاب اللهم اني اعوذ بك من ذوال
 نعمتك و تحويل غافيتك و من تجاوة نعمتك و
 من ذل الشقاء و من شر ما سوى في الكتاب
 اللهم اني استاك بعزة ملكك و عظم
 سلطانك و شدة قوتك على جميع خلقك ان
 نصلي على محمد وآله و ان تفعل بي هكذا
 و كذا مطلب خود ذكر كن بجای كذا مكن **عبداللہ**

أعبد نفسي فاقلي ومالي وولدي وأخواني
وما زادني ديني ويجمع من يعبدني أمرة بالله
الوحيد الأحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد
ولم يكن له كفوا أحد ويرث العلق من
شئ ما خلقنا آخر سورة ويرث الناس الآخر سورة
فتح انشهد وآية الكرسي فاعلم فيها الخلد ونزل
شجرة لاله الله لا اله الا هو الملك القدوس
العليم فاعلم ان القسط لا اله الا هو العزيز الحكيم
ان الذي عند الله الاسلام **والملك** قال الله
مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع
الملك ممن تشاء وتنزع من تشاء وتنزع
تشاء بيدك الملك على كل شيء قدير فاعلم

الليل في النهار وتوحي النهار في الليل وتخرج
الحق من الميت وتخرج الميت من الحق وتزوي
من تشاء بعبدك حساب **ولله** ان ربيكم
الله الذي خلق السموات والارض في ستة ايام
ثم استوى على العرش بعيسى الليل النهار يطلبه
حنباء والنس والعمرة والنجور مستحبات يا من
الاله الخلق والامر ببارك الله رب العالمين
ادعوا ربكم بكنية نصرة ما تشاء من
المعتدين ولا تشاء من
وادعوه خوفا وطمعا لان
الحسين **والله** ان ربيكم
لكلمات ربني لنفخ الصور قبل ان تنفد

كَمَا تَدْعِي وَلَا تَجْعَلْ لِمِثْلِهِ مُدًا قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ
 مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَالْحَيَاةُ
 مَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا
 وَلَا يُخْلِكْ لِهَيْبَةِ قَوْمٍ لَّكُمُ الْوَعْدُ أَن تَلْبَسُوا
 لِبَاسَ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَالصَّافَّاتِ صَفًّا قَالُوا هَاتِي بِآيَاتِكِ
 يَا مَرْيَمُ إِنَّكِ عَلَىٰ كَرَامٍ
 وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّكَ الشَّرِيفُ إِنَّ رَبَّنَا
 السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِسَبْعَةِ آكَافٍ وَجَعَلْنَا
 كُلَّ شَيْءٍ بِحُجْرٍ وَلَا تَسْمَعُونَ إِلَّا لِقَاءَ الْإِصْطِفَاءِ
 وَتَقْدِيرٍ مِنْ كَلَامٍ مُّخَوَّلٍ وَلَهُمْ
 عَالَمٌ دُونِ الْأُولَىٰ حُجْرٌ لِلنَّفَقَةِ فَاتَّبِعُوا

نَهَابَ ثَائِقٍ **مَسَارِيَهُ** **وَالْوَصَالَاتِ** شَجَانِ
 رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى
 الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ **مَسَارِيَهُ** **الْحَمْدُ**
الرَّحْمَنِ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ وَالْإِنْسِ لِمَنِ اسْتَغْنَعْتُمْ
 مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَاسْتَعِينُوا
 لَا تَتَدَوْنَ إِلَّا بِلِطَانِ قَبَائِلِ الْأَوَّلِ يَكُنَا
 نَكْنُزًا بَيْنَ يَرْسَلٍ عَلَيْكُمْ مَا شِئْتُمْ مِنْ
 نَارٍ وَمَحَاسِنَ فَلَا تَنْفِرُوا **وَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا**
سُورَةُ كُوْنُوا لَنَا قَدْ أَفْلَحَ الْقُرْآنُ عَلَىٰ جَبَلٍ كَرِيمٍ
 خَالِصَةً مِّنْ دُونِ خَشْيَةِ اللَّهِ وَفَلَا الْإِمْتِنَانِ
 تَضَرُّعًا لِلنَّاسِ لَعَنَهُمْ تَفَكَّرُوا هُوَ اللَّهُ
 الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ فَاتَّبِعُوا

أَنْ تَقْدِرُوا

الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك
القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار
المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله
الظاهر الباري المصور له الاسماء الحسنى
يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز
الحكيم **وبعد فلان** دوانده بارقل هو الله
احد **وبعد فلان** ابن دعا بخواند كنهاي دستها
كشاده اللهم اني استنك باسمك المتكبر
الغفران الظاهر الظاهر البارئ واسألك
باسمك العظيم وسلطانك القديم يا ارحم
الاعضاء يا مطلق الاسارى يا فعال الرقاب
من النار تسلك ان تصلى على محمد وآل محمد

وان تغفر رقبتي من النار ولان محمدني من
الدنيا امنا وتدخلني الجنة سالما وان تجعل
دعائي اولة فلا حاد واسطة تحاذا واخر
صلاحك انك انت علام الغيوب **ابن محمد**
بسم الله اني أصبحت اشهدك وكفى بك
شهادة واشهد ملائكتك وحملت عرشك
وسكنان سمواتك وارضك وايدامك
ورسلك والصابحين من عبادك وجنهم
خلقك فاشهدني وكفى بك شهيدا اني اشهدك
انك انت الله وحدك لا شريك لك ولان محمدنا
صلواتك عليه واله عبادك واسألك وان
كل معبود وشاهد قد غفر لك الى غير انك

السابعة الثقل الباطل مضحل ما عدا وجهك
الذكر فانه اعز واكرم واجل و
اعظم من ان يصير الواصفون كنه جلاليه
او تهتد في القلوب الى كنه عظمته يا من
فارق مدح الماديين نحو مدحه وعدا وصف
الواصفين مما ترسمهم وجده عن نقا ليه
اللطيفين العظيم شانه صلى على محمد وآل محمد
وافعل بنا ما انت اهله يا اهل الثرى واهل
الغفر **وبعد انك** سبحان الله كما اسبح الله شئ
وكما يحب الله ان يسبح وكما هو اهله و
كما ينبغي ان يكرم ويحبه وعز جلاليه
ولحمده كما احب الله شئ وكما يحب الله

وكما هو اهله

ان يحبه وكما ينبغي ان يكرم ويحبه وعز
جلاليه ولا اله الا الله كما احب الله شئ و
كما يحب الله ان يهمل وكما هو اهله وكما
ينبغي ان يكرم ويحبه وعز جلاليه والله اكبر
كلما كبر الله شئ وكما يحب الله ان يكبر
وكما هو اهله وكما ينبغي ان يكرم ويحبه
وعز جلاليه سبحان الله ولحمده ولا اله الا
الله والله اكبر على كل نعمته نعم بها على وسعه
كل احد من خلقه ممن كان او يكون الى يوم
القيام الموعدين اسئلك ان تصلي على محمد
والجسد واسئلك خير ما ارجو وخير
ما لا ارجو واعوذ بك من شر ما احذر ومن

شَرُّ مَا لَاحَظَ مِنْهُ **وَمِنْ شَرِّ مَا لَاحَظَ مِنْهُ**
خبر بِسْمِ اللَّهِ خَيْرَ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّنا الْأَرْضِ
 وَالسَّمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّهُ مَعَ اسْمِهِ سَهْرٌ
 وَلَا دَاوَاءٌ بِسْمِ اللَّهِ أَصْبَحَتْ وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ بِسْمِ
 اللَّهِ عَلَى قَلْبِي وَتَقْبَلِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى دُجْبِي وَعَقْلِي
 بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِي وَمَالِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى مَا أَعْطَانِي
 رَبِّي بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّهُ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي
 الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُ
 اللَّهُ رَبِّي حَقًّا لَا شَرَّكَ لَهُ شَيْءٌ اللَّهُ أَكْبَرُ
 أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَكُلُّ شَيْءٍ خَلْقٌ وَخَلْقٌ
 عَزَّ جَارِكُ وَجَلَّ جَلَالُكَ وَقَدْ كُنْتَ سَائِلًا
 صَلَّ اللَّهُ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ قُرْبَتِي

وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ شَدِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ
 شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَلٍ عَنِيدٍ وَ
 مِنْ شَرِّ قَضَاءِ السَّوءِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَائِبَةٍ
 أَنْتَ الْخَدَّيْنِ صَائِبَتَا أَنْتَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
 وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيفٌ إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي
 نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ فَإِنْ
 تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
 وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ فَكَيْفَ يَكْفِيكَ اللَّهُ
 وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
 الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ **وَكُلُّ مَنْ دَعَاكَ فَجَوِّدْ**
بسم بِسْمِ اللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآفَاقُ

أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ قَوْلِي
اللَّهُ سَيُنَازِلُنِي مَا مَكْرُوهٌ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ
إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَجَجْنَاهُ مِنْ
أَنفِهِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُذِينَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ
الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ إِلَى دِيَارِهِمْ
فَلَمْ يَسْأَلُوهُمْ مَا مَالَ اللَّهِ لَا تَحْوِلْ وَلَا تَقْوَ إِلَّا
بِاللَّهِ مَا مَالَ اللَّهِ لَا مَالَهُ الْإِنْسَانُ مَا مَالَ اللَّهِ فَلَمَّا
كَرِهَ اللَّهُ مِنْ خِزْيِ الرَّبِّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ خِزْيَ
الْخَالِقِ مِنَ الْخَلْقِ فَبِئْسَ خِزْيَ الْإِنْفِ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ
خِزْيَ الَّذِي لَمْ يَلَمْ خِزْيَ خِزْيِهِ مَنْ كَانَ مُدًّا
كَتَبْتُ خِزْيَ خِزْيِ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ
وَكَلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ **سورة الكهف**

أَصْبَحَ ظَلِي مُنْجِبًا لِعَفْوِكَ وَأَصْبَحَ دُخَانِي
مُنْجِبَةً لِعَفْوِكَ وَأَصْبَحَ خَوْفِي مُنْجِبًا
بِأَمَانِكَ وَأَصْبَحَ قَهْرِي مُنْجِبًا لِعَفْوِكَ وَأَصْبَحَ
ذُلِّي مُنْجِبًا لِعَفْوِكَ وَأَصْبَحَ ضَعْفِي مُنْجِبًا
لِقَوْلِكَ وَأَصْبَحَ وَخْجِي الْفَاقِي مُنْجِبًا لِبُخْبِكَ
الْبَاقِي بِأَكَاثِرًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَبِأَكَاثِرًا بَعْدَ
كُلِّ شَيْءٍ وَبِأَكَاثِرًا كُلِّ شَيْءٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالْحَمْدُ وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي قُرْبًا وَخُرْجًا
وَارْدَةً فَيَنْزِلَ مِنْ خَبَرِكَ أَحَقُّبٌ وَمِنْ حَيْثُ لَا
أَحْقَبُ **عبد الله** بدت بلسانك خرد و بکبر و
دست چپت احواس آسان بکنایه و هفت بار بگو
یا رب محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد و علی

فَوَجَّهْتُكَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِيَّةِ وَهَذَا **سُكُونٌ** يَا رَبِّ مُحَمَّدِي
وَالْمُحَمَّدِيَّةُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِيَّةِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ
مِنَ الدُّنْيَا **سُكُونٌ** يَا اللَّهُ يَا تَحِيَّ يَا رَحِيمَ لَا تَحِيَّ يَا
قَيُّوْمُ رَحِمَتِكَ اسْتَعَيْتُكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ لَيْسَ
فِي كُلِّ كَرِيَةٍ وَأَنْتَ رَحْلَانِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ
لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ قَدْ لِي قُوَّةٌ وَعِزَّةٌ فَأَعِزَّنِي يَا قَوِيَّ
كُلَّهَا وَآكُفَّنِي يَا وَفِيَّ عَلَى اللَّهِ أَعِزَّنِي
يَجْلَا لَكَ عَنْ حُرَايِكَ وَفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ
سُكُونٌ وَيَا مَنْ رَأَى شَاهِدِي فِي تَوَلَّى غَوَايَا أَصْحَابِ
اللَّهُمَّ مُعْتَمِدًا بِمَا بَيْنَ يَدَيْكَ الْمَسْجِدِ الَّذِي لَا يَحْوُلُ
وَلَا يُفْطَأُ وَلَمْ يَنْشُرْ كُلُّ غُلَامٍ وَظَلَمٍ مِنْ سَائِرِ
مَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّالِحِينَ وَالْبَاطِلِينَ فِي

يُخَيَّرُ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ يَلْبِاسٍ سَابِقَةٍ وَلَا أَهْلٍ
بَيْتِ بَيْنِكَ مُحَمَّدٌ صَوَّلَاكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ تَحْتِجَابًا
مِنْ كُلِّ فَاصِدٍ لِي يَأْذِنَ بِحَدِيدٍ حَصِينٍ الْأَخْلَاصِ
فِي الْأَعْيُنِ أَلْفٍ يَحْقِقُهُمُ وَالْمَسْنُوكُ بِحَبْلِهِمْ مُؤَقِّنًا
بِأَنَّ الْحَقَّ مَعَهُمْ وَفِيهِمْ وَفِيهِمْ أَوَّالِي مَنْ وَالُوا
وَالْجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْ مُحَمَّدُ
وَلَا عَذْفُ اللَّهِ يَهْدِيهِمْ مِنْ شَرِّ مَا انْقَبَى يَاعْظِمُ
عَجْرَتُ الْأَعَادَى عَنِّي بِسَدِّعِ السَّمَوَاتِ وَالْ الْأَرْضِ
وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا مِنْ خَلْقِهِمْ
سَدًّا غَشِيْنَا لَهُمْ قَهْرًا لَا يُبْصِرُونَ **هِيَ كَوَالِي**
مُحْصُونَ **بِهِ** **لَعَلَّ** **لَهُ** **الَّذِي** **أَذْهَبَ**
الَّذِي يُعَذِّبُهُ وَجَلَّ بِالشَّهَادَةِ وَحَمِيَّةِ حَلْفًا

جَدِيدًا وَتَحْنُ فِي عَاقِبَتِهِ بَيْنَهُ وَخُودِهِ وَكَرَمِهِ
 مَرَجِبًا بِالْحَافِظَيْنِ **وَمُتَوَجِّهًا بِجَانِبِهَا**
وَبِكَيْ حَيَاكُمْ مَا اللَّهُ مِنَ الْكَاشِفِينَ وَمُتَوَجِّهًا
بِجَانِبِهَا بِكَيْ أَكْبَارِكُمْ مَا اللَّهُ بِسَمِ اللَّهِ
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
 وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ
 السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَإِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ
 فِي السُّبُورِ عَلَى ذَلِكَ أَخِي مُحَمَّدًا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفَعَلِيهِ
 أُبْعَثَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ أَقْرَبَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 مَعِيَ السَّلَامُ **بِكَيْ أَكْبَارِكُمْ مَا اللَّهُ بِسَمِ اللَّهِ**
 مُحَمَّدًا فِي السَّمَاءِ إِذَا تَعَالَى وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ
 قَالَ مُحَمَّدٌ فِي السَّمَاءِ إِذَا تَعَالَى وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ

قَالَ مُحَمَّدٌ فِي السَّمَاءِ إِذَا تَعَالَى وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ
 قَالَ مُحَمَّدٌ مَا لَاحَ الْحَبْدُ بِدَانٍ وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
 أَلِ مُحَمَّدٍ مَا أَظَرَّ لِلْمَافِقَانِ وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ
 قَالَ مُحَمَّدٌ مَا أَحْدَثَ الْحَادِيَانِ وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ
 قَالَ مُحَمَّدٌ مَا عَسَسَ لَيْلٍ وَمَا أَوْفَقَ ظِلَامٍ
 وَمَا تَنَفَّسَ نَفْسٌ وَمَا أَصْلَحَ فُجْرٍ اللَّهُمَّ اجْعَلْ
 مُحَمَّدًا خَطِيبَ قَوْمِي الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْكَ وَالْمَكْتُوبِ
 حَلَّ الْأَمَانِ إِذَا أَوْفَقَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَالنَّاطِقِ
 إِذَا غَرَسَ الْأَسْمَ بِالسَّمَاءِ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ أَغْلِ
 مَنَازِلَهُ وَأَرْفَعْ دَرَجَتَهُ وَأَظْهِرْ حُجَّتَهُ وَتَقَبَّلْ
 شَفَاعَتَهُ وَابْعَثْ الْمَقَامَ الْحَمْدُ الَّذِي وَعَدْتَهُ
 وَلَقَدْ كَلَّمَ مَا أَحْدَثَ الْحَادِيَانِ مِنْ أَمْرِهِ بَعْدَهُ اللَّهُمَّ

بِحُجَّتِهِ

إِلَى اسْتِثْنَاءِكَ مِنْ جِبَارَتِ دَعْوَتِكَ وَعَيْنِ نِعْمَتِكَ
وَالْعَنِيَّةِ مِنْ كُلِّ بَرٍّ وَالسَّلَامَةِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ وَ
اسْتِثْنَاءِكَ الْعَوْنَ بِالْحَيَّةِ وَالْحَيَاةِ مِنَ الدَّاءِ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي فِي صَلَواتِهِ
وَدُعَايِهِ بَرَكَةً تُظهِرَ بِهَا قَلْبِي وَتُورِسَ بِهَا
دُعَايِي وَتَكُونُ بِهَا كُنْفِي وَتَغْفِرَ بِهَا ذُنُوبِي
وَتَقْضِي لِي أَمْرِي وَتُعْصِي بِهَا قُرْبِي وَتَقْضِي
بِهَا حَاجَتِي وَتُفَرِّجَ بِهَا هَمِّي وَتُكَلِّ بِهَا عَنِّي
وَتَكُنْ لِي بِهَا سَعْيِي وَتَقْوَمَ مِنْ بِهَا خَوْفِي وَتُجَبِّلُ
بِهَا حُرْفِي وَتَقْضِي بِهَا دُعَايِي وَتَجْمَعُ بِهَا شَمْلِي
وَتَبْرِضَ بِهَا وَجْهِي وَتَجْعَلَ لِي عِنْدَكَ خَيْرًا
لِي **بَعْدَ ذَلِكَ** اللَّهُمَّ إِنْ أَدْعُوكَ لَمْ لَا يَفْزَحْهُ

عَبْرَةٍ وَلَوْ حَتَّى لَا تَسْأَلَ لَاحِظِيكَ وَحَاجَتِي لَا يَقْضِيهَا
إِلَّا أَنْتَ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ كَمَا كَانَ مِنْ
شَانِكَ مَا أَرَدْتَنِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ وَالْهَمِّ بِهِ
مِنْ شُكْرِكَ وَدُعَايِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ شَانِكَ
الْإِجَابَةُ لِي فِيهَا دَعْوَتُكَ وَالْحَاجَةُ فِيهَا فَرَغَتْ
إِلَيْكَ مِنْهُ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ أُبْلَغَ
رَحْمَتِكَ فَإِنْ رَحِمْتِكَ أَهْلًا أَنْ تَبْلُغَنِي وَ
تُعْصِي لِحَاظِي وَتَبْعِي كُلِّ شَيْءٍ وَأَنَا شَيْءٌ
فَلْتُعْصِي رَحْمَتَكَ يَا مَوْلَايَ **فَإِنْ دَعَا جَوَان**
بَاكِرِهِ وَكَرِيمِهِ بِأَيْدِ آوَادِ رَاجِحَانِ كَنْ كَرِيمَا
كَرِيمِي بِكَ إِلَهِي إِنْ دُعَايِي وَكَرِيمَتِي لَمْ تَقْضِ
وَجْهِي عِنْدَكَ وَتُجَبِّسَنِي عَنْ شَانِيهَا

رَحْمَتِكَ وَيَا عَدُوِّي عَنِ السَّيِّئَاتِ مَغْفِرَتِكَ
 وَلَوْ لَا تَعَلَّقَنِي بِالْأَلْيَةِ وَتَمَكَّنِي بِالرَّجَاءِ لَمَاتُ
 وَعَدَّتْ أَشْأَلِي مِنَ الْمُسْرِفِينَ وَأَشْبَاهِي مِنَ
 الْخَاطِئِينَ يَقُولُكَ يَا عِبَادِي الَّذِينَ آمَنُوا
 عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
 يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ
 وَحَدَّثَتِ الْغَائِطِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ فَقُلْتُ
 وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ
 ثُمَّ نَدَبْتَنِي رَحْمَتِكَ إِلَى دُعَايِكَ فَقُلْتُ
 أَدْعُوهُ اسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ
 عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ إِنْ هِيَ إِلَّا
 لَمَقْدَرَةٌ كَانَ ذَلِكَ الْيَاسِرُ عَلَى مُشْمَلٍ وَالْقَنُوطُ

مِنْ رَحْمَتِكَ بِمِثْلِ حَقِّكَ إِلَهِي قَدْ وَعَدْتَ الْحَسَنَ
 ظَنَّهُ بِكَ ثَوَابًا وَأَوْعَدْتَ الْمُسِيئَ بِكَ ظَنَّهُ عِقَابًا
 اللَّهُمَّ وَقَدْ أَسْبَلَ دُمْعِي حَسَنَ الظَّنِّ بِكَ فِي عَتَقِ
 رَفْعَتِي مِنَ النَّارِ وَتَغْوَرْتُ لَكَ وَإِذَا لَوْ عَرَفْتُ
 قُلْتُ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ الَّذِي لَا خَلْفَ فِيهِ وَلَا تَبْدِيلَ
 يَوْمَ تَدْعُو كُلُّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمُ الْأَمَمَ إِنْ أَوْفُرُ
 وَأَشْهَدُ وَأَعْتَرِفُ وَلَا أَجْحَدُ وَأُسِرُّ وَأُظْهِرُ
 وَأَعْلِنُ وَأُبَيِّنُ يَا نَبِيَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ
 إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنْ مُحَمَّدًا
 عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنْ عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
 وَوَسِيَّهُ الْوَصِيِّينَ وَوَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَقَوْلُكَ
 الْمُسْرِكِينَ وَإِمَامَ الْمُتَّقِينَ وَمُجَاهِدَ الثَّاكِرِينَ

وَالْغَاسِقِينَ وَالْمَارِقِينَ إِيَّاهُ وَجَّهْتِي وَ
 صِرَاطِي فَدَلِّلْنِي وَجَّهْتِي وَمَنْ لَا تُؤَيِّدُ إِلَّا الْعَمَالَ
 فَإِنَّ ذِكْرَكَ وَلَا آثَارَهَا نَجِيَّةٌ وَإِنْ صَلَّيْتُ إِلَّا
 بِوَلَّيْتِهِ وَالْإِيمَانُ بِهِ وَالْإِفْرَادُ بِعُضَائِدِهِ
 وَالْقَبُولُ مِنْ حَمَلَتِهَا وَالسَّلَامُ لِرُفَاخِهَا اللَّهُمَّ
 وَأَوْرُ يَا وَصِيَّائِهِ مِنْ آبَائِهِ أَسْمَةً وَجَحًّا
 وَدَلَّةً وَسُرْعًا وَأَعْلَامًا وَمَنَادًا وَمَنَادَةً
 أَبْنَاءًا وَأَدْبُنَ بَسِيمٍ وَجَهْرٍ وَمُظَاهِرٍ
 وَبَاطِنٍ وَجَنِّهِمْ وَبَيْتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ
 وَغَائِبِهِمْ لَا تُشْكُ فِي ذَلِكَ وَلَا أَرِيَابَ وَلَا تَحُولُ
 عَنْهُ وَلَا انْقِلَابَ اللَّهُمَّ فَأَدْعُنِي يَوْمَ حَشَرِي
 وَجَنِّ نَشْرِي بِإِمَامَتِهِمْ وَلِحُشْرِي فِي نَعْمَتِهِمْ

وَأَكْتَبْنِي فِي أَحْسَنِ أَسْمَائِهِمْ وَأَنْفِذْنِي بِهِمْ يَا مُوَلَّيَّ
 مِنْ حَرِّ الشَّوَارِبِ فَإِنَّكَ إِنْ أَغْفَيْتَنِي مِنْهَا كُنْتُ
 مِنَ الْغَافِلِينَ اللَّهُمَّ وَقَدْ أَصْبَحْتُ فِي يَوْمِي
 هَذَا لَا فِقْدَ لِي وَلَا مَفْرَعٍ وَلَا مَلْجَأَ غَيْرَ مِنْ
 قَوْلِكَ بِهِم إِلَيْكَ مِنْ إِلَيْكَ سَوَالِكِي وَعَاطِيَتِي
 وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ وَمُحَمَّدَ وَجَعْفَرَ وَمُوسَى
 وَعَلِيَّ وَمُحَمَّدَ وَعَلِيَّ وَالْحَسَنَ وَمُحَمَّدَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ
 أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُمْ حُضْنِي مِنَ الْكَارِ
 وَبَعْثِي مِنَ الْخَاوِفِ وَجَّهْتِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ
 عَدُوٍّ ظَالِمٍ وَطَائِفٍ بَالِغٍ وَمِنْ شَرِّ مَا أَعْرِفُ
 وَمَا أُنْكَرُ وَمَا اسْتَدْرَكُنِي وَمَا أَبْصُرُ
 مِنْ شَرِّ كُلِّ خَائِفَةٍ بِحَبْلِ الْخَيْدِ بِمَا صَيَّرْتَنِي إِلَيْكَ

عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ وَسِّطْ بَيْنِي وَبَيْنَ
وَلَدَيْكَ فَجِّبْنِيهِمْ ارْفَعْ عَلَى أَبْوَابِ دَسْتَمَتِكَ
وَمَعْقُرَتِكَ وَحَبْنِي إِلَى خَلْقِكَ وَجَنِّبْنِي
عَدَاوَتَهُمْ وَبُغْضَهُمْ إِلَيْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَدَبْرٍ
اللَّهُمَّ وَلِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ ثَوَابٌ وَلِكُلِّ دَبْرٍ
سُؤْلَةٌ حَتَّى نَأْسُكَ بِمَنْ نَجَعَلُكَ إِلَيْكَ
سَبَبِي وَفَدَتَهُمْ أَمَّا تَطْلُبْنِي أَنْ تَعْرِفَنِي
بِرُكَّةِ تَوْحِيدِي هَذَا وَشَفْعِي فَاوْعَامِي فَمَا اللَّهُمَّ
فَهَمَّ مَعُونَتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي وَعَافِيَتِي
وَسِلَاقِي وَتَوْحِيدِي وَبَيْضَتِي وَطَعْنِي وَافَاقَتِي
وَعُسْرِي وَبُسْرِي وَصَبَاحِي وَمَسَائِي وَمُنْقَلَبِي
وَمَوَاقِي اللَّهُمَّ فَلا تُخْلِنِي بِهِمْ مِنْ بَقِيَّتِكَ

وَلَا تُخْبِنِي بِهِمْ مِنْ نَائِلِكَ وَلَا تَقْطَعْ
رَحْمَتِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَقْشِرْ بَاغِيَا
أَبْوَابِ الْأَوْرَاقِ وَالْأَسْدَادِ مَسَالِكُهَا
وَأَنْتَ بَاحٌ مَذَاهِبِهَا وَافْتَحْ لِي مِنْ لَدُنْكَ
فَتْحًا يَبْرَأُ فَاجْعَلْ لِي مِنْ كُلِّ ضَلَالٍ مَخْرَجًا
وَلِي كُلِّ سَعَةٍ مَتَجًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ وَاجْعَلِ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ
تَحْتَلِفَانِ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَمَعَا فَانِكَ وَمِنْكَ
وَفَضْلِكَ وَلَا تَقْعُرْ بِي إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِلَيْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ بِسُكُونِ اللَّهِ إِنْ أَسْأَلُكَ
يَا مُدْرِكَ الْغَايِبِينَ وَيَا مُجَاوِزَ الْغَائِبِينَ وَيَا مَبْصُورَ

لَسْتَصْرِخُونَ وَيَا غِيَاثَ الْمُتَضَلِّينَ وَيَا مُنْتَهَى
غَايَةِ السَّائِلِينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا اللَّهُ يَا ثَنَاءَ يَا عَزِيزَ يَا حَكِيمَ
يَا غَفُورَ يَا رَحِيمَ يَا فَاهِرَ يَا عَلِيمَ يَا سَمِيعَ يَا قَبِيرَ
يَا لَطِيفَ يَا حَيُّ يَا قَادِرَ يَا جَبَّارَ يَا رَحْمَنَ
يَا مَنَّانَ يَا سُبُّوحَ يَا قُدُّوسَ يَا مُبْدِئَ يَا مُعِيدَ
يَا بَاعِثَ يَا وَارِثَ يَا فَارِجَ الْيَمِّ يَا كَاشِفَ الْغَمِّ
يَا مُنْزِلَ الْحَيِّ يَا قَاتِلَ الْقَيْدِ يَا ذَا الْجَلَالِ
الْجَمِيلِ وَالطَّوْلِ الْعَظِيمِ يَا مَعْرُوفَ يَا إِخْسَانَ
يَا مَوْصُوفَ يَا إِيْمَانِيَّ يَا مَنْ قَضَرَتْ عَنْهُ
وَضَعِفَ أَلْسُنُ الْوَاصِفِينَ وَانْقَطَعَتْ عَنْهُ
أَفْكَارُ الْمُتَفَكِّهِينَ يَا شَاهِدَ الْغُيُوبِ يَا كَاشِفَ

الْغَمِّ وَدَافِعَ الْبَلَاءِ يَا غَايَةَ كُلِّ شَاكِي يَا نِعَمَ
النَّصِيرِ وَالْمَوْجِبَ يَا مُنْعِمَ يَا مُفْضِلَ يَا مُحْسِنَ
يَا مُجْمِلَ يَا مَنْ لَا يُغْلَهُ صَغِيرٌ عَنْ كِبَارِ
وَلَا حَقِيرٌ عَنْ خَطِيرٍ يَا مَنْ بَدَأَ بِالْغَنَمَةِ قَبْلَ
اسْتِحْقَاقِهَا وَيَا مُفْضِلَ قَبْلَ اسْتِحْجَابِهَا
يَا أَحَقَّ مِنْ عَبْدٍ وَحَمِيدٍ وَرَجِيٍّ وَاعْتَمِدَ
أَسْتَلْكَ بِكُلِّ اسْمٍ مُقَدَّسٍ مُطَهَّرٍ مُكْتَوًى
إِخْلَاقَهُ لِنَفْسِكَ وَكُلِّ ثَنَاءٍ عَالٍ رَفِيعٍ كَرِيمٍ
رَضِيتَ بِهِ مَذْحَجَكَ وَبِحَقِّ كُلِّ مَلِكٍ
فَرَسَتْ مَرَاتِلَهُ عِنْدَكَ وَبِحَقِّ كُلِّ نَبِيٍّ أَرْسَلْتَهُ
إِلَى عِبَادِكَ وَبِحَقِّ كُلِّ شَيْءٍ جَعَلْتَهُ مُصَدِّقًا
لِرُسُلِكَ وَكُلِّ كِتَابٍ فَصَّلْتَهُ وَأَحْكَمْتَهُ

فَسَرَعَتْهُ وَكُلَّ دُعَاؤِ سَمِيعَتِهِ فَأَجَبَتْهُ وَتَحَمَّلَتْ
رَفَعَتْهُ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَنْ عَظُمَتْ حَقَّتُهُ
وَأَعْلَتْ قَدْرُهُ وَعَرَفَتْ أَمْرَهُ وَمَنْ
لَمْ تَعْرِفْنَا مَدَامَهُ وَلَمْ تَظْهَرْ لَنَا شَأْنَهُ مِمَّنْ خَلَقْتَهُ
مِنْ أَوَّلِ مَا ابْتَدَأْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَمِمَّنْ خَلَقْتَهُ
إِلَى الْفُطْرَانِ الْقَافِرِ وَأَسْأَلُكَ بِوَحِيدِكَ الَّذِي
فَطَرْتَ عَلَيْهِ الْعَقُولَ وَأَخَذْتَ بِهِ الْمَوَالِيحَ
وَأَرْسَلْتَ بِهِ الرُّسُلَ وَجَعَلْتَهُ أَوَّلَ فَرْوَضِكَ
وَدِيْنَاهُ طَاعَتِكَ وَأَتَوَجَّعُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَ
مُحِبَّتِكَ وَكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ وَ
عَنُوكَ وَآمِنَتَا بِكَ وَتَطَوَّلَ وَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ
يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ

إِلَيْكَ خَاصًّا وَفَائِدًا وَأَوَّلًا وَآخِرًا بِحُبِّكَ وَ
رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَآثَرِي الْأَوَّلِينَ
وَالْآخِرِينَ وَبِالْإِسْلَامِ الَّتِي آذَاهَا وَالْغِيَاةُ
الَّتِي لَجَمْعُهَا فِيهَا وَالْحَيَاةُ الَّتِي صَبَرْتُ عَلَيْهَا وَالْمَغْفِرَةُ
الَّتِي دَعَا إِلَيْهَا وَالِدِي يَا نَبِيَّ الَّتِي حَقَّ عَلَيْهَا مَسْنَدُ
وَقَفْتُ بِرَسُولِكَ إِثَابَهُ إِلَى أَنْ تَوْفِيْتَهُ وَبِهَا
بَيِّنَ ذَلِكَ مِنْ أَقْوَالِي إِلَى كِبَرِيَّةٍ وَأَفْعَالِهِ
الْكِبَرِيَّةِ وَمَقَامَاتِهِ الْمَشْهُودَةِ وَمَا طَاعَتِهِ
الْمَعْدُودَةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ كَمَا وَعَدْتَهُ
مِنْ نَفْسِكَ وَتُعْطِيَهُ أَفْضَلَ مَا أَمَرَ مِنْ قَوْلِكَ
وَتُرْزِلَ لَدَيْكَ مَنْزِلَتَهُ وَتُعْلَى عِنْدَكَ دَرَجَتُهُ
وَتَبْعُهُ لِقَامِ الْحَمْدِ وَتُؤَدِّدَهُ حَوْضِ الْكَرَمِ

وَلِجُودٍ وَعَلَى اللَّهِ الطَّيِّبِينَ الْأَطْهَارِ الْمُتَجَبِّينَ
الْأَبْرَارِ وَعَلَى جِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمَلَائِكَةِ
الْمُقَرَّبِينَ وَعَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ
وَالشُّهَدَاءِ وَالضَّالِّينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ
لَا أَمَلُكَ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا مَوْتًا
وَلَا حَيَاةً قَدِ انْقَطَعَتْ وَسَلَامِي وَذَهَبَتْ
مَسَائِلِي بِذَلِكَ نَاصِرِي وَأَسْلَمَتْنِي أَفْئِدِي وَلَدِي
اللَّهُمَّ وَقَدْ أَكْرَهْتُ الْقَلْبَ وَأَحْبَبْتُ الْحَيْلَ لَا
عِنْدَكَ وَانْقَطَعَتِ الطَّرِيقُ وَضَاقَتِ الْمَذَاهِبُ
لَا أَلَا لِيكَ وَوَرَسَتِ الْأَيْمَالُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ
لَا أَمْنُكَ وَكَذَّبَ الظَّنُّ وَأَخْلَفَتِ الْعِدَّةُ إِلَّا
عِنْدَكَ اللَّهُمَّ إِنَّ مَنَاسِلَ الرَّجَاءِ انْقَطَعَتْ مَرَّةً

وَأَقْوَابُ الدُّعَاؤِ لِمَنْ دَعَاكَ مُتَحَنِّنًا وَالْإِسْتِعَاةَ
لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مُبْتَاحًا وَالْإِسْتِغَاثَةَ لِمَنْ
اسْتَعَاثَ بِكَ مُوَجَّهَةً وَأَنْتَ لِدَاعِيكَ بِمُجِيعٍ
إِجَابَةٍ وَلِلضَّالِّينَ إِلَيْكَ وَلِلْإِغَاثَةِ وَلِلضَّالِّينَ
إِلَيْكَ قَرِيبًا مَسَافَةً وَأَنْتَ لَا تُخَيِّبُ عَنْ خَلْقِكَ
إِلَّا أَنْ تُجَبِّبَهُمُ الْأَهْوََالَ السَّيِّئَةَ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ
أَفْضَلَ زَادِ الرِّجْلِ إِلَيْكَ عَزَمُ ارْتَادِهِ وَلِخَلَاصِ
بَيْتِهِ وَقَدْ دَعَوْتُكَ بِعَزَمِ ارْتَادِي وَلِخَلَاصِ
طَوْفِي وَصَادِقِ بَيْتِي كَمَا أَمَّا ذَا امْتِكِنْتُكَ
بِأَسْمِكَ أَسِيرُكَ فَقَدْ يَكُ سَائِلُكَ مُنْجِي بَيْنَايَكَ
فَارْعُ بَابَ رَجَائِكَ وَأَنْتَ أَوْلَى بِمَنْ هَضِرَ الْوَارِثِ
بِكَ وَأَحَقُّ بِرِعَايَةِ الْمُتَقَطِّعِ إِلَيْكَ سِرِّي لَكَ

مَكشُوفًا وَأَنَا لَكَ مَكشُوفٌ إِذَا الْوَحْشَتَنِي الْعَرَبُ
النَّسِي دِكْرَكَ وَإِذَا أَصْبَحْتَ عَلَى الْأُمُورِ الْمَجْهُورِ
بِكَ وَإِذَا لَلَّحَكْتَ عَلَى أَلْسَانِكَ أَمَلْتُكَ وَإِنْ
يَذْهَبُ فِي لَيْلَتِكَ عَنْكَ وَأَنْفَعُ الْأُمُورِ كُلِّهَا
بِيَدِكَ صَادِرٌ عَنْ فَضْلِكَ مَذْغَةً لِلْخُصُوعِ
لِيُذَكِّرَكَ فَقِيرَةً إِلَى عَمَلِكَ ذَاتَ فَاقَةٍ إِلَى
رَحْمَتِكَ وَقَدْ مَسَّيْتُ الْفَقْرَ وَنَاثِي الضَّرَّ وَ
شَمَلْتُ لِقْطَةَ الْفَقْرِ وَغَرَّتْ الْحَاجَةُ وَتَوَهَّشْتُ
بِالدَّلِيلِ وَعَلَّيْنِي الْمُسْكَنَةَ وَحَقَّتْ عَلَى
الْكَلِمَةِ وَالْحَاطَتِي الْخَطِيئَةَ وَهَذَا الْوَقْتُ
الَّذِي وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِيهِ الْإِجَابَةَ فَأَمْسَحْ
مَا بِي بِمِيسِكَ الْكَافِيَةِ وَالنَّظَرَ إِلَى بَيْتِكَ الرَّابِعَةِ

وَأَذْخُلْنِي فِي رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ وَأَقْبِلْ عَلَى
بُحْبُوحِ دِي الْحَبَالِ وَالْإِكْرَامِ فَإِنَّكَ
إِذَا أَقْبَلْتَ عَلَى أَسِيرٍ فَكَسَّهْ وَعَلَى ضَالٍّ
هُدًى وَ عَلَى حَاطِرٍ أَوْيَةً وَعَلَى ضَعِيفٍ قُوَّةً
وَعَلَى خَاطِبٍ أَمْنَةً اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْعَمْتَ عَلَى
قَلَمِ اسْتَكْرَ وَابْتَلَيْتَنِي فَلَمْ أَصْبِرْ فَلَمْ يُجِبْ
عَجْزِي عَنْ شُكْرِكَ مَنَعَ الْمُؤْتَمِلُ مِنْ فَضْلِكَ وَ
أَوْجَبَ عَجْزِي عَنِ الصَّبْرِ عَلَى بِلَالِكَ كَشَفْتَ
ضُرْرَكَ وَأَنْزَلْتَ رَحْمَتَكَ فَيَا مَنْ قَلَّ عِنْدَكَ
بِلَالِي صَبْرِي فَعَا فَا نِي وَعِنْدَكَ نِعْمَاتِي شُكْرِي
فَاعْظُمْنِي اسْتَلَكَ الْمَرْبِدَ مِنْ فَضْلِكَ وَالْإِنْعَاءَ
لِشُكْرِكَ وَالْإِعْتِدَالَ بِنِعْمَاتِكَ فِي أَعْمَارِي

العافية فاستبغ النعمة انك على كل شيء
 قدير اللهم لا تخلي من يديك ولا تدركني
 لولا عذرك ولا لعدوك ولا لوجهي من
 نظائرك للغيبة وكفيا ليلك الجملة هذا
 مقام العائدين بك الا ان بعقول المستجيبين
 يعجزوا لك قد راي اعلام قد ريك فاب
 انار رحميتك اللهم تولى ولاية تعينني
 بهامن سواها واعطني عطية لا احتاج الي
 غيرك معها فانها ليست بيني وبينك
 ولا بينك وبين عطيتك اذ وقع الصرة وانقضى
 السقطة ونجا وزعم الزلة وافعل القابضة و
 انحر الحفوة وانج من الورطة وافعل العترة

يا منتهى الرغبة وغيث الكربة وولي
 النعمة وصالحا في الكربة ورحمن الدنيا
 والاخرة يدي من وحض الزلة فقد كبوت
 وثبتني على الصراط المستقيم والاعوانك
 يا هادي الطريق يا فارج المضيق يا جاري
 التصديق يا ركني الوثيق اخل عني
 المضيق واكفني شر ما اطبق وشر ما لا اطبق
 يا اهل التقوى واهل المغفرة والعزة والقدرة
 والالاء والعظمة يا ارحم الراحمين واكرم
 الناظرين وري العالمين لا تقطع منك
 رجائي ولا تخيب دعائي ولا تجهد ببلادي
 ولا تشني قضائي ولا تجعل النار ما ولى

وَاجْعَلْ لِي فِيهِ مَتَاوًى وَأَعْطِنِي مِنَ الدُّنْيَا
 مَتَاوًى وَلِيَعْنِي مِنَ الْآخِرَةِ أَمَلًى وَتَجَلُّنِي وَ
 ارحمني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقرني
 عذاب النار إنك على كل شيء قدير وبيكر
 نبي محمد **صلواتك** دعائي صباح امام زين
 العابدين عليه السلام وصحيفة كاملة مذكورات
 الحمد لله الذي خلق الليل والنهار بقوته
 وميتد بينهما بقدرته وجعل لكل
 واحد منهم ما يجدد دوا واما مسدودا
 وقفا موقفا في كل واحد منهما في
 صاحبه وفيه صلاحية فيه يتقرب منه
 للعباد فيها بعدد وقربه ويبيد عنهم عليه مخلوق

بضاق

لهم الليل ليكنوا فيه من حركات الثعبان
 التصيب في جعله ليلسا لليلسا من الحية و
 منامه فيكون ذلك لهم جبارا ووقوع ليل الو
 به ذلك وقصوة وخلق لهم النهار مبصرا ليتبعوا
 فيه من فضله وليستبوا الى رزقه ويرجوا
 في أرضه طلبا لما فيه نيل العاجل من دنياههم
 وذلك الاطراف في اعراسهم ركب ذلك بصلح
 شانهم وقيلوا اخبارهم وبطرك كيف هم في
 اوقات طلعتهم ومنازل فرصته ومواقع
 احكامه ليجري الذين اساقا بما عملوا ويجري
 الذين احسوا بالحسنات اللهم فلك الحمد على ما
 قلقت لنا من الاصلاح ومنعتنا به من سوء

لهم

الْقَائِمِ وَجَعَلْنَا مِنْهُ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ غُلَامٍ إِمْرًا وَقَوَّيْنَا
 فِيهِ مِنْ طَوَارِقِ الْآفَاتِ أَصْحَابًا أَصْبَحَ
 الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجَهَنَّمَ نَارًا سَمَاءًا وَمَا وَارَدُهَا
 وَمَا نَزَلَتْ فِي كُلِّ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ سَائِكَةً وَمُتَحَرِّكَةً
 وَشَلُوحَةً وَمَقِيمَةً وَمَا عَلَا فِي الْهَوَاءِ وَمَا
 كَانَ تَحْتَ الْأَرْضِ أَصْبَحْنَا فِي قُدْرَتِكَ وَ
 مُلْكِكَ وَبُحْرَانِ سُلْطَانِكَ وَنَقَمْنَا مَشِينَتَنَا وَ
 نَقَرْنَا عَنْ أَسْرَارِكَ وَتَقَلَّبْنَا فِي تَدْبِيرِكَ لَيْسَ
 لَنَا مِنَ الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ وَلَا مِنْ الْخَيْرِ إِلَّا
 مَا أَنْعَمْتَ اللَّهُمَّ وَهَذَا مِنْ طَوَارِقِ جَدِيدِكَ وَ
 هُوَ عَلَيْنَا شَامِدٌ عَيْدُكَ إِنَّ أَحْسَنًا وَدَعْنَا
 مُحَمَّدًا وَلَنَا سَاءَ مَا قَدَّرَ قَائِدُكُمْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

بِرَبِّكَ

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَمْ نَرْفُقْ أَحْسَنَ مُصَاحِبِهِ وَأَعْضَا
 مِنْ سُوِّهِمْ مُدَامَقَةً بَارِعَةً كِتَابَ حَقِّهِ أَوْ
 أَقْرَبَ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ وَأَجْرَكَ لَنَا مِنْ
 الْحَسَنَاتِ وَأَخْلَانَا مِنْهُ مِنَ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ نَلَا لَنَا
 مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَشُكْرًا وَأَجْدَادًا
 ذُخْرًا وَقَضَاءً وَإِحْسَانًا اللَّهُمَّ تَبَرَّ عَلَى الْكَرَامِ
 الْكَاسِيَةِ مِنْ مَوْنِنَا وَلَمْ نَلَا لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا
 صَحَابَتَنَا وَلَا خَيْرَاتِنَا عِنْدَهُمْ بَيِّنَاتِنَا أَعْمَالِنَا
 اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حَقًّا
 مِنْ عِمَادَتِكَ وَنَصِيبًا مِنْ شُكْرِكَ وَ
 شَاهِدًا صِدْقٍ مِنْ مَلَأَ كُنُفَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَفِظْنَا مِنْهُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيْنَا

وَمِنْ خَلْقِنَا وَمِنْ آيَاتِنَا وَمِنْ شَمَائِلِنَا وَمِنْ
 جَمِيعِ نَوَائِجِنَا حِفْظًا عَامِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ
 هَادِيًا إِلَى ظِلِّكَ مُسْتَعِينًا بِمُحِبَّتِكَ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَقِّفْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَكَلِّفْنَا
 هَذِهِ فِي جَمِيعِ آيَاتِنَا لِاسْتِعْنَا بِالْخَيْرِ وَخَيْرِ
 النَّاسِ وَشُكْرِ النِّعَمِ وَاتِّبَاعِ الشَّيْخِ وَ
 مُجَابَةِ الْبَدْعِ وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ مِنَ
 الْمُنْكَرِ وَحِفَاظَةِ الْأِسْلَامِ وَاتِّفَاقِ الْمُبَاطِلِ
 وَإِذْلَاقِ الْإِلَهِ وَتَضَرُّعِ الْعَلِيِّ وَالْغُرَّانِ وَإِشَادِ الضَّالِّ
 وَمُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ فِي ذَلِكَ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ آمِينَ يَوْمَ عَهْدِنَا
 وَأَفْضَلِ صَاحِبِ صَحْبِنَا وَخَيْرِ وَفِي ظِلِّكَ

فِيهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ ارْضَى مَنْ مَوْعِدِهِ النَّبِيُّ
 وَالنَّهَارُ مِنْ جَنَّةِ خَلْقِكَ أَشْكِرْ هَيْبَتَنَا
 أَوَّلِيَّتَ مِنْ نِعْمَتِكَ وَأَقْوَمِهِمْ بِهَا شَرَعْتَ مِنْ
 شَرَائِعِكَ وَأَوْفَرِهِمْ بِهَا حَذَرْتَ مِنْ نَهْيِكَ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعِينُكَ وَكُنْ بِي شَهِيدًا وَأَشْهَدُ
 سَمَاءَكَ وَأَرْضَكَ وَمَنْ أَسْكَنْتَهُمَا مِنْ مَلَائِكَتِكَ
 وَمَسَاجِدِ خَلْقِكَ فِي يَوْمِي هَذَا وَسَاعَتِي هَذِهِ وَ
 مُسْتَقَرِّي هَذَا إِنِّي أَسْتَعِينُكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَاسْتَعِزَّ بِالْقِسْطِ عَدْلًا فِي الْحُكْمِ
 رَوْفًا بِالْعِبَادِ مَالِكًا الْمُلْكَ رَحِيمًا بِالْخَلْقِ
 فَإِنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَخَيْرُكَ مِنْ
 خَلْقِكَ حَمَلْتَهُ رِسَالَتَكَ فَأَدَّاهَا وَأَمَرَ قَبْلَ النَّعْمِ

وَلِيَّتِي هَذِهِ

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَصَلِّ لَهُمَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَآلِهِ
 هَذَا أَفْضَلُ مَا أَلَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ وَآلِهِ
 هَذَا أَفْضَلُ وَأَكْثَرُ مَا عَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ
 أَنْبِيَائِكَ عَنْ نَسَبِهِ إِنَّكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْحَبِيبِ
 الْعَافِ الْعَظِيمِ وَأَنْتَ أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ وَ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
 الْأَخْيَارِ الْأَتْجِبِينَ **بذلك** دعاها وندگوا
 که وارد است از اصحاب عصمت سلام الله عليهم
 در تعقیب نمازها بسیارست خصوصاً تعقیب
 نماز صبح و در جوانی نهایت اختصاص شده باینها
بذلك آنچه مذکور است اینجا از تعقیبها مأخوذست

این روایات بسیار و جمیع اینها در یک روایت نیست
 پس اگر کسی آگاه باشد بعضی آنرا کند و
 هرگاه نفس امیدوار شود و دل را توخایی
 نباشد قطع کند زیرا که توجه و اقبال دل هر دو
 عبادت و دعاست **و منتهاست** نشستن در جای
 نماز بعد از نماز صبح تا بر آمدن آفتاب اگر چه
 مشغول بتعقیب نباشد **و منتهاست** شد که حضرت
 امیر المؤمنین علیه السلام فرموده کسی که بنشیند
 در جای نمازش تا طلوع آفتاب آن نشستن سائر
 باشد و ای و آتش **و منتهاست** بعد از تعقیب
 خواندن سوره یس زیرا که خواننده آن در
 صبح دایره محفوظ است و مرز وقت تا شام

کند و آنرا دافع می نامند زیرا که دفع می کنند
خواننده خود هر شری را و قاضیه میگویند
زیرا که بر می آید برای خواننده خود هر حاجتی را
توضیح افندی من عتیه ممکن است که مراد
مهدایت رسانیدن بمطلوب باشد که فائز شدن
به بهشت است یا دلالت بر چیزی که رساند
بمطلوب مثل زایل کردن اگر علایق جسمانی
و برداشتن پرده های عوائق هیولانی و عقل
انسان را جلای و مطالع را نور جمالی و قد رتب
التي لا يمتنع منها شيء اشارة است بآنکه متمتع را
شیئی نمیگویند و لا تمنع قلبی مشتق است از منع که
میل است از راه حق یعنی از من و طرف ساز تو فوق

باقی بودن بر هدایت را فجأة بضم فاء و بعد واقع
شدن چیزیست بیکبار بحیرة بفتح نون
بر وزن کله و کسر نون بر وزن نعمة بمعنی
عقابست و من درك الشقاء درك بخوراك
اطلاق میشود بر مکان و طبقات آتش در کایت
و طبقات بهشت درجات و گاهی اطلاق
میکنند بر نهایت هستی و من یعینی امره
یعنی بی نقطه و یای دو نقطه تحتانی میان دو
نون بمعنی اتمام است بحیری بالله الاحد الصمد
چنانکه از لفظ الله مراد ذاتیت که مستجمع باشد
جميع صفات کمال را که صفات ثبوتیه است همچنان
مراد بلفظ احد ذاتیت مستجمع جميع صفات

جمال که صفات سلبيت زيرا که واحد حقيقي
 است که منزله باشد و انرا از ترکیب ^{ذهنی} حاجی و ان
 نقد و آنچه لازم داشته باشد یکی از اینها را
 مثل حیثیت و متخیر بودن و شریک داشتن
 خواه در حقیقت ذات باشد و خواه در لوازم
 ذات مثل وجوب وجود ذات و قدرت ذات
 و حکمت تامه و صد کسیت که مرجع و مقصد
 باشد در حوائج و کفو بمعنی مثل است اولی و
 تلامذات است بر احدی تا الهی و انرا بر وجهی
 برین اطلاق فلو بمعنی شکافته شدن است و آنچه
 انجیری بشکافان برآید و این عامست جمیع
 ممکنات را از بر آنکه حضرت عزیز جل شانه شکافان

از ظلمت عدم همه را بنور ایجاد غایبی شب یسنا
 تار یک ما گویند و وقت یعنی فرو رفته و داخل
 شده تا یکی آن در هر چیزی و نقائات ^۲
 العقد نفوسند یا نمان ساحره که کرده میکنند
 در میانها را و بر آنها نفس میدهند **بدانکه**
 من هبانی عشیره است که سحر در حضرت پیر
 صلی الله علیه و آله کار کرده و امر آنحضرت
 درین سور به استعاذه از سحر نمان ساحره
 دلالت نمیکند بر تاثیر سحر در آن حضرت صلی
 الله علیه و آله بلکه از مقوله رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا
 اِنْ نَسِينَا اَوْ اَخْطَاْنَا است و اما آنچه مخالفین
 نقل کرده اند که سحر در آن حضرت اثر کرده

چنانکه روایت کرده بخاری و مسلم که حضرت
 پیغمبر صلی الله علیه و آله را سحر کردند حتی آنکه
 آنحضرت را خیال شد که کار کرده یا کرده پس
 این اندوه و غمهاست پس اگر این نقل راست باشد
 لایم آید که سخن کفار این تَبْعُونَ لَنَا لَمْ يَكُنْ لَكُمْ
 سَحَرٌ اَرَأَيْتُمْ اِنْ كُنْتُمْ اِلَٰهَ إِلَّا اَنْتُمْ فَمَا تَعْبُدُونَ
 که مراد از این آیه سحر است که باعث جنون باشد
 عذر نیست اهی و بی معنی نیست که اثری که
 ایشان نقل کرده اند که از جنون نیست خناس
 آنست که چون ذک خدا کنند پس رود و
 برگردد و تفسیر ^{فلحقه} خاتم مذکور میشود لَانْ كُنْزُ
 سِنَّةٍ وَّالْاَوَّلُ مِنْ حَالِی است و قوی و سستی که

پیش این خواب دست میدهد و تقدیم آن بر قوم
 در اینجا با آنکه قیاس در نفی ترقی از اعلاست
 بادی بعکس اثبات بجهت تقدم اوست بر خواب
 بالطبع و آنکه مراد نفی حالت است که مرکب
 ازین دوست چنانکه حیوان و لایق و مَحْفُظٌ
 یعنی از نگاه داشتن آسمانها و زمین میکنند
 و بعضی ندارد و طاعون شیطان است یا
 هر چه غیر از خدا عبادت کنند یا چیزی که منع کند
 از عبادت خدای تعالی لَانْقِصَانٌ لَهَا یعنی نیست
 پادشاه او را اثر استوکی یعنی مستولی و متوجه
 خلق عرش شد یعنی می پوشاند بظلمت
 حقیقا مشتق است از تحت یعنی در عقب آن دیگر

بر عت کما که یکی از شب و روز طلب میکند آن
 دیگر را بر عت وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ نصب عطفست
 بر السَّمَاوَاتِ و مُخَرَّاتٍ نصب حالت ازینها و رفع
الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ مبتدا و مُخَرَّاتٍ خبر بقرع
مُخَرَّاتٍ یعنی در حالی که رازی مخفی کنند بر ما
 که دعای چنان افضل است إِنَّهُ لَا يُجِيبُ الْمُتَعَدِّينَ
 یعنی دوست نمیدارد خدا تجاوز از کندگان را
 از حد و تقیر کرده اند بطلب کنندگان چیزی
 که ایشان لایق آن نیستند مثل بته انبیا و قسیر
 کرده اند بفریاد کردن در دعا و اذعوه خوفاً
 و عَلَمُهَا یعنی عا کنید در حالتی که نرسناک باشد
 آن خدا بجهت قصور اعمال و طمع اجابتی که داشته

باشد بجهت بسیاری رحمت و تو کرم الهی میداد
لِكَلِمَاتٍ یعنی بیانی باشد برای نوشتن
 کلمات علم و حکمت خدای تعالی لَنَقْدَ الْجُودِ یعنی هر
 آینه تمام شود و هیچ از و باقی نماند و لَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ
 مدد آ یعنی اگر چه بسیاریم مثل آن در بار یاد حق و
 معونی فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ یعنی کسی که امید
 داشت بِكَ رَاجِعٌ شدن را بخدا در روز قیامت
وَالصَّالِّاتِ را بعضی تفسیر کرده اند بملاک که
 صف میرند در مقام عبودیت هر یک در مرتبه خود
فَالرَّاجِعَاتِ را بفرشتهها که زجر میکنند آسمانها و
 زمینها را بپنج اداة الهیست از آنها فَالْقَائِلَاتِ را
 بفرشتهها که آیات خدای تعالی را میخواهند یا بفرشتگان

و بعضی قفس بر کرده اند بعد از آن که صفت می زنند در
عبادت و منع میکنند از کفر و فسق بر همین و
بضایع و میخوانند آیت و شرایع الهی و بعضی
تفسیر کرده اند بنفوس حجاب کنندگان که صفت
می زنند در محل جنک و زجر می کنند اسبها را
یا دشمنان را و میخوانند ذکر الهی را و
جنک ایشانرا مشغول می سازد از ذکر و عبادت
المشارقی یعنی پروردگار مشرقهای آفتاب است
یا مشرقهای کواکب افان زینا الشفاء الدنيا یعنی ما
زیفت دادیم آسمانرا که نزدیکست و پائین تر است
بن زینة الکواکب اضافه زینت بکواکب بیانی
و تزیینی که زینت بدینون میخوانند کواکب بدل از

از زینت و آنچه مشهور است که جمیع ستارهای
ثوابت مرکوز است در فلک هشتم و هر یک از
ستارهای سبعة ستار افلاکی است پس دلیلی
برین قاضی نیست و آنکه در فلک قمر ستار چند
باشند واقع در غیر ثوابت و مهر ثوابتی که رصد
کرده اند پس دلیلی بر امتناع آن نیست و اگر ثابت شود
قدحی نمیکند در تزیین فلک قمر باین اجرام نورانی
زیرا که اینها همه در فلک قمر دیده میشوند اگر چه در
بالا تر باشند و حفظاً من کل شیطان مارد
حفظاً منصوب است که مفعول له باشد و دلالت میکند
بر علت کلام سابق ماکرذ ایندیم ستارها را از زینت
و حفظ و مارد بیرون رونده است از طاعت

لَا يَسْتَعِينُونَ إِلَى الْمَلِكِ الْأَعْلَى سَجْدًا بَيْتِ سَنَامَقَه
 بجهت بیان حال ایشان بعد از حفظ و نه صفت
 شیاطینی که مفهوم میشود از مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ
 زیرا که حفظ نمی باشد از کسی که نمی شود و مگر
 اقلی فرشتگانند که ساکنند در بالاها چنانکه ملائکه
 اسفل انس و جن اند که ساکنند در زمین و متعدی
 ساختن یستمعون بالی بنا بر قراءت تخفیف بجهت
 تضمین معنی اصغاست برای مبالغه در نفی آن
وَلْيَقْدِرْ قَوْلٌ مِنْ كُلِّ آيَةٍ دُخُورًا یعنی انداخته
 میشود بر ایشان از هر جانب از طرف آسمانها که
 ایشان قصد کنند برای کوش کردن دُخُورًا مفعول
 است یعنی انداخته میشود برای ایشان یا مفعول

مطلق است زیرا که معنی دُخُورًا نزدیکیست بمعنی
 قَدَرٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ وَأَصِيبٌ یعنی ایشان را
 عذاب سخت است و رنج الْأَمْسَ خَطِيطٌ لِلْخَلْفَةِ
 استثناست از فاعل یستمعون یعنی مکر
 کسی از شیاطین که از کلام ملائکه چیزی بطریق
 دردی بشنود فَأَتْبَعَهُ شَيْطَانٌ ثَائِبٌ یعنی در
 عقب او میدود و شیطانی سوار خ کنده گویا که
 می شکافد هوا را بر روشنی و شهاب آتش که عوا
 گویند شاره رنجت و آنچه طبعیون خیال کرده اند
 که بخار دیت با او دهنفتی و جری هست از بالا میرود
 تا که آتش اینجا آتش درو میگیرد پس این ثابت نشد
 و اگر صحیح باشد منافاتی ندارد با آنچه آیه کریمه بران

دلالت میکند و آیه فَإِنَّهَا السَّمَاءُ الدُّنْيَا مُصْبِحَةٌ
وَجَعَلْنَاهَا رَاجُومًا لِلشَّيَاطِينِ زیرا که شهاب در مصباح
 اطلاق میکنند بر چیزی که شعله دار باشد و
 هر چه در بالا شعله کند زینت آسمانست و در
 نیست که در بنوقت خدای تعالی آن بخار دهنی را
 بالا فرستد برای سوختن شیاطین پس آتش درو
 کیده و بیرون اند و خلق شیطان از آتش محض نیست
 چنانکه خلق آدم از خال محض نیست پس سوختن
 شیطان با آتشی که قوی تر است از آتش او ممکن است
 و شاید که شیاطین کلام ملائکه نشنوند مگر
 وقتی که نیز دیکر که آتش رسد پس چون شیطان
 اینجا گوش کند و خواهد که پائین آید شهاب باو

برسد و او را بیرون اندازد لهذا خدای تعالی تعبیر
 کرده اند رسیدن شهاب باو بتابع شدن که بمعنی
 از پی رفتن است إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا
 یعنی اگر خواهید استطاعت باشد شمارا که بیرون
 روید از اطراف آسمانها و زمین و بگریزید از
 خدا پس بیرون روید از آنها لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا
بِسُلْطَانٍ جمله آیت علییه یعنی قدرت ندارد
 بر بیرون رفتن از آنها مگر بقوت نام و آن
 قدرت از کجاست شمارا و سلطان مصدر است
 مثل غفران بمعنی مسلط بودن چنانکه در آیه و
مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا
 یعنی کسیکه کشته شود بظالم بر تحقیق که ماکرد این

برای او تسلط بر قضا و کوفتن دیت شواظ
 یعنی نیان آتش و تخاس بر رفع عطفت بر شواظ
 و بجز عفاست بر نار یعنی دخان یا مسی که آخته که بخت
 شود بر سرهای ایشان فَلَا تَنْصُرَانِ یعنی منع کرد
 نشوند از آن خَاشِعًا مُتَصَدِّقًا یعنی شق شوند
 و غرض سر زدن خواننده است بر خشوع نکردن
 نزد قرآن بواسطه قنوت قلب که در کدر
 کردن در معانی آن عَالِمِ الْغَيْبِ الْمُبَادِرِ یعنی
 عالم است با آنچه از حجب غائب باشد و آنچه حاضر
 باشد یا عالم است بتر و علانیه یعنی پنهان و آشکار
 القدوس یعنی در نهایت و غایت پاکیزگی است آن
 چیزی که موجب نقص باشد الْإِلَهِ مصدر است و

وصف آن برای مبالغه است و مراد سالاران جمیع
 نفصها و بهشت را دارا السلام میگویند بجهت
 آنکه سکان آن سلطنت از هر آفتی بایجهت آنکه
 خانه خداست یعنی الْمُؤْمِنِينَ بخشنده امن
 و آن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 مرویت که خدای تعالی پادشاه من نامست برای
 آنکه امن میکند از عذابش کسی را که اطاعت
 او کند الْمُهْمِنِينَ یعنی مطلع و نگاه دارند
 هر چه عزیز یعنی هیچ چیز عدیل و مثل او
 نیست با غالبی که هرگز مغلوب نکرد و عزیز
الْمُطِيبِ یعنی غلبه کرد بر من در خطاب و تکلم
الْحَيَّ آن کسی که جبر و قهر میکند خلق را بر بعضی

چیزها که ایشانرا در آن اختیار نیست و قدرت بر
تغییر آن ندارند یا آنکه جبر و اصلاح حال
میکند المتکبر یعنی صاحب کبریات آن
نقص و محتاج بودن الحال الباری المصور
بعضی را ظن است که هر سه یک معنی دارند
زیرا که همه بمعنی ایجاد و انشایند پس ذکر
برای تاکید است و اینچنین نیست بلکه هر یک را
معنی است چنانکه بناها محتاجند بطول و عرض
و بکناشتن سنگها و چوبها بر زمین و
برزیت دادن و نقش و صورت کردن پس این
سه اسم از خدای تعالی میشود در ایجاد خلایق از
آتم عدم پس خدای تعالی ابا عباد هر یک نامیت

برین ترتیب تسبیح که ما فی السموات و الارض
یعنی تسبیح میکند برای خدای تعالی آنچه در
آسمانهاست و آنچه در زمین است و این تسبیح
یا بزبان حالات زیرا که هر دو از موجودات
ندامیکنند بزبان حال بر وجود صانع حکیم
و احب لذاته و یا بزبان قال است و این درودی
العقول ظاهرست و اما حیوانات پس فرقه عظیم
از علما را مذهب است که هر طائفه از حیوانات
تسبیح پروردگار خود میکنند بلغه و آواز
خود برین حمل کرده اند قول خدای تعالی را
و ما من دابة فی الارض و لا طائر يطير بجناحه
الا امم امثالکم یعنی هیچ جنبه نیست در

از مین و هیچ پند که می پرده به بهای خود که امتنا
مثل شای و انفعیر حیوانا تا انجودا ت پس جماعتی
بسیار را مدعیانست که آنها را هم تسبیح زبانی
و مؤید آورده اند و ان من شیء الا یسبح
بحمده یعنی هیچ چیز نیست مگر که تسبیح خدا
میکند و حال آنکه متلبس است بحد خدا و گفته
اگر مراد تسبیح حالی باشد محتاج است قول خدای تعالی
و لا ینزل لایقهم تسبیحهم بجاویل و ذکر
کرده اند که اعجاز در تسبیح سنک عین در گفت
پیغمبر صلی الله علیه و آله از جهت نفس تسبیح
نیست بلکه بجهت شتوانیدن اصحاب است و الا
سنک می فرمایند در تسبیح خدایند آن تسبح

من الدنیا امنا یعنی آنکه بیرون بری مواند دنیا
اینهم از کناهها که میان وقتست بآنکه توفیق توبه
دهی مرایش از مردن و از ان کناهها که میان
من و مخلوق است بآنکه توفیق دهی که پیش از مرگ
خود را انانها خلاص سازم و لا یخطئ الخیة سالما
و دخیل سازی مرا به بهشت در حالی که مرا سلامت
داشته باشی از عقاب بآنکه از من عفو کنی و مرا
دخیل بهشت سازی و این جمله تاکید سابق است
و لا حول و لا قوة الا بالله مراد بجلو قدرت
یعنی قدرتی بر چیزی و قوتی نیست مگر بعدد کاردی
خدای تعالی و در کتاب توحید این بابویه
روایت کرده از حضرت امام محمد باقر علیه السلام

که اینجا بمعنی اشتغال یعنی کشتن از معصیت و
 منتقل شدن نیست مگر بعون الهی و قوتی بر طاعت
 نیست بجز قوت سبحانی و اکثیف همی و قوی عتیقی
 میان هم و غم است که هر چه زیست که قادر باشد
 آدمی بر ناله کردن آن مثل افلاس و غم آنکه
 قدرش بر ناله کردن آن نباشد چون مردن فرزندان
 و بعضی گفته اند که هم پیش از نزول مکر و هست و
 غم بعد از نزول من شوق کل غاشم یعنی بقدری کند
 و طاری یعنی واقع شوند در شب بیشتر الضامیت
 بسیار اطلاق میکنند بر جهاد و ناطق بر حیوان
 اگر چه حیوان بی زبان باشد در قول عربیت و لانه
 لا یمکن صامتاً و لا ناطقاً یعنی مالک هیچ چیز نیست

و قول فوقها الزکوة فی الناطق و الضامیت و
 جائز است که اینجا مراد ناطق معنای مشهور
 باشد بدیع السموات و الارض از قبیل حسن
 الغلامت یعنی آسمانها و زمین بدیعند یعنی
 بی نظیرند و ممکن است که مراد بدیع باشد یعنی
 موجود چیزی پیمثل سابق ما لاح الحیدر بدان یعنی
 مادام که ظاهرند شب و روز و ما اظلم الخافقان
 یعنی مادام که مشرق و مغرب یابند و ما احدثی
 الخادیان یعنی مادام که میرانند مردم را شب و روز
 گویند که شب و روز مردم میرانند تا قیوم مثل کسیکه
 شتران را میراند ما عسعس یعنی آبل و آبر است
 یعنی مادام که شب یاید و برود و ما اذکم ظلام یعنی

مادام که شب سخت تاریک شود و ما نقش صحیح
 یعنی مادام که صبح ظاهر شود و تعبیر کرده نفس
 ندان بجیت و درین شبیم نزد صبح پس گویا که نفس
 زده خطیب و قائل المؤمنین خطیب موم در لغت
 بهر یک ایشانست که مخاطب و مکالمه میکند با سلطان
 و روحانیان و قدایجا یعنی کرده و جماعت
 الملك و حل الامان یعنی پوشانیده شد خطای امان
 ان انش در بر که خدای تعالی میفرماید و انشوف
 تعظیبت ربك فترضی یعنی زود باشد که عطا کند
 تو پروردگار تو چند آنکه تو را خفی شوی و حضرت
 پیغمبر صلی الله علیه و آله را خفی نمیشود بدخول یکی از
 امش در دوزخ چنانکه در حدیث وارد است

و حل الامان استعاره است و ذکر کسوف ترشح و
 عزائم و مغفرتك یعنی آمرزشهای که بر خود واجب
 کرده و فيما فرغت اليك منه یعنی در چیزی که التجا
 کرده بتوانان قد عززت و تعجی یعنی عباد الود کرده
 روی مرا و کلام استعاره و کول لا تغلق جواب
 لولا لئلا كان لا تقطوا یعنی مایوس مشورین
 یعنی ما را دعوت کرده بود آخرین یعنی دلیل و کجاست
 قد استبدد مني حسن الظن بك اسباب اشك
 جاری کردند یعنی مرا بگریه آورده حسن ظن من
 بعنوان گناه کاران اگر چه گناهشان عظیم شد
 و خطای شان بسیار اگر کسی گوید که حسن ظن
 موجب خوشحالیست و اینهاجند باعث گریه گویم چرا

گریه است که از غایت خوشحالی باشد و لغت زکلی
یعنی بدبویشان بگویند و مغفرت لغزش مرا و افاک
عزیزت یعنی مسالحتی و بگذری از گناه من و
فجایه التاکیهین یعنی جمله کنندگان بخت
که لشکر جمعی باشند و سر و ارکان ایشان که بخت
حضرت امیرالمؤمنین سلام الله علیه را شکستند
و القارطین یعنی عدول کنندگان که معاویه و
لشکر او علیه السلام باشند که از حضرت
امیر علیه السلام عدول کردند و قسوط عدولت
از حق و المایقین مراد خدایانند که از دین
بیرون رفتند چنانکه بعد از کان بیرون رود چنانکه
در حدیث است افاک خیر است و سابقش در صفت

امیرالمؤمنین علیه السلام و مراد اینجا ثبوت نه
حدوث پس صحیح است که اینها صفت معروف ^{شد}
مثل مالک یوم الدین و العنود من جملة ما و التلیم
لروایتها عطف بر ~~لروایتها~~ ^{لروایتها}
جمع علم است بفتح لام کوئی که نشان راه باشد در
صحرا و مقدار انبج میم جای بلندی که بالای
آن آتش روشن کنند برای هدایت راه لا مقترع
و لا ملجأ عطف تفسیریت و معقلی بفتح میم و
کسوف بمعنی حصن و حصارت و اطلاق میکند
بر پناه امام طلیقی بفتح ط و کسوف بمعنی پیش حاجم
و معقلی بصیغه اسم مفعول یعنی معتمد من و طغنی
بظاه نقطه دار و عین بی نقطه ساکن و مفتوح یعنی

سیر و سیر و منقلب یعنی محل اقامت و سکون
ارتجاج بهوشای دو نقطه بالا یعنی بسته شدن
ماههای آنها من کل ضلک بضاد نقطه دار و
نور ساکنه بمعنی ~~تک~~ و محذرات یعنی بن رکی
وعظمت تو قال الذی ان الله یحیی و یمیت ما یشاء
که مبالغه و ترغیب آن کرده ام بقصد بدویم بمعنی
قصده و ترک بر وزن تکدم یعنی نزدیکی
سازی و فکد اکتی الطلب بدال محمله یعنی دشواری
و مستعذره و منقطع شد طلب و اعییت الحیل
بعین محمله و یای دو نقطه زیر یعنی و اماند
منتهی بنون و آخرش خای نقطه دار یعنی اقامت کرده
یقیناً بکبر فاضای دور خانه و از انحرکت

یعنی بهم در رفت و ملصق شد و قال انی الفز بضمهم ضاً
یعنی رسیدن بدیالی و بفتح نقیض نفعت و تمکنی
للفضاضة بخای نقطه دار و دو صاد بی نقطه یعنی
فر گرفته مرا احتیاج و عثرنی الحاحه یعنی فرا گرفته
مرا احتیاج و توتمت بالذکر یعنی موسوم و معروف
شدم بذلك و حقت علی الکلمه یعنی سزاوار شد بر
من عذاب و فتح لبین و صاد هر دو بیک معنی است اینجا
مادی یعنی لایل ساز و بر اینجا از علتهای او منست و
الایزاع بیای دو نقطه زیر و زای نقطه دار و عین
بی نقطه بمعنی الحامت و لا تخجلنی من بدلت بخای
با نقطه و نشد بد لام از تخلیه است یعنی خالی مدار
از نعمت خود لیت بدیع بکون دال من و لا ینک

بفتح و او یعنی عطیه از تو که با آن احتیاج یعنی نباشد
امری بدیع و غریب نیست از امداد و اعانت تو و لا
بشک یعنی امری متکرر و مستبعد نیست و از حرم
المتن بفتح ها و سکون فا یعنی رحم کن بر زلت و
لغزش و خطای من خذ بیداری من دحض بجای محصله
و ضاد با نقطه المزة یعنی خلاص کن مرا از لغزش
خطا قند کبریت بیای یک نقطه زیر یعنی اقدام بر
روی خود بویج کل و لید منهما فی صالحیه و
بویج صالحیه و نه یعنی اخل میان در هر یک از شب
روز را در آن دیگر باینکه که میکند از یکی و زیاد
میکند دیگر را مثل کوشدن روز در میان و زیاد
شدن شب اگر کوئی این معنی مفهوم می شد آن بویج کل

و لید منهما فی صالحیه بر چه حاجت بود به بویج
صالحیه و نه گویم غرض حضرت علیه السلام تنبیه
بر امر غریبی که حصول زیاده و نقصان است با هم
هر یک از شب و روز در یک زمان و این بحال اختلاف
بقاع است مثل بقعه شمالی خطا است و بقعه جنوبی
خطا است و خواه اینجا کسی باشد و خواه نباشد پس
زیاده و نقصانش واقعند در یک وقت لکن در
دو بقعه و همچنین زیادتیش نقصانش و اگر
حضرت صلوات الله علیه تصریح نمیکرد به بویج صالحیه
و نه تنبیه بر این معنی نمیشد بلکه ظاهر کلام آن می بود
که زیاده و نقصان واقع میشود در دو وقت چنان
متعارفت و غصبات بنویس و ضاد با نقطه از خصوص

یعنی افعال بدی که موجب تعبات و در بعضی روایات
 بظای نقطه است بمعنی نقل و سکنی لِکُونِ لَکُمْ
جِهَاتًا یعنی تا باشد برای ایشان راحت و یسار یعنی
 امتحان کند و ظاهر سازد فَلَقَدْ کُنَّا مِنْ الْأَصْباحِ
 معلوم شد و ما بابت بدی های سه نقطه دار
 مشتق است از بیت بمعنی متفرق کردن مقیمه و
 شاخصه مراد بشاخص اینجا صند مقیم است لکن
کُنَّا مِنَ الْأُمَمِ الْأَما فَصْنِیت یعنی نیت ما را فقهها
 مگر آنچه تو فضا کرده و فقره بعد ازین مفسر است
 شاهد عتید بنای دو نقطه بالا بمعنی حاضر و محیا
بَارِئٌ مِمَّا یُشْرَکُّونَ یعنی جایز و کناه و اقتراف یعنی
 کسب کردن و اجزای کنا یعنی بیکدیگر برای ما و اخطا

یعنی خالی کردن ما را درین روز از بدیها و
 حیاطه بجای بی نقطه و یای دو نقطه و طای
 بی نقطه یعنی حری و حفظ و آو قف هم شاخه است
 از قول عرب که وقت وینه یعنی داخل نشد در آن
 و خِیرَ نَکَبَی بجای با نقطه و یای دو نقطه زیر مفتوح
 و رای بی نقطه مفتوح یعنی اختیار کرده شدن
 و برکنیده شده و سکون یا هم آمده فصل بدانکه از
 حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم منقول است
 که هر یک ساعتی از ساعت های دوازده گانه روز
 متعلق است یکی از ائمه معصومین صلوات الله
 علیهم و مخصوص است بدی های خاص پس ساعت
 از طلوع فجر تا طلوع آفتاب منسوب بحضرت

امير المؤمنين عليه السلام **وايضا دعائي** اللهم
ربّ الظلام والظلم والنجس والفسق والشر
وما وسق والفساد اذا اتسق خالق الانسان
من عاقي اظهرت قدسك بيدع صنعتك
وخلقت عبادك لما كلفتهم من عبادتك و
هديتهم بركم فضلك الى سبل طاعتك و
فردت في ملكوتك بعظيم السلطان وكوددت
الى خلقك بتدبير الاحسان وتعرفت الى برّيتك
بحسب الامتين يا امن يثله من في السموات و
الارض يوم هو في شان استنك الله محمد
خاتم النبيين الذي نزل الروح الامين على قلبه
ليكون من المندفين بين طين عراقي وبين
يا امير المؤمنين

علي بن ابي طالب ابن عم الرسول وبعلي النبوة
الذي وصفت ولايته على الخلق وكان يدور
حيث دار الخلق ان يصلي على محمد وال محمد فقد
جعلتهم وسيلتي وقد منهم امامي وبين يدي
خواججي وان تغفر لي ذنبي وتطهر قلبي وتنش
حبيبي وتخرج كربي وتبلغني من طاعتك
وعبادتك امني وتغفر لي خواججي للدنيا و
الآخرة يا ارحم الراحمين واكر خواجج اين دعا ان
جلد نقيب نماز كن **ويايد** كه آخر آنچه بعد از نماز
بجای آری مجدهای شکر باشد روایت کرده رئیس
المحدثین در فضیله که حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام فرموده که بجزه نکر و حبیب بر هر مسلمانی

تمام میکنی بآن نماز خود را و راضی می کنی
بآن پروردگار خود را و تعجب نمیکند ملائکه آن
تو بعد سستی که هرگاه بنده نماز کند و بعد از آن
سجده شکر می کشاید و بر می دارد خدای تعالی
حجرات آن میان بنده و فرشتها پس میگوید ای فرشتها
من نظر کنید به بند من ادا کرده فرض مرا و تمام
کرد عباد مرا بعد از آن سجده کرد برای من بجهت
شکر آنچه من انعام کرده ام با و ای فرشتهای من
چیز است مرا و این ملائکه میگویند ای پروردگار
ما رحمت تو بعد از آن خدای تعالی میگوید دیگر من
او را بجهت ملائکه گویند ای پروردگار ما بجهت تو
پس خدای تعالی گوید دیگر مرا و بجهت ملائکه گویند

ای پروردگار کفایت مهم او پس خدای تعالی گویند
مرا و بجهت پس چیز نیک نمائند مگر که ملائکه
گویند پس خدای تعالی گوید ای فرشتهای من دیگر
مرا و بجهت پس ملائکه گویند ای پروردگار ما
ما را دیگر علی غایت پس خدای تعالی گویند هر آینه شکر
او کنم چنانکه او شکر من کرده و در و او کنم
نفضل خودم و بنمایم بر او رحمت خودم را **و انشأ**
طول دادن و بسیار بودن در سجده شکر و عبادت کرده
در حقیه که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام سجده
شکر میکرد بعد از نماز صبح پس پس مبارک بر عبادت
تو و بلند میشد **فصل** چون سجده کنی هر روز و سابقه ای
دستها را فرس کن بر زمین و سینه و شکم را ملصق ساز

بر منين ويكوي بخر دكافي بسند حسن انما الحسن
لماضي عليه السلام دعوت كرده ويكودر سجده
شكر اللهم اني استشهد بك واشهد ملايكه
وقضاياك وقد سلك جميع خلقك انك الله
تحيي بالاسلام ديني ومحمدنا صلى الله عليه
والله يني وعائنا والحسن والحسين وعائنا
ومحمدنا ومحمدنا وموسى وعائنا ومحمدنا وعائنا
والحسن ومحمدنا سلام الله عليهم اجمعين
الحمد لله ومن عذوهم انور **يس سبأ** **يحيى** اللهم
اني استشهد بك للظلم **يحيى** اللهم اني استشهد بك
يا اباي على نفسك لا اوليا لك انك تعلم بهم بعدوك
فعدوهم انما صلى على محمد وال محمد وعلى

باوازين ميگفت بويك ليك بديني حولك سوء و
ظلمت نفسي فاعف عني فانه لا يعفو الله عنك
مولا **يحيى** **يحيى** عيسى بن مريم و
سهار ميگفت ارحم من آسماء وارض وسمك
واعترفت **يحيى** **يحيى** من از سجده بر ميباري بگو اللهم
لك الحمد كما خلقتني فذكر ان شيئا مذكورا
رب اعني على اموال الدنيا وتوالي الدهر و
زكيات الزمان ومصيبات الليالي الايام
واكفني شر ما يعمل الظالمون في الارض وفي سعي
فاصحبني وفي اهلي واخوتي وفي عبادي وقنتي
فبارك لي وفي نفسي لك فذل الذي وفي اعتر الناس
فعطفتني واليك فحيني ويدوني ولا تقصصني و

بِعَلِيٍّ وَلَا يُسَلِّحُنِي وَيَسِّرْ لِي وَلَا تَحْرِثْ وَمِنْ
 شَرِّ الْيَحْنِ وَالْإِنْسِ فَلْيُنِي وَلِيَحْمِلِي الْأَخْلَاقِ
 فَوْقَنِي وَمِنْ سَاوِي الْأَخْلَاقِ فَجَنِّبْنِي إِلَى
 مَنْ رَكِبْتُ يَا رَبِّ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَأَنْتَ رَبِّي
 إِلَى عَدُوِّ مَلَائِكَتِهِ أَمْرِي أَمْرِي إِلَى بَعِيدٍ فَيَنْجُوهُنِي
 فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضَبْتُ عَلَى يَارَبِّ فَلَا أَلِي
 غَيْرُكَ عَافِيَتِكَ أَوْسَعُ لِي وَلَحَبِّ إِلَى أَعْوَدِي نَوِيرِ
 وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَ
 كُنْتُ بِهَا الظُّلُمَةُ وَصَلِّ عَلَيْهِ أَمْرًا أَوَّلِينَ وَ
 الْآخِرِينَ أَنْ يَجْعَلَ عَلَى عَصَبِكَ وَيَنْزِلَ بِمَخْطَاكَ
 لَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى وَتَعْبُدَ الرِّضَا وَالْأَحْوَالَ وَلَا
 تَقْطَعْ أَلْيَاكَ **بِالسَّبِّ وَتَوْبِهِ** دَرِيَّانِ الْبَحْرَيْنِ طُلُوعِ

أَقْنَابِ تَأْوِثَ ظَهْرِي بِإِيحَا أَوْ دَيْشِ زَيْنِ مَذْكَورِ
 شَدِيدِ كَهْرِ سَاعَتِي زِدْ وَارْدَهُ سَاعَتِ رَوْضِ مُعْلَقَتِ
 بَيْكِي لِزَانَةِ مَعْصُومِينَ سَلَامِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ
 سَاعَتِ أَقْلِ أَنْ حَضَرْتَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 وَدَعَايَ أَنْ **وَسَاعَتِ دَعْوَاهُ** أَنْ حَضَرْتَ أَمَامَ حَسَنِ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْتَودَعَايَ أَنْ أَيْتَ اللَّهُمَّ
 يَا خَالِقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكَ الْبَسْطُ وَ
 الْقَبْضُ وَمُعَدِّ الْأَيَّامِ وَالنَّفْثُ وَمَنْ لَا يَحِيبُ
 الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ يَا مَالِكُ يَا جَبَّارُ
 يَا وَاحِدُ يَا قَهَّارُ يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ يَا مَنْ لَا تَدْرِكُهُ
 الْأَبْصَالُ وَهُوَ يَدْرِكُ الْأَبْصَالُ يَا مَنْ لَا يُمِصُّكَ
 خَشْيَةُ الْإِنْفَاقِ وَلَا يَفْتَرِخُ خَوْفُ الْإِمْلَاقِ يَا كَرِيمُ

از طلوع آفتاب تا بر طرف شد
 سرخی آفتاب

يَا مَازِدُ يَا مُبْتَدِيَا بِالْعَمِّ قَبْلَ الْإِسْحَاقِ يَا مَنْ
يَبْرِكُكَ الرُّوحُ مِنْ آمِنْ عَلَى مَنْ يَنْبَأُ مِنْ عِبَادِهِ
لَيْسَ يَوْمَ التَّلَاقِ كَبُرَتْ بَعَثُكَ عَلَى وَصْعَةٍ
فِي جَسَدٍ كَسَى وَدَامَ غِنَاكَ عَنِّي وَعَظَمَ
لِيكَ فَقَرِي أَسْأَلُكَ يَا عَالَمَ سِرِّي وَخَجَرِي يَا مَنْ
لَا يَنْقُضُ سِوَاهُ عَلَى كَثْرَةِ مَوَدِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
لِحَقِّ رِسَالَةِ الْفَخْرِ وَتُجَيِّدَ عَلَيَّ الْأَوَارِ وَ
الْفَخْرَ وَتُحَيِّيَ أَهْلَ بَيْتِ الْفَخْرِ يَا الْخِيَارَ وَالْوَثْقَ
لِيكَ يَا أَمْرَجَ الْبَطِينِ عَلَيَّ يَا إِمَامَ الزُّمَرِ لِيَسْنِ
الْمَقُولِ سَنًا وَقَدْ اسْتَشْفَعْتُ بِكَ إِلَيْكَ وَقَدْ مَنَّمْتَ
أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيَّ خَالِي أَنْ تَبْدِي مِنْ لَدُنْكَ
عِلْمًا وَتَهَبَ لِي حُكْمًا وَتُجَيِّدَ لِي وَتُشْرَحَ

بِالْعَمِّ صَدْرِي وَتَرْجِي إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الْعَالَمِ
أَشْرِي وَتَذَكَّرِي إِذَا لَبِي ذِكْرِي بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **سُئِلَ** عَنْ وَقْتِ بَرْطِ
شَدْنِ سِرِّي أَقْبَابِ بَلْبَدِ شَدْنِ رُودِ زِيَارَتِ
إِمَامِ حَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْتَودَعَا بَيْتَ الْكَلِمِ
رَبَّ الْأَدْبَابِ وَمُسْتَبَيَّ الْأَسْبَابِ يَا مَالِكَ
الرِّقَابِ وَمُسْجِدَ النُّجَابِ وَسُورَةَ الصُّعَابِ يَا
حَلِيمَ يَا ثَوَابَ يَا كَرِيمَ يَا غَابَ يَا مَفِجَ الْأَوَابِ
يَا مَنْ حَيْثُ مَا دَعَى لِجَابِ يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبُ
وَلَا ثَوَابُ يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ زَائِدٌ وَمَنْ لَا يَابُ يَا
مَنْ لَا يَنْحَى عَلَيْهِ سُدٌّ وَلَا يَضْرِبُ دُونَ رَحْمَتِكَ
يَا مَنْ يَرْدُقُ مَنْ يَنْبَأُ بِعَيْنِ حِسَابِ يَا غَاوِي الدُّنْيِ

وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ اللَّهُمَّ انْقَطِعْ رَجَائِي مِنَ
الْأَمْرِ فَضْلِكَ وَخَاتِ الْأَمَلِ الْإِمْرَ كَرَمِكَ
وَأَسْأَلُكَ بِحَسَنَةِ سُلُوكِ وَيَعْلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ
صَفِيَّتِكَ وَالْحُسَيْنِ الْأَبَامِ النَّفِيِّ الَّذِي اشْتَرَى
نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَبِطَائِفَةِ النَّاسِ كَثِيرِينَ
عَنْ حِرَاطِ طَاعَتِكَ فَتَنَالُوهُ سَاعِبًا ظَلَمَانًا وَ
هَمَّكَوْا حُرْمَتَهُ بَعِيًا وَعُدُوهُ وَأَنَا وَحَمَلُوا أَمَانَةَ
فِي الْأَفَاقِ وَأَحْمَلُوا حَقْلَ الْعِنَادِ وَالشُّعَاقِ
اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلِهِ وَجَدٌ عَلَى الْبَاغِي
عَلَيْهِ مَحْزَنَاتٍ لِعَيْنِكَ وَانْقَامِكَ وَمُزْدِيَاتٍ
مَحْطِيَّتِكَ وَنَكَالِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ
وَأِلَيْهِ وَأَسْتَشْفِعُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَأَقْدِمُهُمْ أَمَامِي

وَبَيْنَ يَدَي حَوَائِجِي أَنْ لَا تَقْطَعَ رَجَائِي مِنْ
امْتِنَانِكَ وَلَا تُخَيِّبَ تَأْمِيلِي فِي إِحْسَانِكَ وَ
تَوَالِكَ وَلَا تَهْلِكِ السِّرَ الْمَسْدُودَ عَلَيَّ مِنْ
جَمْعِكَ وَلَا تُغَيِّرْ عَنِّي عَوَائِدَ طَوْلِكَ وَإِعْوَمَكَ
وَوَقِفْنِي مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ وَاصْرِفْنِي عَمَّا
يُبَاعِدُنِي عَنْكَ وَاعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ أَفْضَلَ
مَا أَرْجُو وَأَكْفِنِي مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَحْدِدْ
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **وساعت جبهانه**
انجاست ناز وال انحضرت امام زين العابدين
عليه السلام است ودعاش ايست اللَّهُمَّ أَنْتَ
الْمَلِكُ لِلْمَلِكِ وَكَوْنُ شَيْءٍ سِوَى وَجْهِكَ الْكَرِيمِ
هَالِكٌ مَحْزُونٌ يَتَذَكَّرُ نَيْكَ الْخُومَ التَّوَالِكَ فَ

امطرت بعدد نيك اليوم والشوايفك وعلت ما
 في البر والبحر وما انقطعت من دقة الظلمات
 للوالد يا سميع يا بصير يا بزر يا شكور يا غفور
 يا رحيم يا من تعلم خائفة الاعين وما تخفى
 الصدور يا من كل الحمد في الافق والاخر
 وهو الذي اسئلك سوال البائس المسير
 ان ترفع اليك تضرع الضاليع الكسير
 او كل عليك توكل الخائيع المستجير واقف
 ببابك وقوف المومل الفقير والقول اليك
 يا تدبير التدبير والتدبير المستجير خاتير
 النبيين وابن عقيم امير المؤمنين والامام علي
 بن الحسين زين العابدين وامام المنقذين المحفي

الحاكم

للصدقات والمنافع في الصلوات والذات المحمدي
 في المجاهدات الناجدين الثقات ان نصلي
 على محمد وال محمد فقد توصلت بهم اليك و
 قدتمهم امامي وبين يدي حواشي وان
 تعصمني من موافقة معاصيك وتشدني
 الى موافقة ما يرضيك وتجعلني ممن يؤمن
 بك ويتقرب ويحافك ويرجوك ويؤلفك
 ويستجيبك ويتقرب اليك بموا اليك من
 يؤلفك ويحبب اليك بمعاذة من يعاد بك
 ويعرفك لديك بعظم نعمك واباد بك
 برحمته يا ارحم الراحمين **بلك** نغدا دعاه
 لخللا فبيد داره وانجد دين كتابت معني

استاد دام الله ظله است **فصل** در بیان آنچه در
 اوایل روز بجا آید سنت است که در اول روز
 تصدق کند بجهت چه میسر باشد اگر چه اندک بود
روایت کرده کلینی که حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام فرموده که حضرت پیغمبر صلی الله
 علیه وآله فرموده بگوید یا اصدقه یا یا اصدقه یا یا اصدقه
 لا یخطئ لها یعنی در وقت بکوه که ابتدای روز
 باشد تصدق کنید که بدان اوقات بگذرد یعنی
 باقی روز از بلا بلامت باشد **هم** او روایت
 کرده از آنحضرت صلی الله علیه وآله که فرموده که در
 وقت ابتدای روز تصدق کنید و در آن وقت
 رغبت کنید پس هر مؤمنی نباشد که تصدق نکند

صدقه و نخواهد آن ثوابی را که نزد خدای تعالی است
 تا دفع کند از او آن صدقه شش اینچه نازل میشود
 از آسمان بر زمین در آن روز مگر که نگاه دارد
 خدای تعالی او را از شش اینچه نازل میشود در آن روز
و بدانچه در علم است سنت است که در حدیث است
 از آنحضرت صلی الله علیه و آله که میگوید که هر کس که
 روی خود را بکلاه نرسد یا در آن روز بباد و
 غبار یا بکوه مسیح کند رو و دستها و صواب
 بفرستد پیغمبر صلی الله علیه و آله و **و بچند** از آنچه
 در اوایل روز بجا می آید و اغلب ببق غامه
 و پوشیدن رخت و موز و نعلین است پس
 بعضی از آداب دعاها و آنها مذکور سازیم **اما**

بسبق عمامه یعنی در سینه بر سر پیچیده پس در
 حدیث است که نزد آن باید گفت **اَللّٰهُمَّ سَوِّخْ**
بِسْمِکَ وَ اَلِیْمَانِ وَ تَوَخَّیْ شَیْخَکَ الِکَرَامَہَ
قُلْ لَّیْسَ بِحَبْلِ الْاِسْلَامِ وَ لَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِیْمَانِ
 مِنْ عُنُقِیْ و باید که نشسته عمامه نه پیچد و چون
 عمامه پیچد بهمان تخت الحناک بنده زیر آگشت
 مؤکد است **روایت کرده** شیخ طوسی رحمه الله در
 تهذیب البیہ حسن که حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام فرموده کسیکه عمامه بندد و عمامه را زیر
 حناک خود نکند اند پس برسد با و دردی که او را
 دو اناشد پس ملامت نکند مگر نفس خود را
روایت کرده رئیس المؤمنین در عقبه که حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام فرموده بدستی که
 من انجب میکنم از کسیکه بحاجتی برود و او با وضو
 باشد چون بر نیاید حاجت او بدرستی که من انجب
 میکنم از کسیکه بحاجتی رود و او عمامه را از حناک
 خود گردانیده باشد چون بر نیاید حاجت و لحاظ
 در ترغیب تحت الحناک داشتن بسیار است و
 اجماع علمای ما منعقد است بر آن و تعجب نیست از
 مخالفان که ایشان انکار میکنند با آنکه در کتابها
 خود روایت کرده اند که حضرت پیغمبر صلی الله
 علیه و آله نهی کرده از افراط و امر کرده به اعتدال
 و صاحب صحاح گفته که افراط بپوشیدن عمامه است
 و تحت الحناک و این حدیث ناقل کرده و نقلی کرده اند

عمامه است بر سر بپوشیدن یعنی دو استخوان که لحیه
 در آنجا است **مواکه** سنت بودن تحت الحنك عام
 در جمیع اوقات و حالات و مخصوص نیست بحال
 نماز چه در نماز افضل است این سنت است علیحد
 خواه نماز گزارد و خواه نکرارد و من در روایات
 کتب اصول خود نیافتم چیزی که دلالت کند بر خصوص
 بودن آن بحال نماز بلکه عام است و باین تصریح
 کرده علامه در منتهی المطلب بعد از آنکه لحاظ
 تحت الحنك را ذکر کرده فرموده که ظاهر شد باین
 احادیث که آن سنت است مطلقا در حال نماز غیر
 آن **در وقت** نماز تحت الحنك کند باید که قصد
 کند که این سنت است علیحد و نه آنکه سنتی است

لغیره **و اما آداب** رخت پوشیدن باید که قیاد کوتاه
 کند در تنفیر آیه کبری **فَطْمَرْنَا بَكَ فَطْمَرْنَا شَدَّ** که
 بمعنی قصه است یعنی بختهای خود را کوتاه کن
 و باید که آستین دراز تر از سر دست نباشد و همیشه
 رخت نیت خود را بپوشد و رخت شهرتی هم
 بپوشد و در وقت نماز سفید پوشد **و انحصار**
 امام جعفر صادق علیه السلام روایت که مکروه
 سیاه مکرور در سبزه مومن و عمامه و کسا
اما عمامه از پوشیدن قبا از حضرت امام جعفر
 صادق علیه السلام مرویست که بگویند **اللَّهُمَّ**
اجْعَلْهُ تَوْبَةً مِنِّي وَبَرَكَهَةً لِّلْهَيْمِ از زنی که شکوه
لِعَمَلِكَ وَحَسَنَ عِبَادَتِكَ وَالْعَمَلُ بِطَاعَتِكَ

در وقت نماز

لَكَوْنُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا اسْتَرْزِيهِ عَوْنِي وَلَا يَجْعَلْ
 بِي فِي النَّاسِ **فَلْيُحْضِرْ** امام محمد باقر عليه السلام
 مرويت كه چون قباي تو پوشيد بگويد اللهم
 اجْعَلْهُ لِقَابَ يَمِينٍ وَتَقْوَى وَبِرَكَّةٍ اللَّهُمَّ
 ارْزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ وَعَمَلًا بِطَاعَتِكَ
 وَأَذَاهُ شَرِّ نِعَمَتِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي
 مَا أَوَارَى بِهِ عَوْنِي وَلَا يَجْعَلْ بِي فِي النَّاسِ **مَعْرَا**
 كه نزد پوشيدن زير جام بگويد اللهم اسْتُرْ
 عَوْنِي وَأَمِنْ رَوْعَتِي وَاعْتَفِ عَنِّي وَلَا تَجْعَلْ
 الشَّيْطَانَ فِي ذَلِكَ نَصِيْبًا وَلَا لَهَ اِلَّا ذِيكَ وَصَلَاةُ
 فَيَضَعُكَ فِي الْمَكَاتِلِ وَيَجْعَلُكَ لَانْتِكَالٍ تَحَارِيرِكَ
 و بايد كه در بيله بنوشد **وَاللَّهُ** مولا و نعلين و

كفش بايد كه نشسته پوشد و پاي است را پيش از چپ
 و در وقت بيرون كردن ايستاده و پاي چپ را پيش
 از راست و اين دعا بخواند در وقت پوشيدن مريك
 بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَوَضِعِي قَدَمِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَبَيْنَهُمَا عَلَى
 الْمِصْطَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْأَفْدَامُ **و اين دعا** وقت بيرون
 كردن بخواند بِسْمِ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا
 أَقْتَنِي بِهِ قَدَمِي مِنَ الْأَذَى اللَّهُمَّ بَيِّنْهُمَا عَلَيَّ
 صِرَاطَكَ السَّوْيَ **و روايت** از حضرت امام
 جعفر صادق عليه السلام كه اهل پوشيدن موده
 سرخ در حضور دون سفر **و روايت** كه آنحضرت
 عليه السلام فرموده كه از سنت است پوشيدن

موزه سیاه و کفش نرود و مکروه داشته آنحضرت
علیه السلام پوشیدن کفش سیاه را **و انما انحضرت**
علیه السلام روایت کسی که پوشید کفش نرود
گفته کنند آنرا تا بهر ساند مالی **و انما انحضرت** که
کسی که پوشید کفش نرود یا باشد در خوشحالی آنکه
گفته اند آنرا **افق** چون عادت جاریست که مابین
طلوع آفتاب تا زوال آن و شرفی واقع شود پس بعضی
از آداب و دعاهای آن که از حضرات ائمه معصومین
صلوات الله علیهم اجمعین منقولست مذکور سازیم
پیر چنان خواهی که چیزی بخوری بخشین بر جانب چپ
و هر یک منتهین که از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که آن نشستن و صاحبش را خدای تعالی

دشمن میدارد **و چون** دست دراز کنی برای چیزی
خوردن بگوید **بسم الله و الحمد لله رب العالمین**
روایت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که بدستیکه هرگاه مرد خواهد که چیزی بخورد
پس دست دراز کند و بگوید **بسم الله و الحمد لله رب العالمین**
بیا مرز خدای تعالی او را پیش از آنکه
لقمه در دهان او شود **روایت** شده که سنت است
بسم الله گفتن بر هر نیکی و هم روایت شده سنت
بودن گفتن بسم الله بر خوردن از هر ظرفی که در
سفر باشد اگر چه همه یکنواک باشد و کسی که فراموش
کرده باشد بسم الله را بر هر نیکی و بخاطرش آید
باید که بگوید **بسم الله علی اولیه و آخریه و باید که**

وقت شروع در خوردن بگوید الحمد لله الذي
يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ وَيَجْبِرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ وَ
يَسْتَعْنِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْهِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا ذَرَقْنَا
مِنْ طَعَامٍ وَأَدَامَ فِي بَيْتٍ وَعَافِيَةٍ مِنْ غَيْرِ
كَذِّبْنَا وَلَا مَشَقَّةَ بَيْنَهُمُ اللَّهُ خَيْرُ الْأَسْبَاءِ بَيْنَهُمُ اللَّهُ
رَبُّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ
اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ اللَّهُمَّ أَسْعِدْنِي فِي مَطْعَمِ هَذَا الْحَرَمِ وَ
أَعِزَّنِي مِنْ شَيْءٍ وَأَمْتِنْنِي مِنْ غَيْرِهِ وَسَلِّمْ عَلَى مَنْ
باب هر روز پیش از چیزی خوردن بیت و یک
موی سر بخوری **روایت** که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه وآله فرموده که هر که بخورد و در روز چهار بیت

یک موی سر بخالی او را بهم نرسد مگر علت
موت **و هر روز** دست ایشان از طعام و بعد از
طعام اگر چیزی یکی خورده باشی **روایت کرده** رئیس
المحدثین در فضیله که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
فرموده کسی که بشوید دستش را پیش از طعام باشد
معیشت و زندگی او در فراخی و عافیت یابد از
بلاد در جسدش **روایت** از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام که زیاد میکند عمر را و جلا میدهد
چشم را **و هر روز** در شستن اول صاحب طعام اول
دست بشوید بعد از و کسی که بر جانب راست اوست
در شستن بعد از طعام صاحب طعام آخر بشوید
اول کسی که بر جانب چپ اوست **و در بعضی** روایات

آنست که اول کسیکه بر جانب راست در خانه است بشوید
 در ششم و دوم خواه آزاد باشد خواصیده و بعد از
 شستن اول دست را خشک نکند و بعد از دوم
 خشک کند بعد از آنکه دست بر خیم مالیده باشد
 و اگر اثر طعام بر دست باشد اول بمکد و در
 انشای خوردن رکوع و حمد الهی کند و صاحب
 طعام پیش از دیگران شروع کند در خوردن و
 بعد از همه دست بکشد و مکر و هست بدست
 چپ چیزی خوردن و همچنین بدو انگشت چیزی
 خوردن **و چون** نان حاضر شود انتظار چیزی دیگر
 نکشند و نان را زیر کاسه نکند و پان نکند
 بکار دوا باشد کند بمک و ختم بآن و ختم بر کفیم

دو روایتی وارد است **و شست** حاضر ساختن سبزی
 بر سفره و دیگری و زدن و بار کوشش بخورد و در
 هر سه روایت یک بار بخورد **و مکر و هست** ترک
 گوشت در چهل روز و استغفران را بسیار خالی و پاک
 نکند بلکه اندک گوشت در آن بگذارد **روایت**
 که چون را در آن نصیب است و آنکه کسیکه پالک کند
 از خانه او برود چیزی که بجهت از آن گوشت باشد که
 پالک کرده **و یا** **و یا** صاحب طعام بر سفره بنشیند
روایت کرده کلینی بطریق حسن از زیدان که گفت
 شنیدم که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 میفرمود سه چیز است که هرگاه مرد یاد گرفت آنها را
 باعث زیادتى عمر اوست و باقی بودن نعمت بر ویست

گفتم که آنها چیست فرمود که طول دادن او سر کوع
 و سجودش و طول دادن نشستن بر سفره طعاش
 اگر طعام دهد و نیکی کردن او با اهلش **و دیگر**
 بعد از فارغ شدن از خوردن آنچه روایت شده از
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام **لَيْسَ لِلْمُحِبِّ**
الَّذِي أَطْعَمْنَا فِي جَائِعِينَ وَ سَقَيْنَا فِي ظَمَائِنَ
وَكَلَّانَا فِي عَادِينَ وَ هَدَّانَا فِي ضَالِّينَ وَ
حَمَلْنَا فِي رُحْلَيْنِ وَ أَوَّلَانَا فِي ضَائِحِينَ وَ كَضَمْنَا
فِي عَائِنَ وَ فَضَّلْنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنَ الْعَالَمِينَ
و اما خواندن سوئے الحمد بعد از طعام چنانکه
 درین زمان مشهور است در کتب حدیث بیان مطلع
 نشدیم و باید که حاضران هر در یک طشت دست بشویند

و آب طشت را از یزد تا پر شود و نشست خلال
 کردن و مکر و همت خلال شاخ خرما وینی و چوب
 سبحان و موزد و انار و باید انداخت آنچه بخلال
 از میان دندانهای بیرون آورد و باکی نیست آنچه
 بزبان بیرون آورد **و باید که** خورش تو چوبزی
 باشد که عیال ترا میل یان باشد نه آنچه ترا میل باشد
پس روایت کرده کلینی که حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام فرموده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه
 و آله فرموده **لَا تَأْكُلُ مِنْ يَمِينِهِ أَوْ يَسَارِهِ** یعنی مؤمن
 نخورد آنچه اهلش میل میکنند **وَلَا تَأْكُلُ**
أَهْلَهُ يَمِينَهُ یعنی منافق با اهلش نخوردند آنچه او
 میل میکند **و اما** **أَهْلَهُ** خوردن آب آنکه بگوید نزد

اَنْ لِّلّٰهِ نَزْلُ الْمَآءِ مِنَ السَّمَاءِ وَمُصْرَفُهُ الْاَمْرُ
 كَيْفَ يَشَاءُ يَنْزِلُ الْيَسْرَ الَّذِي خَيْرٌ لِّلْاَنْسَاءِ **وبعد** آب
 خوردن بگوید الحمد لله الذي سقانا ماء عذبا
 ولا يجعله ملحا اجاجا **و** الحمد لله الذي
 سقاني فارواقي واعطاني قانضاقي وعافاني
 كفاقي اللهم اجعلني ممتزا شفيقا في المعاد من
 حوض محمد صلى الله عليه وآله واسعدني
 بمزا فنيته **و** حميتك يا انعم الراحمين **سنت**
 آشامیدن آب که کم نمیکشد نه بسیار کشید
 روایت از پیغمبر صلی الله علیه وآله که بیکبار
 سر کشیدن آب مودت کیاد است یعنی مرض مگر
بار آب به نفس خوری بجز دودست برداری

وحمد خدای تعالی کوفی بعد از هر نفسی **و**
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سؤال کرد
 شد از آشامیدن آب بیک نفس پس آنحضرت علیه السلام
 فرمود که آنکه آب بنمیدد اگر مولد است پس
 بخورد بیک نفس و اگر آزاد است بخورد بیک نفس و
 روایت که کسی که آب خورد پس دود کند و حال
 آنکه میل بآن داشته باشد و حمد خدای تعالی کند
 چون سه بار چنین کند واجب شود بر او جنت **و**
بار که از پیش دست آب بخوری و نه از جای دیگر
 و آب بسیار بخورد **و** روایت که حضرت امام جعفر
 صادق علیه السلام فرموده که هرگز از بسیار خوردن
 آب زیاده آن ماده هرگز در دست **و** روایت که کسی که

آب بخورد و حضرت امام حسین علیه السلام را
 یاد کند و لعن قاتل او کند بنوید خدای تعالی
 برای او صد هزار حسنه و بطرف کند از او صد هزار
 سیئه و نفع سازد برای او صد هزار درجه و چنان
 باشد که آن آدمی ده صد هزار بند **باب سی و نهم**
 در بیان انجمن از وقت زوال آفتاب که ظهیر است تا
 وقت غروب و من آنجا باید آورد و در آن مقدمه
 و چند فصل **فصل اول** روایت کرده در فتنه که حضرت
 پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده هرگاه نماز شود
 آفتاب کشوده میشود دلهای آسمان و درهای
 بهشت مستجاب میشود دعا و قنوی لمن رقع که
 عمل صالح بر خوشحال کسی که بالا برده شود برای

او عمل صالحی و احتمال دارد که معنی طوبی له آن باشد
 که درخت طوبی کسی است **و هم او نیز روایت کرده که**
 پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که به تحقیق که آفتاب باز
 زوال خلقه ایت کرد آن داخل میشود پس هرگاه
 داخل شود در آن زوال شمس میشود پس تسبیح
 میکند هر چیزی که پائین عرش است برای حمد
 پروردگار من عز وجل و آن ساعت که صلوات
 میفرستد بر من در آن ساعت پروردگار من
 جل جلاله واجب کرده بر من در آن ساعت نماز را
 و گفته اقم الصلوة لدلولة الشمس الى عسق
 اللیل و آن ساعت که می آید در آن جهنم را
 روز قیامت پس نباشد مؤمنی که اتفاق افتد درین

ساعت آنکه او صاحب بار آید و در میان ایشان باشد
مگر آنکه حرام کند خدای تعالی جسد او را بر آتش
دو رخ **فصل اول** باید نماز در اول وقت کردن حتماً
و اجتناب باشد و خواه سنتی مگر آنکه استثنای آن **روایت**
آنحضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فضیلت
اول وقت بر آخر وقت همچو فضیلت آخرت بر دنیا
روایت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت است که
اول وقت رضوان خداست و آخرش عذاب است و
ظاهر آنست که این فضیلت دریافت شود بمشغول
شدن در اول وقت بمقتضای نماز چنانکه شیخ محمد
فرموده و مخصوص نیست بمشغول شدن در اول وقت
بنماز **و اما** **روایت** شده از امام معصومین علیهم السلام

که تعظیم و تکریم نکرده کسی که تاخیر کند طهارت را
تا وقت نماز داخل شود پس آنرا سند معتبری نیست و
داخل بودن آن در ضمن عمل بحدیث حسنی که کلیبی
روایت کرده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که کسیکه بشود چیزی از ثواب ابر عمل پس از اینجا
آید او را اجر آن باشد اگر چنان نباشد که باور رسید
دلالت میکند بر آنکه مشغول بودن بطهارت در اول
وقت مانع است از تعظیم نماز نه از دریافت فضیلت
اول وقت میان هر دو فرقت **و سنت** انتظار وقت
نماز روایت است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
انتظار دخول وقت نماز میکشید و میفرمود اگر خشا
یا بلال یعنی با احتیاط ما را با اعلام دخول وقت چنانکه

میفرموده **قوله عینی فی الصلوة** یعنی خوشحالی من در
 نماز است **واقول** زوال شروع سایه است در زوال
 بعد از آنکه خجایت نقصان رسیده باشد یا بهم رسیدن
 سایه بعد از برطرف شدن زیرا که هر چند آفتاب بلندتر
 میشود سایه کوتاه تر میشود تا وقتی که آفتاب خجایت بلند
 رسد دراز و زبر پس سایه هم بنهایت کوتاهی رسد تا
 برطرف شود و این وقت است که آفتاب بدایع نصف
 النهار رسد و معلوم است که آفتاب در وقت نسبت
 بناکنان اقالیم سبعة مختلف الاوضاع است گاه در
 جانب جنوب سمت الرأس بعضی اقالیم است و گاه در
 شمال آن و گاه بر سمت الرأس ایشان بر دو قسم اول و
 دوم سایه نصف النهار بر طرف غیش و بلکه در وقت

در نهایت کوتاهیست در جانب شمالی یا جنوب و
 درین دو وقت چون شروع در زیادتی کند اول
 وقت زوال است و در قسم سیم که آفتاب در نصف النهار
 بر سمت الرأس ایشان باشد سایه بالکل بر طرف
 میشود و بعد از آن ظاهر میگردد و اول ظهور آن
 وقت زوال است و مشخصه پیش از زوال ظل
 میگویند و بعد از زوال فی مشرق است انقضاء یعنی
 بمعنای رجوع زیرا که رجوع میکنند که با آنچه پیش
 از آن بوده و معتد است وقت فضیلت ظهر تا آنکه
 فی بعضی سایه که بعد از زوال بهم رسیده مساوی
 مشخص شود و وقت فضیلت عصر تا آنکه فی دو
 برابر مشخص شود **و نسبت** تا آخر هر يك ازین دو

نماز از اول وقت بمقدار ادای نافله آن نماز و کسی که
نافله نکند تا آخر سنت نیست **و نافله ظهر و اصاوت**
اول این می باشد و وقت او از زوال است تا آنکه فی
دو قدم شود یعنی بمقدار دو سبیع مثل شخص بر آنکه
قامت اغلب مردم هفت قدم اوست **و نافله عصر**
سجده می ماند و وقت آن فایده شدن از نماز
ظهر است تا آنکه فی چهار قدم شود و بعضی علمای
مادر اعتقاد می شد بودن وقت این نافله است تا ابتدا
وقت این نماز ها پس وقت نافله ظهر مستند است
تا آنکه فی مثل شخص شود و نافله عصر تا آنکه دو
برابر شود و این دو نیست و در اخبار معتبر
دلالتی برین هست بلکه در بعضی روایات دلالت

بر زیادتی وسعت وقت نافله میکند **روایت**
کرده در متذنب بسند صحیح که حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام فرموده که نماز تطوع بمنزله
هدیه است هرگاه که بجا آورده شود مقبول است
پس مقدم دار آنچه خواهی و مؤخر دار آنچه
خواهی **و نافله** آنست که هیچ یک از علمای ماعمل
باطلاق اینچنین از وسعت تقدیم و تاخیر نکرده
و شاید که مراد بتقدیم ادا باشد و بتاخیر قضا
و الله اعلم **و مشهور** میان علمای ما آنست که جائز است
اعتماد بر ظن دخول وقت مکرر با عدم قدرت
بر تحصیل علم پس بیابین جائز نباشد اعتماد بر قول
یک عادل و نه بر اذان شکر اگر چه مؤذن عادل باشد

مکر با عجز از علم و ظاهر کلام محقق در معتبر
 جوان اعتماد بر اذان بکعاد است افضل بر دادن
 دو عادل بدخول وقت یا اذان ایشان پس جوان
 اعتماد است بر آن اگر چه قدرت داشته باشد بر علم
 بآن زیرا که علم شرعی بآن حاصلست و کسی که
 اهتمام بیافان فضیلت اول وقت و بجای آوردن
 سنتها داشته باشد باید که در خانه خود یا پشت
 بام چوبی راست بر زمین فرو برد و آن چوب را
 بجفت قسم کرده باشد پس هرگاه سایه بغایت
 نقصان رسد یا شروع در حادث شدن پس شروع
 کند در نافله زوال اگر موفق باشد بعبادت سنتی
 کردن یا شروع کند در نماز ظهر در اول وقت که

و ابتدا در زیاده کند

محرور باشد اذان سعادت **و باید که** ملا حظت
 نماید پس چون بقدر وسع شاخص یا مثل شاخص
 شود وقت نافله ظهر بیرون میرود پس اگر نافله ظهر
 بیک رکعت تمام نکرده باشد نافله را ترک کند و مشغول
 گردد بنماز ولجعی و اگر از نافله بیک رکعت تمام کرده
 باشد و این بعارض شدن ذکر سجده دو پر رکعت
 اول متحقق میشود اگر سر از سجده برداشته باشد
 نافله را تمام کند بعد ازان مشغول شود بفرض و
 اظهار آنست که در این صورت شش رکعت دیگر هم
 اداست زیرا که این هشت رکعت در حکم یک نماز است
بعد ازان نماز ظهر بگذارد و بعد ازان ملا حظت
 نماید اگر چهار ربع شاخص یا دو برابر شاخص نشده

باشد شروع کند در نافله عصر و اگر شده باشد
 و تحت نافله بیرون رفته و در کمر این هم مثل
 نافله ظهر است در تمام و برای **اول نماز و جمع** زیاد
 کند بر هشت رکعت نافله ظهر و هشت رکعت نافله
 عصر چهار رکعت در یک که مجموع بیست رکعت
 باشد همه نافله جمعات شش رکعت در وقتی بگزارد
 که شعاع آفتاب ^{خود} بچشم و شش رکعت وقتی که آفتاب
 بلند شود و شش رکعت وقتی که راست بایستد و
 دو رکعت بعد از زوال **فصل** چون زوال
 متحقق شود بگوید یا ایها الذین آمنوا
 روایت کرده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
 تعلیم کرده محمد بن مسلم را و باو گفته که محافظت

و مداومت کن برین چنانکه محافظت میکنی چشمهای
 خود را و دعایت سُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 وَلِكَمِّنَ لِلَّهِ الَّذِي كَرَّمَ وَكَدَّ وَلَمْ يَكُنْ
 لَهُ شَرٌّ فِي ذَلِكَ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنْ
 الدُّنْيَا وَكَثْرَةُ نَكْبَرٍ **و بعد از آن** وضو سازد
 شروع کند در نافله زوال پس نیت کند دو
 رکعت نافله زوال میگزارد سنت تقرب بخدا و
 تکبیر الاحرام بگوید و تکبیر دیگر و دعای اللهم
 اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ يَا اَخِرُ يَخْوَان و بعد از آن دو
 نكبير ديگر بگوید و دعای كَيْلِكَ وَصَعْدَتِكَ يا
 يا اَخِرُ يَخْوَان و بعد از آن دو تكبير ديگر بگوید
 دعای وَتَجَمَّتْ وَخِيْلِي يا اَخِرُ يَخْوَان و بعد از آن

اَهْتَدِ بِكَوْا عَوْدُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَبَعْدُ
 الْحَمْدُ دُرُكْتُ اَقْلَ قُلْ هُوَ اللّٰهُ لِحَدِّجُوْنَ وَدُرُكْتُ
 دَوْمَ بَعْدُ الْحَمْدُ قُلْ اِيْمَانُ الْكَافِرُوْنَ خِيَانَةٌ كَلِمَتِي
 رَوَيْتُ كَرْدَه بِنَدْحَسْ وَبَعْدُ زَسْلَامُ سَهْ تَكْبِيرِ
 بِكُو وَتَسْبِيحِ فَاطِمَةُ زَهْرَا عَلِيَهَا السَّلَامُ بِحُجُوْنَ وَ
 بَعْدُ اَزَانُ بِكُو اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ ضَعِيفٌ فَقُوْا فِيْ رِضَاكَ
 ضَعِيفٌ فَخُذْ اِلَيَّ الْخَيْرَ بِمَا صِيتِيْ وَاجْعَلِ الْاِيْمَانَ
 مُسْتَهْلِيْ رِضَايَ وَبَارِكْ لِيْ فِيْمَا قَسَمْتُ لِيْ وَ
 بَلِّغْنِيْ رَحْمَتِكَ كُلَّ اَرْدَى اَرْجُوْ مِنْكَ وَاجْعَلْ لِيْ
 وَفَاوَسْرُوْا لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَعَهْدًا عِنْدَكَ وَبَعْدُ
 دُرُكْتُ دِكْرِيْ بَكْرَ اَمَادُ رَاقِلَيْنِ تَكْبِيْرَاتِ اَقْبَانِ
 مَكُو وَبَيْنَ بَعْدُ اَزَانُ دُرُكْتُ اَيْنِ دَعَا بِحُجُوْنَ وَتَحْمِيْنِ

天

تا شش رکعت بکناری بعد از آن اذان برای نماز
ظهر بگو و دو رکعت نافله بکن و بعد از آن اقامت
بگو و بعد از اقامت این دعا بخوان اللَّهُمَّ رَبِّ
هَذِهِ الدَّعْوَةِ النَّامَةِ وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ عَلَيَّ مُحَمَّدًا
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الدَّرَجَةِ وَالْوَسِيلَةَ وَ
الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ يَا اللَّهُ اسْتَجِبْ وَيَا اللَّهُ
اسْتَجِبْ وَبِحَمْدِكَ صَلَّيْ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوَحْجَةَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَجْهِيَّتِهِ
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ الْمُفَرَّقِينَ **بعد از آن**
مشغول شو به نماز ظهر یا ادایی که در نماز صبح
مذکور شد و بسم الله الرحمن الرحيم را بلند بگو
و باقی را آهسته بخوان و در رکعت اول بعد از الحمد

20

سوره سجده اسم ربك الاعلى بخوان يا سوره و الشمس
 يا سوره كه بمقدار اينها باشد چنانكه در عهد نب
 روايت شده از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام
 پسند صحيح و نه دو ركعت آخر سوره الحمد نماز شده
 بار بگو سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ
 اللَّهُ أَكْبَرُ استغفر الله بعد از آن كه بدير ركوع
 بگو و سه بار برداشته و چهار ركعت تمام كن
 چنانكه گذشت و بعد از سلام سه بار الله اكبر بگو
 و بعد از آن بخوان لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا وَ
 لَحْنُ لَهُ مُلْكُ يَوْمَ تَأْتُرُ جِبَالُهُمْ دَرَنَقِيْبٍ صبح مذکور
 شد **بعد از آن** تسبیح فاطمه زهرا عليها السلام بگو و
 هر دعاي كه خواهی از آنها كه در تعقیب صبح

مذکور شد بخوان سواي آنچه مخصوص است بصبح و آنكه
 متضمن دخول صبح است مثل سه دعاي آخر
بعد از آن بگو يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَدَّ الْقَبِيْحَ
 يَا مَنْ كَرَّمَ الْوَلَدَيْنِ بِالْحَجَرَيْنِ وَلَمْ يَجْعَلِ السَّيْرَ
 يَا كَرِيْمَ الصَّفْحِ يَا عَظِيْمَ الْمَنِّ يَا حَسَنَ الْقَوَائِدِ
 يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا سَامِعَ
 كُلِّ نَجْوَى يَا مُسْتَهْمِي كُلِّ شَكْوَى يَا مُبْتَدِيَا
 بِالنَّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا يَا رَبَّنَا يَا رَبَّنَا يَا رَبَّنَا
 يَا سَيِّدَاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا غَايَةَ رَغْبَتِنَا
 يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
 وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ
 وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالحَسَنِ

تعقیب صبح

یا مولای من

وَمُحَمَّدٍ صَلَاحِي النَّامَانِ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَنْ تَكُنْتَ كَرِيحٍ
وَتَغْفِرَ ذُنُوبِي وَتَقْرَأَ فِيَّ وَتُخْرِجَ عَنِّي وَتُصَلِّحَ
شَأْنِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَالْآخِرَةِ وَأَنْ تَدْخِلَنِي
الْجَنَّةَ وَلَا تُنَوِّعَ خَلْقِي بِالْأَنْبِيَاءِ وَلَا تُفْعَلْ بِي أَسَا
أَهْلَهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **بعد ان يكون**
بِاسْمِ اللَّهِ كُلِّ صَوْتٍ بِأَجَامِعِ كُلِّ قَوْمٍ يَا بَارِي السَّمَوَاتِ
بَعْدَ الْمَوْتِ يَا بَاعِثَ يَا وَارِثَ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ يَا
جَبَّارَ الْجَبَابِثِ يَا مَالِكَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا رَبَّ
الْأَرْبَابِ يَا مَالِكَ الْمُلُوكِ يَا مُطَاغِي مَا دَا الْبَطْشِ
الشَّدِيدِ يَا مُبْدِي مَا مَعْبُودٍ يَا فَعَالَ مَا يُرِيدُ
يَا مُحْصِيَ عَدَدِ الْأَنْفَاسِ وَتَقْدِيرِ الْأَقْدَامِ يَا مَنْ

وَرَبِّ السَّمَوَاتِ

السَّمَوَاتِ عِلَالِيَّةُ اسْتَأْذَنَ بِحَقِّ خَيْرَتِكَ مِنْ
خَلْقِكَ وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَى نَفْسِكَ
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنَزِّلَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ
بِكَلَامِكَ رُبِّي مِنَ النَّارِ وَأَنْ تُخْرِجَ لَوْلِيكَ وَأَبْنِ
نَبِيِّكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ بِأَذْنِكَ وَأَمِينِكَ فِي أَرْضِكَ
وَعَيْنِكَ فِي عِبَادِكَ وَتُجَنِّبَكَ عَلَى خَلْقِكَ عَلَيْهِ
صَلَوَاتُكَ وَبَرَكَاتُكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ بَصِيرٌ وَفَوْ
أَخْوَانِهِ وَصِيْرُهُمْ فَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ
سُلْطَانًا مُصِيرًا وَتُعْجِلْ وَرَحْمَةً وَمَكْرَمَةً مِنْ أَعْدَائِكَ
وَأَعْدَادِ رُسُلِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **بر بگو**
اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّمِيعَ
وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا يَنْتَهِنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ

الْعَظِيمِ وَدَعَىٰ جِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ فَآمَنَّا بِهِ
 وَدَعَىٰ التَّبَعِ الْمَلَائِكَةِ وَالْقُرَّانِ الْعَظِيمِ وَدَعَىٰ
 مُحَمَّدًا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ صَلَّى عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاسْتَثَلَّكَ
 بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَوَاتُ وَ
 الْأَرْضُ وَبِحَبْلِ الْمَوْثِقِ وَتَرْزُقُ الْأَحْيَاءَ وَ
 تَفْرُقُ بَيْنَ الْجَمْعِ وَتَجْمَعُ بَيْنَ الْمُنْتَفِرِ وَبِهِ
 لَحْصِيَّتُ عَدَدِ الْأَجَالِ وَوَزْنُ الْجِبَالِ وَكَيْلُ
 الْجَوَارِ اسْتَثَلَّكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْعُدَ لِي كَذَا وَكَذَا
 وَطَلَبْتُ خُودَ بَطْلَانِ سَجْدَ هَيْتِ شَكْرِكُنْ
 وَدَعَانَهَا وَبَعْدَ ذَلِكَ كَوْنُهَا فِي بَابِ قَوْلِ مَذْكُورِ
 شَدَّ **فصل** وبعده از فارغ شدن از منتهای مقامات

نماز ظهر پنجشنبه نافله عصر و در سجده کبیر
 افتتاح سنت نیست بلکه همان تکبیر افتتاح است
 زیرا که آن هفت تن کبیر در نمازهای سنتی
 مکرر پنج نماز اول نافله زوال و اول نافله مغرب
 و اول نماز شب و یک رکعت و در پنج خواهر
 بخوان در نافله عصر از سوره ها و اولی سوره الفاتی
 که ترغیب از آنکه هدی علیهم السلام در آنهاست
 و اختیار کند سوره که خواندنش باعث پیروزی
 رفیق و قوت نباشد **و از حضرت** امام محمد باقر
 علیه السلام مرویست که هر که سوره صافات در
 نمازهای واجب و سنتی بخواند خدای تعالی او را
 در صف ملائکه و انبیای مرسل بدارد **و هم** از آنحضرت

که هر که مداومت کند بر خواندن سوره و در
 نمازهای اجبی و سنتی وسیع کرد اندکهای دعا
 بر او روزی او را وعطا کند کتاب او را بدست
 راستن و حساب کند او را حساب اندکی و آنرا
 حضرت که بسیار تلاوت کند الحاقه را در
 نمازهای اجبی و سنتی زیرا که این ادا ایمان بخدا
 و رسول اوست و هرگز از خواندن آن سلب نشود
 ایمانش تا میرد **و بعد از این** از دو رکعت اول بگو
 اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ
 الْعَظِيمُ الْمَلِكُ الْكَدِيمُ الْحَلِيمُ الرَّزَّاقُ
 الْحَيُّ الْمُبِيتُ الْبَدِيعُ الْبَدِيعُ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ
 الْمُنُّ وَلَكَ الْكَرَمُ وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ الْأَمْرُ

وَخَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا فَاحِشُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ
 لَا يَلِدُ وَلَا يُولَدُ وَلَا يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ
 وَلَا تَحِجُّنَا صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا **پس بعد از این** دیگر
 بگو از بعد از اینها بگو اللَّهُمَّ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ
 تَاخِرُ **پس بعد از این** دیگر بگو از بعد از اینها بگو
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ يُونُسُ
 إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ
 فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سَجَّادًا
 إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ
 مِنَ الْغَمِّ فَإِنَّهُ دَعَاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَإِنَّا أَدْعُوكَ
 وَإِنَّا عَبْدُكَ وَمَسْأَلُكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَإِنَّا أَسْأَلُكَ

یعنی آن که از الفاظ تضرع و دعا
 از کتاب یاقوت ۳۰

وَأَنَا عَبْدُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَأَنْ تَسْتَجِيبَ لِي كَمَا اسْتَجِيبْتَ لَهُ وَأَدْعُوكَ
 بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ أَيُّهَا الْمَوْلَى الْمُتَّقِي الضَّرَّ وَدَعَاكَ
 ابْنُ مَسْحَى الضَّرِّ وَأَنْتَ أَنْتَ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَاطِبُ
 وَكَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَ
 مَشَلَّهُمْ مَعَهُمْ فَإِنَّهُ دَعَاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَ
 أَنَا أَدْعُوكَ وَأَنَا عَبْدُكَ وَسَمَّكَ وَهُوَ
 عَبْدُكَ وَأَنَا أَسْأَلُكَ وَأَنَا عَبْدُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ
 عَنْهُ وَأَنْ تَسْتَجِيبَ لِي كَمَا اسْتَجِيبْتَ لَهُ
 أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ يُوسُفُ إِذَا قَرَأْتَ بَيْتَهُ
 وَبَيْنَ أَهْلِهِ فَإِنَّهُ فِي الْجَنَّةِ وَأَنَا أَدْعُوكَ وَهُوَ

عَبْدُكَ وَأَنَا أَدْعُوكَ وَأَنَا عَبْدُكَ وَسَمَّكَ
 وَهُوَ عَبْدُكَ وَأَنَا أَسْأَلُكَ وَأَنَا عَبْدُكَ أَنْ
 تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفَرِّجَ عَنِّي
 كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَأَنْ تَسْتَجِيبَ لِي كَمَا
 اسْتَجِيبْتَ لَهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ
 بِي كَذَا وَكَذَا وَطَلَبْتَ خَيْرَ دُكْرَيْنِ **بِسْمِ اللَّهِ**
 لَمْ يَكُنْ وَبَعْدَ ذَلِكَ يَكُونُ يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ
 وَصَلَّى الْقَبِيحَ **بِسْمِ اللَّهِ** **بِسْمِ اللَّهِ** بِرَأْيِ نَازِعِ عَصْرِ
 فَاصْلَهُ كُنْ مِثْلَ الْإِذَانِ وَأَقَامْتَ بِحُجْرَةٍ وَدَعَاكَ
 بِأَجْزَلِ كَذِبٍ دَرَمَازِ صَبْحٍ وَظَهْرٍ مَبْشُورٍ
 بِمَا نَعَصَرَ هَذَانِ آدَابُ كَمَا مَذْكُورٌ شَدَّ وَبُحْوَانُ
 رَكَعَتِ أُولَئِكَ لَجَاءَ بِهِنَّ اللَّهُ وَالْفَتْحُ وَالْهَيْكُمُ التَّكَاثُ

ومثل اینها چنانکه در غایت تکریم شیخ الظاهر در
 تقدیم امام جعفر صادق علیه السلام پسند
 صحیح و بعد از فراغ از نماز عصر تعقیب بخوان
 آنچه در عقب نماز ظهر بخواند مگر آنچه مخصوص
 ظهر باشد و بعد از آن بخوان آنچه مخصوص
 عصر است **استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي**
القيوم الرحمن الرحيم ذا الجلال والاكرام
واسئله ان يتوب على توبتي عني ذليل خاضع
فقير يائس منك كفي متجير لا يملك لنفسه
ضرا ولا نفعا ولا موتا ولا حياة ولا نشورا اللهم
اِنِّي اعوذ بك من نفس لا تشبع ومن قلب
لا يخشع ومن علم لا ينفع ومن صنم لا ترفع

تعقيب التوبتين العصب

ومن دُعَاوِ لَا يَسْتَعِذُّ اللَّهُ إِلَّا بِكَ اسئلك اليستد
 بعد الغر والفرج بعد الكرب والرخاء
 بعد الشدة اللهم ما بيننا وبينك فميتك وحدك
 لا اله الا انت استغفر لك واتوب اليك **و استغفر**
 هفتاد بار استغفار بعد از نماز عصر و ده بار خواندن
 سوره انا انزلناه في ليلة القدر امام جعفر صادق
 عليه السلام فرموده كسيكه بعد از نماز عصر هفتاد
 بار استغفار كند بيا مرز و خداي تعالى هفتصد
 كناه او را **و حضرت** امام محمد تقى عليه السلام
 فرموده كسيكه انا انزلناه في ليلة القدر بخواند
 ده بار بعد از نماز عصر بگذرد آن خواندن بر
 مثل اعمال خلائق يعنى ثواب آن خواندن برابر ثواب

علمای ملک غلامی باشد دراز و بعد از آن دو
 سجود شکستن و بخوان در آنها و بعد از آنها
 پنجان پیش گذشت **و این** آخرین دعا بخواند
 اللَّهُمَّ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ إِلَيْكَ وَأَقْبَلْتُ بِذِلَّتِي
 عَلَيْكَ وَالْجِبَالُ جَانِبَتِكَ طَائِعَاتِي مَعْرِزَتِكَ طَالِبَاتِي
 مَا أَوْيَيْتَ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ مُسْتَجِيرًا وَقَدْ كُنْتُ إِذَا
 تَقُولُ أَدْعُو فِي اسْتِجَابٍ لَكُمْ فَصَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْبِلْ إِلَى بَوَّحِيكَ وَأَرْحَمِي
 وَاسْتَجِبْ عُنَايَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ **فصل دیگر**
 ساعت پنجم روز از روز و آنرا مقدار که چهار رکعت
 بگزیند از حضرت امام محمد باقر است علیه السلام
و دعا این است و بجز آنست که این دعا را بعد از

رکعت چهارم نافله و این **اللهم** است
 اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ
 سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
 عَالِمُ الْغَيْبِ الشَّهَادَةُ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ
 الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ
 شَيْءٍ عَلِيمٌ قَالُوا الْإِضْبَاحُ وَجَاعِلُ اللَّيْلِ
 سَكَنًا قَالُوا الشُّبُورُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانًا ذَلِكَ
 نَفَقَتُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ يَا غَالِبَ الْغَائِبِينَ مَغْلُوبٍ
 يَا شَاهِدَ الْغَائِبِينَ يَا قَرِيبَ الْغَائِبِينَ يَا مُجِيبَ دَعَائِكُمْ
 اللَّهُ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ
 أُنِيبُ أَنْذَكَ إِلَيْكَ تَذَلُّ الظَّالِمِينَ وَأَخْضَعُ
 بَيْنَ يَدَيْكَ خُضُوعَ الرَّاغِبِينَ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ

الْقَدِيرِ الْمُسْكِبِ وَأَسْأَلُكَ تَعَزُّعًا وَخَفِيَّةً
لِأَنَّكَ لَا تُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَأَدْعُوكَ خَوْفًا وَطَعًا
لِأَنَّ رَحْمَتَكَ وَرَبِّبَ مِنَ الْخَشِينِ وَأَقُولُ لَكَ
بِحُجَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنَ الْعَالَمِينَ الَّذِي جَاءَ
بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَ
رَسُولُكَ النَّذِيرُ الْمُبِينُ وَوَلِيُّكَ وَعَبْدُكَ
عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَبِالْإِمَامِ مُحَمَّدٍ
بِزْنِ عَلِيٍّ بِالْقُرْآنِ وَالْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَالْعَالَمِ
يُنَاقِلُ الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ وَأَسْأَلُكَ بِكَامِلِهِمْ
عِنْدَكَ وَأَقْدَمِهِمْ أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ خَوَاجِي أَنْ
تُوَدِّعَنِي شُكْرًا أَوْلِيَّتِي مِنْ رَعِيكَ وَ
تَجْعَلَ لِي مَخْرَجًا وَمَخْرَجًا مِنْ كُلِّ كَرْبٍ قَعِيمٍ وَتَرْفَعَنِي

مِنْ حَيْثُ أَخْتَبِ وَأَمِنْ حَيْثُ لَا أَخْتَبِ وَ
كَثْرَ لِي مِنْ فَضْلِكَ مَا تُغْنِيَنِي بِهِ عَنْ كُلِّ
مَطْلَبٍ وَأَقْدِفْ فِي قَلْبِي رَجَاكَ وَأَقْطَعْ
رَجَائِي مِمَّنْ سِوَاكَ حَتَّى لَا أَسْجُو إِلَّا بِأَنَّكَ
لَأَنَّكَ تُحِبُّ الدَّاعِيَ إِذَا دَعَاكَ وَتُغْنِيكَ الْمَلُوفُ
إِذَا نَادَاكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ **وَأَمَّا مَا سَأَلْتُكَ**
شُكْرًا إِنَّمَا نَمَانٌ كَمَا مَقْدَارُ حِجَارٍ رَكْعَتَانِ بَكَدَتْ
إِذَا أَوَّلَ زَوَالٍ تَامَا ظَهَرَ إِذَا حَضَرَتْ أَمَامَ جَعْفَرٍ
صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ **وَأَمَّا مَا سَأَلْتُكَ** اللَّهُمَّ أَنْتَ
أَنْزَلْتَ الْغَيْبَ رَحْمَتَكَ وَعَلِمْتَ الْغَيْبَ بِمُسْتَبْرَكِ
وَدَبَرْتَ الْأُمُورَ بِحِكْمَتِكَ وَذَلِكَ
الضُّعَابُ بِعِزِّكَ وَأَعْلَوْتَ الْعُقُولَ عَنْ عِلْمِ

كَيْفِيَّتِكَ وَحُجَّتِ الْأَكْبَادُ عَنْ إِذْنِكَ صُنْعَتِكَ
 وَالْأَوْفَاءُ عَنْ حَقِيقَةِ مَعْرِفَتِكَ وَاضْطَرَّتْ
 الْأَهْلَامُ إِلَى الْأَفْرَادِ بِوَحْدَانِيَّتِكَ يَا مَنْ يَرْحَمُ
 الْعَبْدَ وَيُقْبِلُ الْعَائِقَ لَكَ الْعِزَّةُ وَالْمُتَذَنُّ
 لَا يَمُوتُ عَنْكَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ مُقَالَ
 دَنْقِ أَوْ سَلِّمْ لَكَ يَا نَبِيَّ الْأُمَمِ مُحَمَّدٍ صَلِّ
 الْعَرَبِ الْمَكِّي الْمَدِينِي الْهَاشِمِي الَّذِي أَخْرَجْتَنَا
 بِهِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ يَا مِيرَاثُ مَوَدَّةٍ
 عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَرَحْتَ
 بِوَلَايَتِهِ الصُّدُوقَ وَالْإِمَامِ جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ
 الصَّادِقِ فِي الْأَكْبَارِ الْمُؤْتَمَنِ عَلَى مَكُونِ
 الْأَسْرَارِ صَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

بِالْعَنِيِّ وَالْإِنْكَارِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 بِهِمْ وَأَسْتَشْفِعُ بِمَكَارِهِمْ لَدَيْكَ وَأَقْدَمُهُمْ
 آمَنِي وَبَيْنَ يَدَيَّ خَوَائِجِي فَأَعْطِنِي الْمَرْجَ
 الْحَقِيْقَ وَالْمَخْرَجَ الرَّحِيْمَ وَالصَّنْعَ الْقَرِيبَ
 وَالْأَمَانَ مِنَ الْفَرَجِ فِي الْيَوْمِ الْعَصِيبِ وَ
 أَنْ تَغْفِرَ لِي مَوَاقِيَتِ الذُّنُوبِ وَتَشْرَعَ لِي فَاحِشَاتِ
 الْغُيُوبِ فَأَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْمَرْبُوبُ وَأَنَا
 الطَّالِبُ وَأَنْتَ الْمَطْلُوبُ وَأَنْتَ الَّذِي يَذْكُرُكَ
 الْأَمَمُ نَظْمِيْنَ الْقُلُوبِ وَأَنْتَ الَّذِي تَقْدِرُ
 بِالْحَيِّ وَأَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ يَا أَكْرَمَ
 الْأَكْرَمِينَ وَيَا خَيْرَ الْخَيْرِينَ وَيَا حَبِيبَ
 الْفَاصِلِينَ وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ وَأَرْحَمَ

الرحمن **والمسلمون** كان وقت ظهرت
تامقداد چهار ركعت نماز پیش از عصر از حضرت
امام موسی کاظم است علیه السلام ودعاى آن
انیت اللهم أنت المرحوم إذا استدأ من و
أنت المدعو إذا من الضم ومحبب المملوك
المضطرب والمبكي من ظلمات البر والبحر و
من له الخلق والأمر والعالمة يومئذ الضدية
المطلع على خفي السرايا غاية كل تجوى و
منتهى كل سكوى يا من له الحمد في الآخرة
والأولى يا من خلق الأرض والسموات العلى
الرحمن على العرش استوى له ما فى السموات
وما فى الأرض وما بينهما وما تحت الثرى

وإن تجهر بالقول فإنه يعلم السر وأخفى الله
لا إله إلا هو له الأسماء الحسنی سئلك بحمدك
خاتم النبیین خیرك من خلقك والمؤمن
على آداب رسالتك ويا أمير المؤمنين على بن
أبي طالب عليه السلام الذى جعلت ولایتك
مفروضة مع ولایتك ومحبته مفروضة
برضاك ومحببتك ويا إمام الكاظم
عليه السلام موسى بن جعفر عليه السلام
الذى سئلك أن تفرجة لعبادك وتخليه
لإطاعتك فأجبت دعوتك أن تصلى على محمد
وآله صلوات ترضى بها عني ولجب حقوقهم
وترضى بها في آدوارهم وأوتى إليك

بِهِمْ وَأَسْتَفِيعُ بِمَنْ لَيْسَ بِهِمْ وَقَدْ ثَمَّ عَنْهُمْ أَنَا
وَبَيْنَ يَدَيَّ حُوبٌ أَنِ يُجِيبَنِي عَلَى حُجَّتِي عِندَكَ
وَتَمُنَّ بِي خِزِيلُ قَوْلِكَ وَتَأْخُذَ بِسَمْعِي
وَبَصَرِي وَسُورِي وَأُصَابِقِي وَقَلْبِي وَغَرِيمِي
وَلِيَّنِي إِلَى مَا تُعِيبُنِي بِهِ عَلَى هَؤُلَاءِ وَتَقَرَّبُنِي
مِنْ أَسْبَابِ رِضَاكَ وَتُوجِبْ لِي تَوَاقُلَ
فَضْلِكَ وَتُسَدِّدْ لِي مَنَاجِي طَوْلِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ **وَمِنْ هَذِهِ** كَمَا بَدَأَ كَلِمَاتِ
مَقَامِ حَمْدِ بَرَكَاتِ تَأْوِثِ تَمَازِغِ عَصْرَانِ
حَضَرِ إِمَامِ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْتَوْدَعَا أَنِ
أَيَسَّ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْكَاشِفُ لِلْغَمِّ وَالْكَافِي
لِلْهُمَمِّ وَالْمُنْتَرِجُ لِلْكُرْبَى وَالشَّامِعُ

لِلْأَضْوَاءِ وَالْخَرَجُ مِنَ الظُّلُمَاتِ وَالْحَبِيبُ
لِلدُّعَوَاتِ الرَّاحِمُ لِلْعِبَادِ جَبَّارُ الْأَرْضِ
وَالسَّمَوَاتِ يَا وَثِقُ يَا مَوْثِقُ يَا عَلِيَّ يَا أَعْلَى
يَا أَكْرَمِيَا مَنْ كَلَّمَ الْأَنْسَامَ الْأَعْظَمَ
يَا مَنْ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ فَاطِرُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يَطْعَمُ أَسْأَلُكَ
بِحُجَّتِ الْمُصْطَفَى مِنَ الْحَقِّ الْمُبِينِ بِالْحَقِّ وَ
بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِي أَوْلَيْتَهُ الْفَتْهَ شَاكِرًا
وَأَبْلَيْتَهُ فَوْجَدَهُ صَابِرًا وَإِلَى إِمَامِ الرِّضَى
عَلَيْهِ سَلَامٌ الَّذِي أَوْفَى بِوَعْدِكَ وَوَفَّقَ
بِوَعْدِكَ وَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا وَقَدْ أَقْبَلَتْ إِلَيْهِ
وَدَعَبَتْ عَنْ زِينَتِهَا وَقَدْ دَعَبَتْ وَهِيَ أَنْ تَصِلَ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَتَدْنُو نَسَلْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ
وَقَدَرْتَهُمْ أَمَامِي فَيَنْ يَدِي حَوَالِجِي أَنْ
تَهْدِيَنِي إِلَى سَبِيلِ مَرْضَاكَ وَتُبَيِّنَ لِي سَبَابَ
ظُلْمَتِكَ وَتُوقِنَنِي لِابْتِغَاءِ الرِّفْقَةِ بِمَوْلَايَ
أَوْ لِيَاكَ وَأَقْدِمَ لِي لِمَطْلُوعٍ مِنْ مَعَادَاتِ
أَعْدَائِكَ وَلَعِبْنِي عَلَى أَدْوَارِ فُرُصِكَ وَ
اشْتَغَالِ سُنَّتِكَ وَتُوقِنَنِي عَلَى الْحُجَّةِ الْمُؤَيَّدَةِ
إِلَى الْعِنُقِ مِنْ عَذَابِكَ وَالْفَوْزِ بِرَحْمَتِكَ
يَا أَحْسَنَ الرَّاحِمِينَ **فصاحت بهم** كما انما كان
عصراست تا آنکه دو ساعت بگذرد از حضرت
امام محمد جواد است علیه السلام و دعا خوانست
اللَّهُمَّ يَا خَالِقَ الْأَنْوَارِ وَمُقَدِّدَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

تَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أَنْثَى وَمَا تَقْبِضُ الْأَرْحَامُ وَمَا
تَزِدُّهُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ إِذَا انْقَاضَ
أَمْرٌ طَرَحَ عَلَيْكَ وَإِذَا عُلِقَتِ الْأَبْوَابُ فُرِعَ
بَابُ فَضْلِكَ وَإِذَا اصْطَفَى الْحَاجَاتُ فُرِعَ إِلَى
سَعَةِ طَوْلِكَ وَإِذَا انْقَطَعَ الْأَمَلُ مِنَ الْخَلْقِ
أَنْصَلَيْكَ وَإِذَا وَقَعَ الْيَأْسُ مِنَ النَّاسِ وَقَفَتْ
الرَّجَاءُ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الشَّيْءِ الْأَوَّابِ الَّذِي
أَنْزَلَتْ عَلَيْهِ الْكِتَابَ وَبَصُرَتْهُ عَلَى الْأَخْرَابِ
وَقَدَرَتْ بِقَنَائِهِ إِلَى دَارِ الْمَلَابِ وَبِأَمْرِ الْمَوْتِ مِنْهُمْ
عَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الْكَرِيمِ الْفَضِيلِ الْمُتَصَدِّقِ
بِحُجَّتِهِ فِي الْخُرَابِ يَا أَمَامَ الْفَاضِلِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ
عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي سُبُلُ قَوْصَتِهِ لِرَدِّ الْجَوَابِ

وَأَمَّا مَنْ فَضَّلَ تَعَالَى التَّوْبَةَ وَالصُّلُوبَ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَطْهَارِ أَنْ يَجْعَلَ مَوَاقِفَ
بَيْنَ عَصَمَةٍ مِنَ النَّارِ وَنَجْوَى إِلَى دَائِمِ الْقَرَارِ فَقَدْ
تَوَكَّلْتَ بِهَمِّ إِلَيْكَ وَقَدْ نَهَمَّ أَعْمَالِي وَبَيْنَ يَدَيَّ
خَوَالِجِي فَإِنْ تَعَصَّيْتَنِي مِنَ التَّعَرُّضِ بِمَوْقِفِ
سَخَطِكَ وَتَوَقَّعْتَنِي لِسَبِيلِ مَحَبَّتِكَ وَ
مَرْضَاتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **ساعت دهم**
بعد از دو ساعت از وقت عصر تا پیش از زهدی
آفتاب انحضرت امام علی الهادی علیه السلام
ودعا شریف است اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَلِيُّ الْحَقُّ الْغَفُورُ
الْوَدُّ وَقَلَمُ الْمُبْدِي الْمَعْبُودُ وَالْعَرْشُ الْحَبِيدُ وَ
الْبَطْنُ الْقَدِيدُ فَتَعَالَى عِلْدُكَ يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ

مِنْ خَبَلِ الْوَقْدِ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ
يَا مَنْ لَا تَعَاظِمُهُ عَفْوَكَ الدَّاءُ وَالْأَرْبُ كَبُرَ
عَلَيْهِ الصَّغِيرُ مِنَ الْعُيُوبِ أَسْأَلُكَ بِجَلَالِ وَجْهِكَ
الَّذِي مَلَكَ أَرْكَانَ عَرْشِكَ وَبَعْدَ نِكَاحِ الْبَنَى
قَدَدْتَ بِهَا عَلَى خَلْقِكَ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَسَّحَتْ
كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي ضَعَفَتْ لَهَا كُلُّ قُوَّةٍ وَ
بِعِزَّتِكَ الَّتِي ذَلَّ لَهَا كُلُّ عِزٍّ وَفَتْحَتِكَ الَّتِي
ضَعَفَتْ فِيهَا كُلُّ كِبِيرٍ وَرَسُولِكَ
الَّذِي رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَةَ وَهَدَيْتَ بِهِ إِلَى سُبُلِ
الرَّشَادِ وَبِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى نَزْلِ آيَةِ ظَالِمٍ أَوَّلِ
مَنْ آمَنَ بِرَسُولِكَ وَصَدَّقَ وَالَّذِي فَتَنَ بِهَا
عَاهِدَ عَلَيْهِ وَصَدَّقَ قَبْلَ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلِيِّ بْنِ

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي كَفَيْتَ حِجَلَةَ الْأَعْدَاءِ
 وَأَرْبَتَهُمْ بِحُجْبِ الْأَيْدِ إِذْ قُوتُوا بِهِ فِي الدُّعَاءِ
 أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَتَدَا سَتَفَعَتْ
 بِهِمُ إِلَيْكَ وَقَدَّمْتَهُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَي حَوَائِجِي
 وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ كَرَمَاتِكَ فِي حَرِّ حَرِّهِ وَ
 مِنْ كَلَامِكَ نَحْتِ عِزِّهِ وَتَوْفِيقِي شُكْرِي
 الْأَمَلِ وَمِنْكَ وَتَوْفِيقِي لِإِغْرَابِ بَابِ ذَلِكَ وَ
 لِعَمَلِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **وَسَاعَتِ الزَّمَانِ**
 بِشِئْزِ زَمَانِي أَقْبَابِ زَمَانِي أَقْبَابِ زَمَانِي
 أَمَامِ حَزْنِي كَرِي عَلَيْهِ السَّلَامُ لَسْتُ وَدَعَا
 أَمِنْتُ اللَّهُمَّ أَمَّا مَرَّةُ الْقُرْآنِ وَخَالِقِ الْأَرْضِ
 وَالْحَبَانِ وَجَاعِلِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ بِحَبَابِ الْمُنْبَدِي

بِالْقَوْلِ وَالْإِنْفَانِ وَالْمُبْدِي لِلْفَضْلِ وَ
 الْأَخْيَانِ وَضَامِرِ الرِّزْقِ بِجَمِيعِ الْخِيَارِ لَكَ
 الْحَامِدُ وَالْمُبَارِحُ وَمِنْكَ الْعَوَائِدُ وَالْمَنَاجِ وَإِلَيْكَ
 بَصْعَةُ الزُّكَايِمِ الطَّيِّبِ وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ
 وَأَنْتَ الْعَالِمُ بِهَا تَحْفِي الصُّدُورَ وَالْجَوَانِحَ
 أَسْأَلُكَ بِحُجْرَةِ صَلَاتِي اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سُبُحَانَكَ إِلَى
 الْكَافَّةِ وَأَمِينِكَ الْمَيُتُونَ بِالرَّحْمَةِ وَالرَّافِعِ وَ
 بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 الْمُقَرَّبُ طَاعَتُهُ عَلَى الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ الْمَوْثِقُ
 بِخَيْرِكَ فِي كُلِّ مَوْقِفٍ مَشْهُودٌ بِالْأَمَامِ الْحَسَنِ
 بْنِ عَلِيٍّ الَّذِي طَرَحَ لِبَسَاءِ تَخَلُّصَتُهُ مِنْ مَرَضِهَا
 وَأَمَحَى بِالذَّوَابِ الصُّعَابِ فَذَلَّلَتْ لَهُ مَرَاكِبُنَا

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ تَوَلَّيْتُ بِهِمْ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَفَدَّ شَهْمُ أُمَامِي وَبَيْنَ يَدَيَّ كَوَالِحِي وَأَنْ
تَحْتَمِيَنِي بِالتَّوْبَةِ لَتَرْكِ مَعْصِيَتِكَ مَا أَبْقَيْتَنِي وَ
تَعَيَّنِي عَلَى الْقَتْلِ بِطَاعَتِكَ مَا أَخَيَّتَنِي وَأَنْ
تَحْتَمِيَنِي بِالْخَيْرِ إِذَا تَوَفَّيْتَنِي وَفَضَّلَ عَلَى
يَا مُنَا سِرَّ إِذَا لَطَمْتَنِي وَتَحَبَّبَ لِي الْعَوْدَ إِذَا
كَاسَفْتَنِي وَلَا تَكَلِّمْنِي إِلَى قَبْرِهِ قَاصِلٌ وَلَا تَحْوِجْنِي
إِلَى تَكْلِفٍ وَأَذِلَّ وَلَا تَحْمِلْنِي بِالْإِطَاقَةِ إِلَى بَيْتِ
فَأَضَعَفَ وَلَا تَبْتَلْنِي بِمَا لَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ فَأَجْحَرَ
وَأَجْرَفَ عَلَى جَمِيلٍ عَوَّلْتُكَ عِنْدِي وَلَا تَوَلِّدْنِي
بِسُوءِ عَمَلِي وَلَا تَسْلُطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي بِحَسَنَةِ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **وَسَاعِدُ دُرٍّ مِنْ دُرٍّ**

أَقْنَابُ نَاعُورٍ بِأَقْنَابِ إِحْسَنَاتِ أُمَامِ مُحَمَّدٍ مَهْدِي
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اسْتَودِعَا شَرَّ أَسْتِ الْمُهَيْمَةِ
يَا خَالِي السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَالْمِهَادِ الْمَوْضُوعِ وَ
رَازِقِ الْعَاصِي وَالْمُطِيعِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ
وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا مَنَيْتَ
عَلَى طَوَارِقِ الْعُسْرِ غَادَتْ نِسْرًا وَإِذَا أُضِغْتَ
عَلَى الْحِجَالِ كَانَتْ قُبَاءً مُشَوَّرًا وَإِذَا أُرْفِعْتَ
إِلَى السَّمَاءِ لَفَعَتْ لَهَا الْمَغَالِقُ وَإِذَا هُبِطْتَ إِلَى
ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ لَاقَعَتْ لَهَا الْمَصْنَائِقُ وَإِذَا
دُعِيتَ بِهَا الْمَوْتُ انْتَشَرْتَ مِنَ الْخُودِ وَإِذَا
نُودِيتَ بِهَا الْمَعْدُومَاتُ خَرَجْتَ إِلَى الْوُجُودِ
إِذَا ذُكِرْتَ عَلَى الْقُلُوبِ وَجِلْتَ خُفُوعًا وَإِذَا

قُرْعَتِ الْأَسْمَاعِ فَاضْتِ الْعُيُونُ دُمُوعًا اسْتَلَكَ
 مُحَمَّدٌ سَمَكَ الْمُؤَنِّدِ بِالْمَجْرَاتِ الْمَبْعُوثِ
 بِحُكْمِ الْآيَاتِ قِيَامِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى بِنِ
 أَبِي طَالِبٍ الَّذِي اخْتَرْتَهُ لِحَاكِمَةٍ وَوَصَّيْتَهُ وَ
 اصْطَفَيْتَ مُلْصَقًا فَإِنَّهُ وَمُصَافَرَتُهُ وَبِصَاحِبِ
 الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يُخْتَصِمُ عَلَى
 طَاعَتِهِ الْأَلَّةُ الْمُتَفَرِّقَةُ وَتَوَلَّيْتُ بَيْنَ الْأَهْوَاءِ
 الْمُخْتَلِفَةِ وَتَخَلَّصْتُ بِحَقُوقِ أَوْلِيَائِكَ وَتَتَمِّمُ
 بِهِ مِنْ شَرِّ أَعْدَائِكَ وَمَثَلًا لِلْأَرْضِ عَدْلًا وَ
 لِحُسْنَانًا فَلَوْ تَمَّ عَلَى الْعِبَادِ يَظْهَرُونَ فَضْلًا وَ
 امْتِنَانًا وَلَعَبْدُ الْحَيِّ إِلَى مَكَانِهِ عَزَّ وَجَلَّ مُحَمَّدًا
 وَرُجُوعِ الدِّينِ عَلَى يَدَيْهِ غَضًّا حَبِيدًا أَنْ يَصْلَى

عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ فَقَدْ اسْتَنْفَعْتُ بِهِمُ الْيَاكُ
 وَقَدَّمْتُهُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيِ خَوَائِجِي وَأَنْ
 قُوزَعْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ فِي التَّوْفِيقِ لِمَعْرِفَتِهِ
 وَالْهُدَايَةِ إِلَى طَاعَتِهِ وَنَزِيدِي قُوَّةً فِي التَّمَكُّنِ
 بِعِصْمَتِهِ وَالْإِقْتِدَاءِ بِنُشْتِهِ وَلَكُونِ فِي مَرْجِعِهِ
 لَأَنَّكَ سَمِعْتَ الدُّعَاءَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
باب ديبان ابن خنيسان في وقت
 آفتاب تا وقت خواب بجا باید آورد اقل وقت
 مغرب بنابر قول مشهور بر طرف شدن شفق
 مغرب و وقت ادای آن می کشد تا آنکه از نصف
 اول شب مقدار گذاردن نماز شام بگذرد و قدر
 گذاردن نماز نصف نایب بر چون وقت شام

محقق شود ده بار بگو اینچند ولایت کرده این بابویه
 قدس سره در فقیه یسند صحیح از حضرت امام
 جعفر صادق علیه السلام از دعای نوح علیه السلام
 و اینچند ولایت کرده کلینی یسند صحیح از امام محمد باقر
 علیه السلام و هر دو گذشت در دعاها و وقت
 طلوع فجر بعد از آن دست بر سر بگذارد و بکشد بر روی
 خود و ریش خود را بکشد و بگوید احطت علی نفسی
 اهلی و مالی و ولدی من غایب و شاهد بالله
 الذي لا اله الا هو غایب العیب الشهادة الوهم
 الرحيم المحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم و تا
 وهو العلي العظيم و اگر خواهی گفت بیک از این
 هر سه دعا کن خصوصاً در وقت نرس از تنگی وقت

بعد از آن باید ابتدا نماز مغرب کنی زیرا که مستغفار
 اند و آیات معتبره از اصحاب عصمت سلام الله
 علیهم تنگی وقت مغرب و روایات درین
 بسیار است چنانکه روایت کرده کلینی قدس سره
 یسند صحیح که امام جعفر صادق علیه السلام فرموده
 بعد از تنگی که جبرئیل علیه السلام آمد بحضرت
 پیغمبر صلی الله علیه و آله برای هر نمازی بدو وقت
 غیر نماز مغرب که وقت آن یکی است و وقت آن
 سقوط آفتاب است و چنانکه روایت کرده محمد بن
 بابویه در مجلس شصت و دوم امالی از ابی اسامه
 که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 که میگفت کسی که تاخیر کند نماز مغرب و آنرا آنکه

ستاره‌ها مشتبه شوند یعنی ظاهر شوند پس
من از وینارم و چنانکه روایت کرده شیخ طوسی
قدس سره در تخریب بسند صحیح از ذریح که
گفت گفتیم بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام
بد رستی که جمعی مردم از اصحاب ابی الخطاب شام
میکنند بغرب تا وقتی که ستاره‌ها مشتبه شود
یعنی ظاهر گردد پس آنحضرت فرمود که من برای
بخدا از کسی که این کار کند عذاب و چنانکه روایت
گرفته‌ام در تخریب بسند صحیح که فرمود بد رستی که
جبرئیل علیه السلام امر کرد حضرت یحیی
صلی الله علیه و آله را بمسئله‌ها پس گردانید از
برای هر نمازی دو وقت مگر مغرب که بد رستی که

گردانید برای آن یک وقت و تحقیق که وارد شده
در روایات معتبره بیرون رفتن وقت مغرب
به برطرف شدن شفق و عمل کردن آن جمعی از
علمای ما و گردانیده اند میان مغرب و برطرف
شدن شفق با وقت مختار و ما بعد از با وقت
از برای مضطر و اظهر مذهب متأخرین است که
مضیق وقت فضیلتش است نه وقت اداش پس
حکم کرده میشود بر آن حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام با از کسی که تاخیر کند آنرا
تا اشتغال ستاره‌ها بر کسی که اعتقاد کند که وقت
تاخیر مغرب آن وقت **و باید که** نزله اذان و اقامت
مغرب نکند زیرا که جمعی از علمای ما مثلیند مرقی



قدیم سوره و این عقیدت و این جنید قائلند باین
بودن اذان و اقامت دو نماز مغرب بلکه بعضی
قائلند باینکه نماز مغرب باطل است اگر کسی عمدا
تلاوت اذان و اقامت کند و فاصله کن میان اذان
و اقامت بسکته یا نشستی و یا نیت از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود کسی که
بنشیند میان اذان مغرب و اقامت مثل باشد مثل
کسی که در خون خود غلطیده باشد در مایه خدا و
از اینجا میان اذان مغرب و اقامت گفته میشود
این دعاست اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَقْبَالِ لَيْلِكَ وَ
أَذْبَارِ نَهَارِكَ وَحُضُورِ صَلَوَاتِكَ وَأَصْوَاتِ
دُعَائِكَ وَتَشْيِيعِ مَلَائِكَتِكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

وَالْحَمْدُ فَإِنَّ تَوْبَةً عَلَى لَيْلِكَ أَنْتَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ و اما فصل بی کام نهادن پس در
کتاب فروع مذکور است و شیخ شهید
قدیم سوره در ذکر فرموده که حدیثی بران
نیافته **بیکر** بعد از اقامت آنچه در نمازهای دیگر
گذشت بعد از آن اقامت نمازکن بآدابی که پیش
گفته شد و در رکعت اول بعد از فاتحه سوره
نصر یا ترکان یا مثل اینها در کوتاهی بخوان و
در رکعت دوم سوره توحید و بعد از سلام
تغییب کن به نه کبیر و تسبیح فاطمه زهرا
علیها السلام بعد از آن سه بار بگو آنچه در فقیه از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده

لَمْ يَكُنْ لَكَ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ
 غَيْرُهُ **بعد از آن** بخیز یا فله مغرب و اگر خواهی که
 در تعقیب تطویل کنی پس افضل آنست که زیاده
 بر آنچه مذکور شده بعد از نافله بجای آری اگر وقت نماز
 و معتدل شد و وارد شده اوقات اصحاب عصمت سلام
 الله علیهم ترغیب بر نافله مغرب رعایت آن
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده
 بخارث بن مغیره که بجز از چهار رکعت را بعد از مغرب
 در سفر و حضر اگر چه طلب کنند ترا و اذان و
مکرر وقت سخن کردن میان مغرب و اذان
 و در روایتی بخلاف از حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام است برین و روایت کرده در فضیله

که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده
 کسی که بجز از دو رکعت را بعد از آن تعقیب بخواند
 و سخن نکند تا آنکه دو رکعت نماز بجزارد آن
 دو رکعت نوشته شود برای او در علین پس
 اگر بجزارد چهار رکعت نوشته میشود از برای او
 حتی میبرد یعنی مقبول و مشهور نیست که اهل سخن
 کردن میان چهار رکعت و دلالت میکند بر
 کراهت آن روایت ابی الفوارس که گفتندی کرده مرا
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از آنکه سخن
 در میان چهار رکعتی که بعد از مغرب است دلالت
 کرده علامه قدس سره در منتهی این روایت برگزیده
 سخن گفتن میان مغرب و میان این چهار رکعت

و موافقت کرده شیخ شهید قدس سره در رد کوی
بر این استدلال و محقق نیت آنچه در انت و اول
و تحت این چهار رکعت فارغ شدن از مغرب است
آخرش بر مذهب شیو بر طرف شدن شفق است
و من لاحت نمی ماند بآن نماز عشا خواهد شروع در
انها کرده باشد و نخواهد نکرده و بعضی بر مذهب
آنت و گفته شده که مقتداست و قش تا آنکه باقی
ماند بعد از مغرب پیش از نصف شب مقدار ادای
آن و میل کرده باین شیخ شهید قدس سره در رد کوی
لیکن کلام عالم در منتهی دلالت میکند بر
اتفاق علمای ما بر آنکه و قش غایب شدن شفق است
پس نباید عدول کردن از مشهور و اگر و قش فوت

شود باید قضا کرد مثل باقی سنتهای واجب
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که خدا
تبارک و تعالی مباحثان میکند به بنده که قضا
کند نماز شب ابرو میگوید ای فرشتهای من نظر
کنید به بنده من قضا میکند چیزی را که من برو
و اجب کرده ام گواه میگیرم شما را بد رستی که من
اورا آمرزیدم **و روایت** از حضرات ائمه معصومین
علیهم السلام در تفسیر آیه قالین هم علی صلاتهم
ذا یؤمن یعنی مداومت میکنند بر نماز شبی اگر
فوت شود و در شب قضا کنند بر فردا اگر فوت
شود روز قضا کنند شب **و باید که** رکعت اول را بنا

کند بجهت تکبیر باشد دعا که گذشت و بخواند و آن
 بعد از الحز قل هو الله احد سه بار و در رکعت
 دوم انا انزلناه فی لیلة القدر و اگر خواهد در
 رکعت اول قلی یا ایها الکافرون بخواند و در دوم
 قل هو الله احد و اگر الحز سه بخواند کافیست
 چنانکه در باقی سنتها **و باید که** قرأت را در آن
 بلند بخواند و در جمیع نافله شب و بعد از فراغ آن
 دو رکعت اول بگو اللهم انک رزقی ولا ترینی
 اشف بالمنظر الا علی و ان الیک الرجعی و
 انت هی و ان لك اللمات و المحیی و ان لك
 الآخرة و الاولی اللهم انا نعوذ بک ان نذکر
 و نخزى و ما فی ماعنه تنهی اللهم انی اسئلك

ان تصلى علی محمد و آل محمد و اسئلك الجنة
 برحمتک و استعبدک من النار بعد رتک و اسئلك
 من الحور العین بعزتك و ان تجعلک او سع
 منی فی کبر سخی و احسن عملی عند اقتراب
 اجل و اطل فی طاعتک و ما یقریب منک و یخفی
 عندک و یزلف لک غیری و احسن فی جمیع
 احوالی و اموری و معرفتی و لان ککنی
 الی احد من خلقک و تقول علی بقضاء جمیع
 احوالی للذنی و الآخرة و ابدای و الدن و و لدی
 و جمیع احوالی للمؤمنین فی جمیع ماسئلتک
 لنفسی برحمتک یا ارحم الراحمین **فصل** و بعد از
 فراغ از متعلقات دو رکعت اول نافله مغرب شروع

كن در دو رکعت آخر و در رکعت اول آنها سجده
بعد از الحمد اول سوره حدید بسم الله الرحمن الرحيم
سُبْحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يُخْرِجُ
الْبَيْتَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ
وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ وَهُوَ الَّذِي
خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى
عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا
وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ
اَبَیْكُمْ كُنْتُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ لَهُ مُلْكُ
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاللّٰهُ رُبُّكُمْ الْاُمُورُ يُوْجِزُ
الَّیْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوْجِزُ النَّهَارَ فِي اللَّیْلِ وَهُوَ

عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ **وَسَجْدَةُ** در رکعت دوم آخر
سوره خشر کو آنرا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى حَبْلِ لَرَاتِهِ
خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ اَمْثَالُ
نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللّٰهُ
الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالنَّهَادِ
هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
لِلْمَلٰئِكَةِ الْقُدُّوسِ الْكَلَامِ الْمُؤْمِنِ الْمُهَيْمِنِ الْعَزِيزِ
الْجَبَّارِ الْمُنْتَكِبِ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ
هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ اَسْمَاءُ الْحُسْنٰى
يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ **وَدُجْدَةُ** آخر رکعت دوم هفت بار
بگو اللهم اني استاك بوجهك الكريم وابليك

العظيم وملكك القديم أن تصلي على محمد و
آل محمد وأن تغفر لي ذنبي العظيم أنه لا يغفر
العظيم إلا العظيم بن جبريل وأربع شوي بن حجار
ركعت باقي تعقيب شام را تمام كن و بخوان بعضه
از آنچه در تعقيب صبح مذکور شد از آنچه در صبح
و شام خوانده میشود **فصل** و اگر وقت وسعت
داشته باشد بخوان عقيباً فله مغرب اين دعا را
بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد وآل محمد النبيين الذين
الترج المنبر الظاهر الظاهر خاتمة النبألك وسيد
اصفاك وطاهر الخلاقين ذي المقام المحمود
والمنازل المشهود والخوض المورود اللهم صل على

محمد كما بلغ رسالتك وجهه في سبيلك
ووصح لأمته حتى آناه اليقين وصل على
إله الظاهر بين الأختيار الأتقيا والأبرار الذين
انتخبهم لنفسك وأصطفيتهم من خلقك و
أمنتهم على وخيك وجعلت لهم خزان علك و
تراحة وخيك وأعلام نورك وحفظة
سرك وأذهب عنهم الرجس وطهرتهم
نظهير اللهم أنتفع بحجيتهم واخشنافهم
وتحت لواهم ولا تفرق بيننا وبينهم واجعلنا
بينهم عندك وجميعاً في الدنيا والآخرة ومن
المقربين الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون
الحمد لله الذي أذهب النهار بعد ربه وجاء بالليل

بِرَحْمَتِكَ خَلَقْنَا جَدِيدًا وَجَعَلَهُ لِبَاسًا وَكُنَّا
 وَجَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ اثْنَيْنِ لِنَعْلَمَ بِهِمَا عَدَدَ
 السِّنِينَ وَالْحِجَابَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى أَقْبَالِ اللَّيْلِ وَ
 إِذَا بَارَكْنَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَأَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَأَصْلِحْ
 لِي دُنْيَايَ الَّتِي أَسْأَلُكَ فِيهَا رِزْقًا وَجَعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً
 لِي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ وَجَعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ
 سُوءٍ وَأَكْفِنِي أَمْرَ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي بِمَا كَفَيْتَ بِهِ
 أَوْلِيَاءَكَ وَجَنِّبْكَ مِنْ عِبَادِكَ الضَّالِّينَ
 وَأَصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُمَا وَوَقِّنِي لِمَا يَرْضِيكَ عَنِّي
 يَا كَرِيمُ أَمْسِنَا وَالْمَلِكُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ
 وَمَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَّا اللَّهُ وَهَذَا اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِكَ فَأَعْصِمْنِي مِنْهُمَا بِقَوْلِكَ
 وَلَا تُرْهِمْنَا حُجْرَةً مِتِّي عَلَى مَعَاصِيكَ وَلَا
 ذُكُوبًا لِحُجَارِكَ وَلَا تَجْعَلْ عَلَيَّ فِيهَا مَقْبُولًا وَسَجَّةً
 مَكْرُورًا وَسَهْلًا لِي مَا لَخَافُ عُسْرَهُ وَأَقْضِ
 لِي فِيهِ بِالْحَسَنِ وَأَمْنِي مَكْرَكَ وَلَا تُخْذِلْ
 عَنِّي سِتْرَكَ وَلَا تُنْشِئْ ذِكْرَكَ وَلَا تَحْطِلْ
 بَيْنِي وَبَيْنَ حَوْلِكَ وَقَوْلِكَ وَلَا تُجِئْنِي إِلَى
 نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَلَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ
 يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَأَفْتَحْ قَلْبِي لِذِكْرِكَ حَتَّى أَعْيَ وَحْيَكَ وَأَتَّبِعَ
 أَمْرَكَ وَأَجْتَنِبَ نَهْيَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَإِلَيْهِ وَلَا تُصْرِفْ عَنِّي وَنَهْجَكَ وَلَا تَمْنَعْ عَنِّي فَضْلَكَ

وَلَا تُخْرِجْنِي عَنْ قَوْلِكَ وَاجْعَلْنِي أَوْلىٰ بِأَمْرِكَ وَ
أَعَادِي أَعْدَانِكَ وَارْزُقْنِي الرِّقْبَةَ مِنْكَ وَالرَّحْمَةَ
لِيكَ وَالسَّلَامَ لِأَمْرِكَ وَالصَّدَقَ بِكِتَابِكَ
وَاتَّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْكَلِمَةُ
إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْتَعُ وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ
وَعَيْنٍ لَا تَدْمَعُ وَقَلْبٍ لَا يَجْتَمِعُ وَصَلَاةٍ لَا تَقَعُ
وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَدَعَاءٍ لَا يَسْمَعُ وَأَعُوذُ بِكَ
مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَدَرْكِ الشَّقَاءِ وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ
وَتَحْمِيلِ الْبَلَاءِ وَعَمَلِ الْأَرْضَىٰ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ
الْفَقْرِ وَالْكُفْرِ وَالْعُدْرِ وَضَيْقِ الصَّدْرِ وَ
سُوءِ الْأَمْرِ وَمِنْ بَلَاءِ لَيْسَ لِي بِهِ صَبْرٌ وَمِنْ
الذَّوِّ الْعُضَالِ وَغَلْبَةِ الرِّجَالِ وَخَيْبَةِ الْمُنْقَلَبِ

وَسُوءِ النَّظَرِ وَالْفَقْرِ وَالْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالذِّينِ
وَالْوَلَدِ وَعِنْدَ مُعَانِيَةِ مَلِكِ الْمَوْتِ وَأَعُوذُ
بِاللَّهِ مِنْ إِنْسَانٍ سُوءٍ وَجَارٍ سُوءٍ وَقَرِينٍ سُوءٍ
وَسَاعِرَةٍ سُوءٍ وَمِنْ شَرِّ مَا يَلِيقُ فِي الْأَرْضِ وَمَا
يُخْرِجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْجُرُ فِيهَا
وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ الْأَطْلَاقِ وَالْبَطَرِ
بَحِيرٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَجِيءٍ أَخَذَ بِنَاصِيئَتِهَا إِنَّ
رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ فَسَيَكْفِيكَهُمْ اللَّهُ وَهُوَ
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَىٰ عَنِّي صَلَاةَ
كَأَنَّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُورًا **وبعد ذلك**
بسم الله إِنَّ اللَّهَ أَمْرٌ أَسْأَلُ بِحُجَّتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَنْ تَجْعَلَ الْوَدَّ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي

دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عظمی
 و التلاوة فی نفسی و التوکل فی رزقی و التکرر
 لک ابدًا ما ابقیتنی **بعد از آن دو سجده شکر کن**
 و بگو در آنها و بعد از آنها آنچه گذشت و اقل
 آنچه کافیت است که در هر یک سه بار بگوئی
 شکر او و در بعضی عبادات سجده های شکر
 بعد از نافله مغرب است و در بعضی پیش از اینها
و بعد از نماز دو رکعت ساعت غفلت بجا آر
 و در رکعت اول بعد از الحمد بخوان وَ هَذَا التَّوْبَانِ
 لَازِلْهُمَا مُعَاذِ اللَّهِ أَنْ تَنْفَرَهُ عَلَيْهِ
 فَمَادَى فِي الظُّلُمَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
 إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْ لَهُ وَجَنِّبْنَا

مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ يَجِي الْمَوْتَانِ **و در رکعت**
دوم وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا
 هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَنْقُطُ مِنْ
 وَدْقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حِجَابَ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ
 وَ لَا رُطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ
و بعد از آن دو قنوت بخوان اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا
و بعد از آن بگو اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَ الْقَادِرُ
عَلَى طَلِبَتِي فَقُلْ حَاجَتِي فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
وَ آلِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا قَضَيْتَهُمَا لِي وَ طَبَعِ
خَوْفَ طَلِبِ كُنْ كَمَا رَوَيْتَ كَرِهَ هَاشِمُ بْنُ سَالِمٍ أَنْ

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که هر که
 این دو رکعت را بگزارد میان شام و خفتن و دعا
 کند باین دعا و طلبد از خدای تعالی حاجت را عطا
 کند خدای تعالی با آنچه سؤال کند باینکه مشهور
 نامیدن این دو رکعت بدو رکعت غفله و دو رکعت
 غفلت و دو رکعت ساعت غفلت و وحش است که
 ساعتی که این دو رکعت در این ایام می آید که میان شام
 و خفتن است آن ساعت غفلت می نامند **روایت**
 کرده در فضیله که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
 فرموده که ابلیس متفرق می سازد کس را شستن را
 از وقت غایب شدن آفتاب تا غایب شدن شفق
 و متفرق می سازد لشکر روز را از وقت طلوع فجر

تا طلوع آفتاب فرموده که حضرت پیغمبر صلی الله
 علیه و آله میفرمود که بسیار کنید ذکر خدای تعالی
 درین دو ساعت و پناه برید بخدای تعالی از
 شر ابلیس و کسرهاش و پناه بخدای دهید
 کو چنان خود را درین دو ساعت بدرستی که این
 دو ساعت ساعت های غفلتند **روایت کرده**
 شیخ طوسی در تحذیر از امام جعفر صادق علیه
 السلام که فرموده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
 فرموده که بجا آرید نافله در ساعت غفلت اگر چه دو
 رکعت خفیف باشد که آنها باعث دار گرامتند که
 بهشت باشد گفته شد یا رسول الله و چه چیز است
 ساعت غفلت فرمود که میان مغرب و عشاء و مخفی

نماید که اینجا مراد میان وقت مغرب و وقت
عشا که میان غروب آفتاب و بر طرف شدن
شفق است چنانکه مرشد است آن حدیث گذشته
بین الصلواتین و در احادیث صحیحی مذکور است
که اول وقت خفتن غایب شدن شفق است چنانکه
خواهد آمد و این مفهوم میشود که وقت ادای نماز
غفلت میان غروب و غایب شدن شفق است پس چون این
وقت بیرون رود قضای شود سنت در وقت
غفلت دو رکعت دیگر نماز غفلت بطریق دیگر
در اول بعد از الحمد سیزده بار سوئ نلزال و در
دویم بعد از الحمد پانزده بار و هو الله احد روایت
کرده شیخ طوسی قدس سره از امام جعفر صادق علیه السلام

که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که
بگذار این نماز را در هر شب بخوابی کند با من
در بهشت و نمائند ثواب آنرا که خدای تعالی
فصل و اول وقت نماز خفتن فارغ شدن است
از نماز شام بر مذهب مشهور و معی کشد
وقت فضیلتش تا ثلث شب و وقت ادایش
تا چهار رکعت مانند نصف شب **و باید که بعد**
از فراغ آن دو رکعت غفیله آنکه تخص شفق
مغربی نمائی پس اگر شفق باقی باشد شروع در نماز
خفتن مکن تا آنکه شفق زایل شود زیرا که
مذهب شیخ مفید و شیخ طوسی قدس سرهما
آنست که داخل نمیشود وقت عشا مگر بعد از غایب

شدن شفق و رعایت کرده در فقیه بپند صحیح
 از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که
 اول وقت نماز خفتن بر طرف شدن سرخیت
 این محمول است بر آنکه سنت است تلخیص نماز مغرب
 تا بر طرف شدن شفق پس چون شفق نیاید شود
 باید که مبادرت کنی باذان و اقامت با دعاها و
 که پیش از اقامت **بعد از آن** شروع کن در
 نماز خفتن با آدابی که پیش گذشت و بخوان در
 رکعت اول سوره اعلی یا سوره الشمس یا آنچه
 مثلا اینجا باشد و در رازی چنانکه روایت کرده
 در تهذیب پسند صحیح و در رکعت دوم سوره
 قل هو الله احد مثلا باقی نماز بعد از آن تکبیر

بگوید و در قنوت بخوان آنچه گذشت در باب
 اول و آنچه می آید در باب ششم و طول ده قنوت
 و تعقیب ازیرا که وقت و سیمعات پس بخوان
 هر تعقیبی که مشترک میان پنج نماز و آنچه
 مشترک میان صبح و شام و بعد از آن آنچه
 مخصوص است بعشاء **بگو اللهم بحق محمد و آل**
محمد صل علی محمد و آل محمد و لا تؤمننا
مکذبا و لا تشننا ذکوک و لا تکفینا
عنا شرک و لا تحرمنا فضلك و لا تحل
علینا عصبک و لا تباعدنا من جوارک و لا
تنقضنا من رحمک و لا تنزع عنا برکاتک
و لا تمنعنا عافیة و لا تزلزلنا ما اعطيتنا و زددنا

التعقیب المختصر العشاء

مِنْ فَضْلِكَ لِلْبَارِكِ الطَّيِّبِ الْحَسَنِ الْحَمِيدِ
وَلَا تُغَيِّرْ مَا بَيْنَا مِنْ بَعْثِكَ وَلَا تَوَيْتَنَا مِنْ
رَحْمَتِكَ وَلَا تَهِنَّا بَعْدَ كَرَامَتِكَ وَلَا تُفْلِتْنَا
بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً
لَا تَنْكَرُ أَنْتَ الْوَهَّابُ **بسم الله** بخوان هر يك از فرائض
و توحيد و معوذتين داده بار و بعد از آن ده بار
بگو سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله و
الله اكبر و **دعا بگو** اللهم صل على محمد
وآل محمد **بسم الله** اللهم افتح لي ابواب رحمتك
فاستجب علي من كل داء و رزقك و مشغني
بالعافية ما ابقيتني في سمعي و بصري و جميع
حوائجي اللهم ما بيننا من غفلة فبينك لا اله الا

أَنْتَ اسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
بسم الله و این اندوههای طلبه رزق است
اللهم لا اله الا انت لا اله الا انت لا اله الا انت
اطلب لي حظا من حظرك على قلبي فاجعل في
طلبه السبلان وانا فيها اطلب كما تجر ان لا اله الا انت
اخي محمد هو ام في ارض حزين ام في سماء ام
بر ام في بحر و على يدي من ومن قبل من و
قد علمت ان علمك عندك و اسبابه بيدك و
انت الذي تغفر لاطفيك و تسببه برحمتك
اللهم فصل على محمد و آل محمد و اجعل
يادك رزقك لي واسعا و مطلبه سهلا و
ماخذك قريبا و لا تمنني بطلب ما لم تقدر لي

فِيهِ رِزْقًا فَإِنَّكَ عَنِّي عَذَابِي وَأَنَا قَعِيرٌ
 إِلَى رَحْمَتِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجِدْ
 عَلَى عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوةً تَبْلُغُنَا بِهَا
 رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ وَتُجَنِّبُنَا بِهَا مِنْ عَذَابِكَ وَ
 النَّارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَرِنِي
 الْحَقَّ حَقًّا حَتَّى أَتَّبِعَهُ وَأَرِنِي الْبَاطِلَ بَاطِلًا
 حَتَّى أَجْتَنِّبَهُ وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ مَثَافِيًا فَاتَّبِعْ
 هَوَايَ بَعْدَ هَدْيِكَ وَاجْعَلْ هَوَايَ تَبَعًا
 لِرِضَاكَ وَطَاعَتِكَ وَخُذْ لِنَفْسِكَ رِضًا مِنْ نَفْسِي
 وَأَهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَا ذَنبَكَ

إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَهْدِنِي فِيهِمْ هَدْيَكَ وَ
 عَافِنِي فِيهِمْ عَافِيَتَكَ وَتَوَلَّنِي فِيهِمْ تَوَلِّيَتَكَ وَ
 بَارِكْ لِي فِيهِمَا أَعْطَيْتَ وَفِي شَيْءٍ مَا أَضَيْتَ
 إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يَقْضِي عَلَيْكَ وَتُجِيرُ وَلَا يُجَارُ
 عَلَيْكَ تَمَرُّ نَوْرِكَ اللَّهُمَّ هَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ
 عَظُمَ حُكْمُكَ فَعَفَوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَبَطَتْ
 يَدُكَ فَأَعْطَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ طَاعَ صِبَا فَنَشْكُرُ
 وَتَعْصَى صِبَا فَتَغْفِرُ وَتَسْتُرُ أَمْتُ كَمَا أَتْنَيْتَ
 عَلَى نَفْسِكَ بِالْكَرَمِ وَالْحَيَّةِ دِينِكَ وَسَعْدَ بَكَ
 تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنجَا مِنْكَ
 إِلَّا إِلَيْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَجْهَكَ

عَلِمْتُ سُوءَ وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفُ رُبِّي وَأَرْحَمْنِي
 وَلَكْتُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءًا وَ
 ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفُ رُبِّي بِالْخَيْرِ الْغَافِرِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءًا
 وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَتُبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
 سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعَزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ
 عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَشِّرْ نَفْسِي بِمَنْكَ فِي غَافِيَةٍ
 وَصَبِّحْ نَفْسِي بِمَنْكَ فِي غَافِيَةٍ وَأَسْرِ نَفْسِي بِمَنْكَ فِي غَافِيَةٍ

وَأَزِدْ نَفْسِي مِنْكَ تَمَامَ الْغَافِيَةِ وَدَوَامَ الْغَافِيَةِ
 وَالشُّكْرُ عَلَى الْغَافِيَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ
 نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي
 خُزَاتِي وَكُلَّ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَتَنْعِمَ فَصَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي فِي كَنْفِكَ
 وَأَمْنِكَ وَكَرَامَتِكَ وَحِفْظِكَ وَجِوَارِكَ وَ
 كِفَايَتِكَ وَسِرِّكَ وَدِمَّتِكَ وَجَوَارِكَ وَ
 وَدَائِعِكَ يَا مَنْ لَا يَضِيعُ وَدَائِعُهُ وَلَا يَخْشِبُ
 سَائِلُهُ وَلَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ إِنِّي أَدْرُبُ بِكَ فِي خَوْرٍ
 أَعْدَائِي فَكِدْ مِنْ كَادِي وَبَغِي عَلَيَّ اللَّهُمَّ مَنْ
 أَتَادَنَا قَارِدُهُ وَمَنْ كَادَنَا فَكِدْهُ وَمَنْ نَصَبَ
 لَنَا عِدَاؤَهُ وَخَذَهُ يَارَبِّ أَحَدِ عَزَمِ مَقْتَدِرِ اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاصْرِفْ عَنِّي الْبَلِيَّاتِ وَ
 الْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَالْبِقَمَ وَلِزُومِ السَّعَمَ وَ
 دَوَالِ التَّعَمِّ وَعَوَاقِبِ الْقَلْبِ وَمَا طَعَنَ فِي الْمَلَأِ
 لِعُضْبِكَ وَمَا عَنَّتْ بِهِ الرِّجْ عَنْ أَمْرِكَ وَمَا
 أَعْلَمَ وَمَا لَا أَعْلَمَ وَمَا خَافَ وَمَا لَا خَافَ وَمَا
 أَحْذَرُ وَمَا لَا أَحْذَرُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ هَمِّي وَفَرِّجْ
 عَنِّي وَسَلِّ خُرْجِي وَأَكْفِنِي مَا ضَاقَ بِهِ صَدْرِي
 وَعَيْلِي بِهِ صَبْرِي وَقَلِّتْ فِي دَجَلَتِي وَضَعُفَتْ خَدَّتِي
 قُوَّتِي وَتَجَرَّتْ عَنْهُ طَاقَتِي وَرَدَّتْنِي فِيهِ الضَّرْفَةُ
 عِنْدَ انْقِطَاعِ الْأُمَالِ وَخَبْنَةِ الرِّجَالِ مِنَ الْخُلُوفِ
 إِلَيْكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَكْفِنِيهِ بِكَافِيًا

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِنِي مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا كَفَّنِي كُلَّ
 شَيْءٍ حَتَّى لَا يَبْقَى شَيْءٌ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي حُجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَ
 بَيِّنَاتِ بَيْتِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَعَ التَّوْبَةِ
 وَالنَّدَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ نَفْسِي وَأَهْلِي
 وَمَالِي وَوَلَدِي وَخَوَلَايَ وَأَسْتَغْفِرُكَ مَا
 أَهَمَّنِي وَمَا لَمْ يَهْمُنِي فَاسْأَلْكَ بِحُجَّتِكَ مِنْ
 خَلْقِكَ الَّذِي لَا يَمُنُّ بِكَ يَا كَرِيمُ مُحَمَّدٌ
 لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَنْ صَلَوةٍ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
 كِتَابًا مَوْفُورًا **بعده** زَلَّانِ دُوسِجِدْ شُكْرَكَ وَكُنْ
 دُوسِجِدْ أَوَّلَ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا
 بِكَ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ

يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ

غَيْرُكَ يَا مَنْ لَا يَزِيدُ كَثْرَةَ الْعَطَاءِ إِلَّا كَرَمًا
 وَجُودًا يَا مَنْ لَا يَزِيدُ كَثْرَةَ الْعَطَاءِ إِلَّا
 كَرَمًا وَجُودًا يَا مَنْ لَا يَزِيدُ كَثْرَةَ الْعَطَاءِ
 إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ
 وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا **پس روی راست** بر زمین
 بگذار و همین دعا بخوان **پس روی چپ** بر زمین
 بگذار و همین دعا بخوان **و بعد از آن** پیشانی را بر
 زمین بگذار و همین دعا بخوان **پس بگو** و این
 اندعاها هست که برای دفع سختیهاست یا سَابِغِ
 النِّعَمِ يَا دافع النِّعَمِ يَا بَارِي النِّسَمِ يَا مُجَلِّي الْخَيْرِ
 يَا مُغْنِيَ الظِّلَمِ يَا كاشِفَ الضَّرِّ يَا كَرِيمًا يَا دافع الجُودِ
 يَا كَرِيمًا يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ يَا مُدْرِكَ كُلِّ

قُوْتٍ يَا مُجِيَّ الْعِظَامِ يَا رَمِيمٍ وَمَنْشَرُهَا بَعْدَ
 الْمَوْتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ مُحَمَّدٍ وَلَجْعَلِي
 مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمُخْرَجًا يَا ذَا الْحِجَالِ وَالْأَكْرَامِ
پس دو رکعت و تین سجده آرنشسته و چنانست
 ایستاده و مشهور اوست و بعضی از علمای ما ذکر
 کرده اند که نشان درین دو رکعت افضلست از
 ایستادن **و در تهذیب** روایت کرده پسند صحیح ^{حضرت}
 امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که دو رکعت
 بعد از عشاء پدیدم میگزارد آنها را نشت و من
 میگزاردم ایستاده و عمل ما بر مشهور است و میکند
 وقت این تا آنکه وقت عشاء باشد پس بعد از نصف
 شب فضات **و سنت است** که در اول این دو رکعت

هفت تن کبیر بگوئی یا سه دعا مذکور بخوانی
 در رکعت اول سوره ملک یا واقع شود و در ویم
 سوره توحید بعد از فراغ بخوان هر چه خواهی
باب پنجم در بیان آنچه میان وقت خواب تا نصف
 شب جایز است و مرد چون خوابی اول طهارت
 کن **روایت کرده** در فقیه که حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام فرمود کسی که طهارت سازد و بخوابد
 در فراش خود و فراشش چون مسجدش باشد علمای ما
 قدس سرهم ذکر کرده اند که با قدرت بر آب
 تیمم جایز است برای خوابیدن همچو تیمم برای نماز
جواز و مستحب است در وقت خواب خواندن سوره
 توحید و مجید چنانکه روایت کرده رئیس المحدثین

در فقیه بسند صحیح و روایت کرده کلینی در کتاب
 بسند صحیح از ابی اسامه گفت شنیدم که حضرت
 جعفر صادق علیه السلام می گفت کسی که بخواند
 قل هو الله احد را صد بار در محلی که بخوابد
 رود آمرزیده شود گناه پنجاه ساله گذشته
و هم روایت کرده در کافی از آنحضرت که گفت حضرت
 پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود کسی که بخواند
 اهل بیت کما انکاکثران در خوابیدن نگاه داشته
 شود از فتنه قبر و باید که چون بجاو بزمین نهی
 بخوانی این دعا را که روایت کرده در فقیه بسند
 صحیح از محمد بن مسلم که گفت گفت حضرت امام
 محمد باقر علیه السلام که هرگاه مرد جانب راست

بر زمین گذارد پس باید که بگوید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِنِّي أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَوَجَّهْتُ وَجْهِيَ إِلَيْكَ
وَوَضَّعْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ
تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ وَهَبْهُ مِنْكَ وَرَغَبَهُ إِلَيْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا
وَلَا إِلْهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَّا إِلَهِكَ أَنْتَ بِكِتَابِكَ
الْغَيْبِ أَنْزَلْتَ سُورَةَ الْاِذَا الَّذِي أَرْسَلْتَ بِرَسُولِهِ
كَرِيمٍ سَيِّدِ فَاطِمَةَ زَهْرَةَ الْجَنَّةِ الْاِذَا الْاِذَا الْاِذَا الْاِذَا
حَدِيثٌ بِهَذَا نَسْتَأْذِنُ سَيِّدَةَ فَاطِمَةَ زَهْرَةَ
عَلَيْهَا السَّلَامُ دَرْدُو بَعْدَ اِنْغَارِ وَقْتُ خَوَافِ
وِظَاهِرِ رَوَايَتِي كَمَا لَا اسْتِثْنَاءَ مِنْ تَقْضَائِهِ
تَقْدِيمِ سُبْحَانَ اللَّهِ بِرَحْمَتِهِ وَظَاهِرِ رَوَايَةِ صَحِيحَةٍ
كَهْ مَطْلُوقِ تَقْضَائِهِ بِخَيْرِشِ مَا اَزَّاهُ اللَّهُ

وَبَا كَيْ نَسْت به بسط کلام در مقام اگر چنانچه
از حد کتاب اختلاف کرده اند علای مادرین یا
اتفاق در اینست که بگوید زیرا که صحیح محمد بن
سنان از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
صحیحست در اینست که بگوید و مشهور معمول در
تعیین تقدیم تحمیدات بر تسبیح و رئیس الحدیث
ویدارش و ابن جنید قالند بشاخص از تسبیح
و روایات از ائمه هدی علیهم السلام خالی از اختلاف
نیست **وَعَلَيْهِ** معتبره که ظاهرش تقدیم تحمیدات
اطلاقش شامل است آنچه بعد از نماز باشد و آنچه
وقت خواب و آن اینست که روایت کرده شیخ طوسی
قدس سره در کتاب تهذیب بسند صحیح از محمد بن

عذافر گفت داخل شدم باید در بر حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام پس سوال کرد پدر را
حضرت فرمود الله اکبر تا شمرده سی و چهار بار پس
گفت الحمد لله تا رسید بیست و هفت بار پس گفت
سبحان الله تا رسید صد می شمرده آنحضرت
آنها را بدستش هر را یک جمله **در وایتی** که ظاهرش
تقدیم تسبیحات بر تحمید مخصوص است بآنچه در وقت
خوابت و آن اینست که روایت کرده رئیس المحدثین
در فضیله که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گفت
بمردی از بنی سعد آیا حدیث کنم بشما از من و از
فاطمه که نزد من بود فاطمه پس چندان آب کشیده
بخنیک که اثر کرده در سینه اش یعنی نشان آن در

سینه ایشان مانند و چندان آرد کرد بدست آن
تا آنکه آبله کرد دستهای و چندان خانه جاروب
کرد که رختهای غبار آلود شد و چندان آتش
کرد در زیر دیک که چرکین و سیاه شد رختهای
پس رسید با و ازین ضرری سخت پس گفتم من
یاو که اگر بروی پیش پدرت و سوال کنی از او
خدمتکاری که کفایت کند ترا سختی و شدت آنچه
از **بیکار** تو درانی پس آنحضرت آمد پیش پیغمبر صلی الله علیه
و آله پس یافت پیش آنحضرت جوانان را پس چایا کرد
برکت پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله داشت
که حضرت فاطمه علیها السلام برای طبعی آمده
پس صباح پیش ما آمد و مادر بخان بودیم پس گفت

السلام علیکم پس ماساکت شد و شمر کردیم
 چون در کحاف بودیم پس دیگر گفت السلام علیکم
 پس ماساکت شدیم و شمر کردیم در جای خود
 پس گفت السلام علیکم پس رسیدیم اگر در
 سلام نکنیم بر کرده و عادت آنحضرت آن بود که
 سه بار سلام میکرد اگر ازین میدادند می آمدند
 الا بر میگشت پس گفت علیکم السلام یا رسول الله
 داخل شو پس آنحضرت داخل شد و نشست پیش
 سر ما و گفت ای فاطمه چه بود حاجت تو نزد محمد
 دیر و ز پس رسیدیم که اگر جواب نکویم برخیزد پس
 بیرون آوردم سر را و گفتم والله من خیر
 دم ترا یا رسول الله بدستی که فاطمه آب کشید بخیک

نشان آن در سینه اش مانده و دست آن کرد
 ناله ستمهاش آله کرد و خانه جاروب کرده تا آنکه
 رختهاش بخار آلود و خاک آلود شده و دیر در آن
 آتش کرده چندانکه رختهاش چرکین و سیاه شده
 پس من گفتم باو که اگر بیائی پیش پدرت پس سؤال
 کنی از و خادمی که کفایت کند ترا بختی آنچه تو در
 ازین کار پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
 فرمود آیا پس تعلیم نکنم شما را چیزی که بجهت از
 برای شما از خادم هرگاه بخوابد خود شدیدی بکبیر
 بگوئید سی و چهار تن کبیر و تسبیح کنید سی و
 و تحمید کنید سی و سه بار بیرون آورد فاطمه
 علیها السلام سرش را و گفت راضی شدم از خدا و

رسولش و مخفی نماید که این روایت غیر صحیح است
 در تقدیم تسبیح بر تحمید زیرا که او افاده تریب
 نمیکند و از برای مطلق جمع است براضح چنانکه
 در اصول مبین است بلی ظاهر تقدیم لفظی تقاضای
 این میکند و همچنین روایت گذشته هم صحیح است
 در تقدیر تحمید بر تسبیح زیرا که لفظ نزد راجع
 از کلام روایت پس باقی نماند مگر ظاهر
 تقدیم لفظی پس منافی میان این دو روایت بحسب
 ظاهر است پس حمل باید کرد دوی را بر اول بجهت
 صحیح بودن سند اول و قوت یافتن آن ببعضی
 روایات ضعیفه چنانکه روایت کرده ابو بصیر
 که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گفت

در بیان تسبیح فاطمه زهرا علیه السلام ابتدا میکنی
 بن کسبیری و چهار بعد از آن بتحمید می رسی و سه
 بعد از آن بتسبیح می رسی و این روایت صحیح است
 در تقدیر الحمد لله پس این مؤید ظاهر لفظ روایت
 صحیح است پس حمل باید کرد روایت دیگر بر خلاف
 ظاهر لفظش تا منافات میان روایت بر طرف نشود
 اگر کسی گوید که ممکن است عمل بظاهر هر دو روایت
 بآنکه حمل کنیم روایت اول را بر آنچه بعد از نماز
 و دوم را بر آنچه وقت خواب پس احتیاج نیست
 بگردانیدن روایت دوم را از ظاهرش پس وجه
 عدول ازین چیت کوئیم برای آنکه قابل تفریق میان
 این دو حال نیافیم بلکه آنچه ظاهر میشود بعد از آن

تشیع نام است که هر يك از فریقین که قایلند بتقدیم
تخمید و تأخیر قایلند بان مطلقا خواه بعد از
نماز باشد و خواه وقت خواب بر قایل شدن بتفصیل
مذکور احداث قول ثالث است در مقابل اجماع مرکب
اما آنچه گفته میشود که احداث قول ثالث وقتی
ممتنع است لازم آید از آن بر طرف شدن انحراف
بر آن اجماع کرده اند چنانکه مذکور است در کتبی
با کرم که مشتری و طی کرده باشد و خواهد که آنرا
بسبب عیب پس دهد وارش بکارت ندهند زیرا
علما اتفاق کرده اند بر آنکه رد کنند مذکور درارش
بکارت بجز آن نیست بخلاف انحراف باعث دفع ما اجماع
علیه الا انه بنا شد مثل قایل شدن بفتح نکاح

بسبب بعضی از عیبهای پنجگانه دون بعضی دیگر
زیرا که هر يك از فریقین موافقت در یک قسم چنانکه
در نجاست مانعی از آن نیست مثل قول بر صحت جمیع
غائب عدم قتل مسلم بدعی بعد از آن که یکی از دو
فریق قائلند بقول ثانی و نقیض اول و جمع دیگر
بعکس پس جوابش آنست که این تفصیل را است
بر مذهب شیطان اما بر مذهب ما که قائلیم بآنکه
حجت بودن اجماع بسبب آنست که کاشف است
از داخل بودن معصوم پس درست نیست زیرا که
مخالفت در این صورت مذکور حاصل است اگر چه
موافق باشد قایل با هر يك از فریقین در وقتی و
همچنین در بیع و قتل **فصل** و باید که خواهید نوب

بر جانب راست باشد زیرا که این خواب مؤمنان است
 چنانکه روایت کرده کلینی در کافی پسند صحیح آن
 احمد بن اسحق گفت که گفتم بابی محمد یعنی حضرت امام
 حسن عسکری علیه السلام فدای تو کردم غمنا کبریا
 چیزی که بمن میرسد و تحقیق که داده کردم که سؤال
 کنم از پدر تو علیه السلام از آن پس میترسید مرا
 آن پس آنحضرت فرمود که چه چیز است ای احمد پس من
 گفتم روایت کرده ما را از پدران تو علیه السلام که
 بدرستی که خوابیدن بپیران بر قفاست و خواب
 مؤمنان بر جانب راست شان و خواب منافقین
 بر جانب چپ و خواب شیاطین بر رویهای شان
 پس آنحضرت فرمود بلی اینچنین است پس گفتم باینکه

بدرستی که من چندی میگویم که بر جانب است
 بخوابم پس مرا ممکن نمیشود و خوابم نمی آید بر
 جانب راست پس ساکت شد ساعتی و گفت ای احمد
 نزدیک شو بمن پس نزدیک شدم پس گفت دست را
 داخل ساز در زیر دختها پس داخل ساختم پس
 آنحضرت برون آورد دستش را از زیر دختهاش
 پس کشید دست راستش را بر جانب چپ من و
 دست چپش را بر جانب است من سه بار پس احمد
 گفت در یک گز توانستم که بخوابم بر جانب چپ از آن
 زمان که حضرت چنان کردند بمن و هرگز خواب
 نمی آید مرا بر جانب چپ **و از دعاها می که نزد چلو**
 بر زمین نهادن باید خواند اینست که روایت کرده

کلینی در کافیه بطریق صحیح که حضرت امام جعفر
 صادق علیه السلام فرمود کسی که سه بار بگوید
 وقت خوابیدنش الحمد لله الذي علا فقهر و الحمد
 لله الذي بطن فخر و الحمد لله الذي ملك فقد
 و الحمد لله الذي يحيى الموتى و يميت الأحياء و
 هو على كل شيء قدير بیرون رعد از کفها
 چون رونی که مادرش او را زانیده باشد و رفته
 کرده در کتاب مذکور که پیغمبر صلی الله علیه
 و آله فرموده کسی که بخواند این آیه را وقت خوابیدنش
 قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ
 اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا
 صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا

درخشنده و هویدا شود برای او نور نامسبح الحرام
 در میان آن نور فرشتها باشند که استغفار کنند
 برای او و هم در کتاب مذکور است که حضرت امام
 جعفر صادق علیه السلام فرمود هیچ بنده نیست که
 بخواند آخر الکهف را در وقتی که بخوابد مگر آنکه بیدار
 شود در آن ساعتی که خواهد مصحف کتاب ادا
 الله ظله میفرماید که این از اسرار عجیبست و
 مجربست که شکی در آن نیست و مراد با آخر الکهف
 همین آیهست که پیش ازین مذکور شد و اگر از تعبیر
 و امثال او ترسی پس بگو آنچه در کتاب مذکور
 روایت کرده که امام محمد باقر علیه السلام فرمود کسی که
 بخواند این کلمات پس من ضامنم که نرسد باو عقری

و جاء لدفع العقرب

و نه كزنده ناصباح كند اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ

الَّتِي لَا يَجْأُزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذُنَا

و مِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ و مِنْ شَرِّ كُلِّ ذَاتٍ هُوَ آخِذٌ

بِنَاصِيَةِ الْعِلْمِ وَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ **و روایت**

کرده در کتاب مذکور برای دفع اعتلام که

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده

هرگاه از جنابت تری بگو در فرشت **اَللّهُمَّ اِنِّی**

اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْاِخْتِلَامِ و مِنْ شَرِّ الْاِخْلَامِ

و مِنْ اَنْ يَلْعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي الْبَقْطَةِ و اللَّسَامِ

و هم روایت کرده در کتاب مذکور برای این بود

از فرود آمدن خانه حضرت امام رضا علیه السلام

فرمود بگوید هیچ کس هرگاه خواهد که بخوابد

لدفع الاحقاد

لدفع سقوط البیت

اِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ و الْأَرْضَ اَنْ تَزُولَا و

اِنْ زَالَا لَانْ اَسْكَنَ مَا مِنْ لَحَدٍ مِنْ تَعْدِهِ

اِنَّهُ كَانَ حَلِماً عَظِیْماً اِیْنَ خَانه پسرش فرود آید

یعنی چون این را کسی بگوید خانه بر سر او فرود

نیاید **و هم در کتاب مذکور روایت کرده که حضرت**

پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگاه در آمدی بفراش

خود گفتی **اَسْمِکَ اللَّهُمَّ اَخِیْراً و اَسْمِکَ اَمَوْتُ**

و چون بیدار شدی گفتی الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِیْ اَخْبَانِیْ

بَعْدَ مَا اَمَانَنِیْ و اَلِیْهِ النُّشُورُ و هم در آن روایت

کرده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

فرمود هرگاه بشنوی آواز خروس پس بگو **سُبْحُ**

قَدْ وُشَّ رَبِّیْ لِلْاَدَمِکَ و الرُّوحُ سَبَقَتْ رَحْمَتُکَ

غَضَبِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ
 عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَعْفِرْ لِحَدَّثَةِ لَا تَغْفِرُ
 الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ **واید** که وقت خوابیدن سر مه
 بکشد روایت شده که حضرت **علیه السلام**
 و آله می کشید اینند که سر مه سنگ سیاه است
 در چشم هرگاه اراده میکرد که در فراش خواب
 رود **روایت** که حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام فرموده کسی که بیدار و راضع فی در
 چشمش پس باید که بکشد در چشم هفت میل در
 محل خواب از سر مه سنگ سیاه چهار در چشم ملت
 و سه در چشم چپ **و هم** از آن حضرت که سر مه
 کشیدن در وقت خواب امانت از آبی که در چشم

نازل شود و در روایت که نزد سر مه کشیدن
 امان ده جان و اند الله تعالی استغفار بخیر محمد
 و آل محمد آن نصلی علی محمد و آل محمد ان تجعل
 التوبة في بصري والبصيرة في ديني واليقين
 في قلبي والاخلاص في عملي و انك لا امة
 في نفسي والسعة في رزقي و انك كرامك
 ابدا ما ابقيتني **و روایت** کرده کلینی در کانی
 بسند حسن که حضرت امام جعفر صادق علیه
 السلام فرمود هرگاه بیند شخصی در خواب چیزی را
 که کائن آن باشد پس باید که بگوید انا نجاشی که بران
 خوابیده بود و باید که بگوید انا النجاشی من الشيطان
 ليخون الذين امنوا وليس بضارهم شيئا الا باذن

آداب سر مه کشیدن

از برای دفع خواب بد

اللّٰهُ يَسْ كُوْبِدْ عُدَّتْ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَا ئِكَةُ اللّٰهِ
الْمُقَرَّبُونَ وَالْمُتَّقُونَ وَالْمُسْلِمُونَ وَجِبَادُهُ الصَّالِحُونَ
مِنْ شَيْءٍ مَا رَأَيْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

باب ششم در بیان اینکه از نصف شب

تا طلوع فجر صادق بجا باید آورد و در آن مقصد^{است}
و چند فصل **مقدمه** بدانکه احادیث بسیار از
اصحاب عصمت سلام الله علیهم و اولادش
در ترغیب برخاستن شب بیان فضیلت آن
روایت کرده کلیتی در کافی بسند صحیح که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که
شرف مرد برخاستن اوست در شب عزت او
استغنائی اوست از مردم و **مقدمه در آن کتاب**

روایت کرده بسند حسن از عبد الله بن سنان گفت
شنیدم از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام که می گفت سه چیز است که آنها فخر مؤمنان
و زینت در دنیا و آخرت نماز در آخر شب و مایه
بودنش از آنچه در دست مردم است و دوست
داشتن او امامی از آل محمد صلی الله علیه و آله
و هر دو کافی روایت کرده از آنحضرت بسند

حسن در تفسیر قول خدای تعالی کَانُوا قَلِيلًا
مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ فرموده که آنجا است که
شب می نوبت می شد که بر نمیخاستند در آنها **و هر دو**

در کافی روایت است که شخصی آمد نزد حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام پس گفت من محروم

شده ام از نماز شب پس آنحضرت فرمود که تو مردی که

کناهان تو ترا معتمد ساخته **روایت**

کرده شیخ طوسی در تہذیب بسند صحیح از حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام در بیان آیه

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قَبْلاً

گفت مراد برخاستن اوست از فرارش که داده

نکند بآن مگر خدای تعالی **او هر صبح**

تہذیب روایت کرده بسند صحیح از آنحضرت علیه

السلام که فرموده هیچ بنده نیست مگر که بیدار

کرده می شود در هر شبی یک بار یا دو بار

پراکند برخاست همانست والا شیطان

پاهایش از هم دور میکند پس بول میکند در

کوشش آید یا نه بیند یکی از شما که چون برخاست

و بآن بیداری برخاسته بر میخیزد ثقیل و کاهل

شده **و هر صبح** **تہذیب** روایت کرده بسند صحیح

از عمران بن یزید که او شنیده از حضرت امام

جعفر صادق علیه السلام که میفرموده در شب

ساعتی است که موافق نکردی آن ساعت را بنده

مسلم که نماز گزارد و دعا و طلب کند از

خدای تعالی در آن ساعت مگر که خدای تعالی

مستجاب کند برای او در هر شب گفت اَصْلِحْكَ اللَّهُ

پس چه ساعتی است از شب که هرگاه بگذرد نصف

شب تا ثلث باقی **روایت** کرده در پیش المحدثین

در فقیه بسند صحیح از عبدالله بن سنان

که او سؤال کرده از حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام از قول خدای تعالی **سَمَاءُ هُمْ**
وَجُوهُهُمْ مِنَ اشْرَ الْجُودِ آنحضرت فرموده مراد
 بیداریست در شب در نماز و در ولایات از اصحاب
 عصمت سلام الله علیهم در ترغیب و ثواب
 نماز شب بسیار است **فصل** چون بیدار شوی از
 خواب اول آنچه بجا باید آورد سجده است برای
 خدای تعالی و اینست که حضرت پیغمبر صلی الله
 علیه و آله چون از خواب بیدار شدی سجده کردی و
 چون سجده کنی یا سر از سجده برداری بگو الحمد
 لله الذی احیا بنی بعد ما اماتنی و الیه النشوء
 الحمد لله الذی هدانا لهذا الذی کنا علی رُوحی لاحد و غایبه

آداب برخاستن در شب

و در روایت کرده کلینی در کافی بسند حسن که حضرت
 امام محمد باقر علیه السلام فرموده هرگاه شب
 بخیزی پس نظر کن باطراف آسمان و بگو **اَللّهُمَّ**
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
أَبْرَحَ وَلَا أَنْتَ ذات مجاد و لا ظلمات بعضها
 فوق بعض و لا تجزئ تجزئ تدلج بین یدی الدلج
 من خلقک تعلم خائنة الاعین و ما تخفى
 الصدور غارت الجوم و نامت العیون و انت
 الحی القیوم لا تأخذک سنة و لا نوم سبحان الله
 رب العالمین و الله المبین و الحمد لله رب العالمین
و این سخن بخوان پنج آیه از آخرال عمران از
 خلق السموات و الارض و اختلاف الليل و النهار

لآيَاتٍ لِأُولَى الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ
 اللَّهَ فِي مَا وَفَّعُوا وَعَلَىٰ خُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ
 فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا
 بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ إِنَّكَ مَرَّةً
 تَدْخُلُ النَّارَ فَتَقْدَأُ خَرِيتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ
 أَنْصَارٍ رَبَّنَا إِنَّا أَسْمَعُكُمْ مَّا نَدِي الْإِيمَانِ
 أَنْ آمَنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ
 كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا
 وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ
 إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ **فصل** وقت نماز شب بعد از
 نصف شب است و آن را هم زوال میگویند روایت
 کرده رئیس المحدثین در فقیه که عمر بن حنظله سؤال

کرده آنحضرت امام جعفر صادق علیه السلام و گفت
 که زوال روز را بر روز میدانیم پس چون بدانیم که
 شب پس آنحضرت فرمود که شب از وایست همچو
 زوال آفتاب پس گفت بجز چیز آنرا بدانیم حضرت
 فرمود که بتارها چون منجر میشوند یعنی شروع
 کنند در پائین آمدن از نصف النهار و ظاهر
 آنست که مراد ستارهائی باشد که در اول شب
 طلوع کرده باشد و **بدانکه** در احادیث گاهی مراد نماز
 شب هشت رکعت و گاهی مراد یازده رکعت که
 دو رکعت شفع و یک رکعت وتر هم داخل باشد و گاهی
 سیزده رکعت که رکعت نافله فجر هم داخل باشد
و نماز شب از سنتهای مؤکده است و مبالغه در آن

بسیار است **روایت** کرده شیخ طوسی در تہذیب
بہند صحیح کہ حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام
فرمود کہ در وصیت حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ
والہ وسلم حضرت امیر المؤمنین علی علیہ السلام است کہ
یا علی وصیت میکنم ترا بخصلتی چند در نفس
خودت پس حفظ کن آنها را پس گفت یا خدا یا ایش
کن و ذکر کرد خصلتی چند تا آنکہ فرمود

وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ الزَّوَالِ
وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ الزَّوَالِ
وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ الزَّوَالِ وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ الزَّوَالِ
یعنی بر تو باد قیام نماز شب و زوال و ظہر آنست
کہ مرا حضرت نماز شب سیزده رکعت باشد و

نماز زوال هشت رکعتی کہ نافله زوال است چنانکہ
بعضی علمای ما فرمودہ اند پس چون متوجہ شوی
بعبادت و ترا حلقی باشد بہ بیت الخلا ابتدا
بآن کن **آداب خلوت** پس ہر گاہ ارادہ دخول بہ
بیت الخلا کنی پس اگر در دست توانگتری باشد
یا با تو چیزی باشد کہ آنرا حرمی و عزیزی باشد
داشت از نامہا و غیر آن پس آنرا ہمراہ داخل ساز
بہ بیت الخلا و همچنین زر سفید کہ در چیزی
بسته باشی بعد از آن پای چپ را پیش بگذار در
نزد اقل در آمدن اگر خانہ باشد و اگر صحی باشد
پس پای چپ را پیش دار در جای نشستن و بگو
بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الرَّجْسِ الْبَاسِ

آداب خلوت

الْخَبِيثِ الْخَبِيثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَاكَرْقَضَايَ
 حُلُجَتِ دَر صَحْرَاكَنِ بَايْدَكُ جَانِي بَاشْدَكُ كَسِي تَرَا
 نَهْمِينْدُ وَايْدَكُ دَر حَالِ قَضَايَ حُلُجَتِ سَكِينِ
 بَدَنِ بَر پَايِ چَا بَانْدَانِي وَايِ دَا سَتِ رَا دَوَرِ تَرِ
 دَارِي وَايِ بَارَنَشِينِي مَحْرُوفِ تَرَفِي مَكْرُوبِي
 كَارِي كِه تَرِي قُوتِ شُودِ يَا خَوَانْدَنِ آيَةِ الْكَرَمِي
 سَنَعَتِ يَا كَفْتَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 يَا حَكَايَتِ اَذَانِ يَا ذِكْرِ خَدَايَ تَعَالَى وَچُونِ
 فَا دَغِ شُويِ بَر خِيَزِ وَا دَسْتِ بَر شَكْمِ كُشِ وَا بَكُو
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَمَّا طَعْنِي الْأَذَى وَهَتَا كَفِي طَعَامِي
 وَشَرَا كَفِي عَاقَابِي مِنَ الْبَلَوِي بَرِ اسْتَبْرَاكَنِ بَايْدَكُ
 بَكْشِي اَنَكْتِ مِيَانِ رَا اَزِ پِشِ مَقْعَدِ تَا اَصْلِ ذِكْرِ

بَعْدِ اَذَانِ اَنَكْتِ سَبَايِدِ رَا زِيَرِ بَكْدَارِي وَابْهَامِ
 بِالْاَوْسَةِ بَارَن تَرَكْنِي يَعْنِي بَيْفِشَانِي وَ سَدِ بَارِ
 بَيْفِشِي حَشَقَه دَا و سَدِ بَارِ تَحْمِ كُنِي دَر حَالِ اسْتَبْرَا
 پَر چُونِ خَوَاهِي كِه اسْتَبْرَا كُنِي بَابِ يَعْنِي خُودِ رَا
 طَهَارَتِ دِهِي بَرِ بُوِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَكَ
 الْمَلَأَ ظُهُورًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجْمًا وَايْدِ سَتِ چَبِ
 اسْتَبْرَا كُنِ وَا كَرِ دَرِيْنِ دَسْتِ اَنَكْتِ رِي بَاشْدِ
 كِه نَكِينَشِ اَزِ سَنَكِ رِيْنِ زَمَزَمِ بَاشْدِ اَنَزَايِرِ وَا كُنِ
 وَا مَقْعَدِ كِه شُويِ بَا اَنَكْتِ نَهْصَرِ شُويِ وَا بَدِ سَتِ
 رَا سَتِ مَسْ ذِكْرِ مَكْرُوبِ وَا دَرِغِيْرِ مَتَعَدِي
 يَعْنِي اَنَكْتِ نَجَاسَتِ بَحْوَالِي مَقْعَدِ نَرَسِيْدَه بَاشْدِ هَمِ
 اخْتِيَارِ آبِ كُنِ بَرِ سَنَكِ وَ جَمْعِ اَوَّلِي اسْتِخْوَاهِ مَتَعَدِي

باشد و خواهد و مقعد را افتد بشوی که احساس
 کنی بصبر بر یعنی آن موضع را چندان بشوی که زحمت
 نجاست زایل شود و درشتی پوست محسوس نشود
 و در حال استنجاء بگو اللهم حصِّنْ فرجی و اعفِّ عني
و ائسِّرْ عودتی و حرِّمْ علی النار و مقدم دار
شتن مقعد را بر شستن ذکر و اگر بسنگ
استنجاء کنی و بیه سنگ پال نشود عدد آنها را
طاق ساز و بجز سنگی آن مخرج را پاک کن
بانکه سنگ را به تمام دور مقعد برسانی و چون از
خالد بیرون آتی مقدم دار پای راست را و نزد
بیرون آمدن بگو الحمد لله الذی عرَّفنی
و ابقی فی جَدی قوتی و اخرج عَنی اذاه یا لها

نعمته یا لها نعمه یا لها نعمته لا یبذل القادر و
عذرها فصل چپ خواهی که وضو بازی اقل
 مسواک کن بعد از آن وضو ساز چنانکه در بیان
 وضوی کامل ذکر کرده شد در باب اول
 بعد از آن خود را خوش بوساز و آیت شده که
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده
 که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را منسکه
 بود یعنی مشک دانی بود که هر گاه وضو میبخت
 آنرا بدست می گرفت و دست آنحضرت تر بود
 و هم از آنحضرت علیه السلام روایت کرد و گفت
 نماز بوی خوش افضلست از هفتاد رکعت نماز
 بی بوی خوش و بدانکه بوی خوش سنت است برای هر

بوی خوش برای نماز و عبادت

نماز و دعای شب **و بخوان** از وضو فارغ شدی و
 بوی خوش کردی بنشین رو بقبله و بخوان این
 دعا را که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
 در شب بخوانده الهی غارت نجوم سماءک و
 نامت عیون انامک و هذات اصول عبادک و
 انعامک و خلقت الملوک علیها ابوابها و طاف
 علیها خزائنها و احجبوا عمن ربهم حاجه او
 ینتجع منهم فانی و انت الهی حی و قیوم لا تأخذک
 سنه و لا نوم و لا یغفلک شیء عن شیء ابواب
 سماءک لمن دعاک مفتحات و خزائک غیر
 مغلفات و ابواب رحمتک غیر محجبات و هو یدک
 لمن سألک غیر محظورات بل هی مبد و لات

دعا و در شب

الهی انت الکریم لا تسر فی سائر من المؤمنین
 سئلک و لا تحجب عن احد منهم اناک لا و
 عزک و جلالتک و لا تحجزل حولهم دونک و لا
 یقضیها احد غیرک اللهم و قد تانی و قونی
 و ذل مقامی و بین یدیک نعم سریری و تطعم
 علی ما فی قلبی و ما یصلح به امر اخری و دنیای
 اللهم اری فی کرامتک و اهلک المظلم و
 الو فون بین یدیک نقصی مطعمی و مشربی
 و اعصنی بریقی و اقلعنی عن و سادی و
 منعی رفادی کیف ینام من یخلک بیات
 ملک الموت فی طوارق اللیل و النهار بل کیف
 ینام العاقل و ملک الموت لا ینام الا باللیل و لا بالنهار

طوارق

وَيَطْلُبُ رُوحَهُ بِالْيَاقُوتِ وَفِي آثَارِ السَّاعَاتِ وَ
 حضرت امام زين العابدين عليه السلام بعد از اين
 دعا سجده ميكرده و روى مباركش را بر خاک
 ميچسبانيده و ميگفته است: اَسْأَلُكَ الرَّوحَ وَ
 الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ الْعَفْوَ حِينَ الْفَنَاءِ **وهم**
 انحضرت عليه السلام پيش از نماز سه و دو ركعت
 ميگزارد در ركعت اول الحمد و قل هو الله احد
 و در دوم الحمد و قل يا ايها الكافرون
 بعد از آن دست بر ميداشت بر سینه و دعا
 ميكرد و چون اين دو ركعت را بگزاري نيكوت
 كه اين دعا را بخواني كه احوال ديدار دعايت كرده كه
 حضرت امير المؤمنين عليه السلام در دل شب بخواند:

الهِ كَمَدُونٍ مُؤَبَّقَةٍ حَلَمْتُ عَنْ مُقَابَلَتِكَ بِنَفْسِكَ
 وَ كَمَدُونٍ جَزِينٍ نَكَرْتُ عَنْ كَشْفِهَا
 بِكَرَمِكَ إِلَهِي إِنْ طَالَ فِي عَضْبَانِكَ عَمْرِي
 وَعَظُمَ فِي الصُّحُوفِ ذَنْبِي فَمَا أَنَا مُؤَمِّلٌ غَيْرُ
 عَفْوِكَ وَلَا أَنَا بِالسَّجْدِ غَيْرُ رِضْوَانِكَ إِلَهِي أَفَكَّرُ
 فِي عَفْوِكَ فَتَهَوَّنْ عَلَيَّ خَطِيئَتِي ثُمَّ أَذْكُرُ
 الْعَظِيمَ مِنْ أَخْذِكَ فَعَظُمَ عَلَيَّ بَلِيَّتِي أَوْ إِنْ أَنَا
 قَرَأْتُ فِي الصُّحُوفِ سِتِّينَ أَنَا بِهَا وَأَنْتَ مُحْصِيهَا
 فَتَقُولُ خَذَوْهُ فَإِنَّهُ مِنْ مَخْلُوقٍ لَا تُخَيِّبُهُ عَمِيرٌ
 وَلَا تَنْفَعُهُ قَبِيلَتُهُ أَوْ مِنْ نَارٍ تُنْضِجُ لَا كِبَادَ
 قُلُوبِكُمْ أَوْ مِنْ نَارٍ نَزَّاعَةٍ لِلشَّوَى أَوْ مِنْ عَمْرٍ
 مِنْ كَهَيَاتٍ لَطْفِي بِي كَرِيمٍ كَرِيمٍ وَ مَرْدٍ عَالِي كَرَامَةٍ

دعاي حضرت امير المؤمنين عليه السلام

بکن بعد از آن برخیز نماز شب اجماع علماء است بر آنکه
 اول وقت نماز شب از نصف آخر شب تا طلوع
 فجر صادق و چندند بیکه فجر صادق باشد افضلست
 و اگر چهار رکعت آن نماز شب کرده باشی و صبح
 صادق طلوع کند نماز شب با تمام کن با نهم تنها
 و اگر کسی با عذری باشد جائز است که پیش
 از نصف شب بخوابد اما قضا آن افضل است از
 تقدیم **پس چون** خواهی شروع در نماز شب کنی بگو
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَبِّكَ بَنِي الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ وَأَقْرَبِهِمْ بَيْنَ يَدَي خَوَاجِي فَأَجْعَلْهُم بَعْضَهُ
 وَبَعْضُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُتَّقِينَ اللَّهُمَّ
 انْتَجِبْنِي بِهِمْ وَلَا تَعَذِّبْنِي بِهِمْ وَأَهْدِنِي بِهِمْ

در مای پیش از نماز شب

وَلَا تَضِلَّنِي بِهِمْ وَأَذِرْنِي بِهِمْ وَلَا تَحْرِمْنِي
 بِهِمْ وَأَفْضِلْ بِهِمْ لِي خَوَاجِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَرَبِّ كُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
بعد از آن نیت کن که دو رکعت نماز شب می گزارم
 مستجاب می خدای خدا و هفت رکعت بزرگو
 با آن سه دعا که پیش مذکور شد و افضل آنست که
 در رکعت اول بعد از الحمد می بار خدایا و الله بخوانی
 و در رکعت دوم بگو یا ایها الکافرون و در
 رکعتهای دیگر سوره اهد را مثل سوره
 انعام و الکهف و انبیا و یس و حم و آنچه بقدر
 اینها باشد و در جمیع نمازهای سنتی جائزست که آن
 روی مصحف قرائت کنند اگر چه غیر آن سورها

آداب بیان نماز شب

از بر داشته باشد اما در نماز واجب جایز نیست
 مگر آنکه هیچ سوره از بر نداشته باشد و
 بعضی از علما گفته اند که در نماز واجب هم
 جایز است از روی مصحح خواندن مطلقا و
 این قول ضعیف است و اگر وقت نماز شب تنگ
 باشد کافیت الحمد قل هو الله احد در هر رکعتها
 بلکه الحمد تنها کافیت **بها** اتفاق علمای بر آنکه
 قنوت چنانکه در رکعت دوم نماز واجب سنت
 در نماز سنتی هم سنت است چنانکه روایت کرده
 کلینی در کافی بسند صحیح از حضرت امام جعفر
 صادق علیه السلام که کافیت در قنوت گفتن
 اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ چنانکه در
 کافی روایت کرده از همه آنحضرت علیه السلام
 بسند حسن و در روایتی وارد است استغفار
 بترتیب و سنت است بلند خواندن قنوت اگر چه در
 نمازهای سنتی روز باشد و سنت است طول
 دادن قنوت خصوصا در نماز شب اگر وقت
 وسیع باشد **روایت** کرده در فقیه که حضرت پیغمبر
 صلی الله علیه و آله فرموده که از شما هر که قنوتش
 درازتر باشد در دنیا بیشتر است رحمت او در روز
 قیامت و **شیخ** رضی الدین علی بن طاووس قدس
 سره در کتاب مجمع الدعوات پانز از قنوتهای
 طویل که لایحه ما علیه السلام میخوانده اند و بفرمودن

دشمنان میکرده اند ذکر کرده و بیان است
قوت از روی نوشته و کتاب خواندن در غار سستی
و در بنادر و جایی زیست و از قوت های مختصر که
در سستی و واجبی میتوان خواندن این دعاست
الهی کَیْفَ اَدْعُوكَ وَقَدْ عَصَيْتُكَ وَ کَیْفَ
لَا اَدْعُوكَ وَقَدْ عَرَفْتُ حَبْلَكَ فِي قَلْبِي وَ اِنْ کُنْتُ
عَاصِیًا مَدَدْتُ اِلَيْكَ بِدَا اِلَ الذُّنُوبِ مَمْلُوءَةً وَ عَیْنًا
بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةً مَوْلَايَ اَنْتَ عَظِيمُ الْعَظَمَةِ وَاَنَا
اَسِيرُ الْاَسْرَاءِ فَلَمَّا لَا یُرِیدُنِی الْمُرْتَحِرُ یُجْرِی
اِلَیَّ لَیْنٌ طَائِبٌ یَنْبَغِی لَاطِلِ لَیْسَ لَکَ کَرَمٌ
وَلَیْسَ طَائِبٌ لَیْسَ لَکَ یَجْرِی لَاطِلِ لَیْسَ لَکَ یَعْنُوکَ
وَ لَکِنْ اَمَرْتُ بِی اِلَى النَّارِ لَا تُخْبِرُنِی اَهْلُهَا اَنْی

کُنْتُ اَقُولُ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ
اَللّهُمَّ اِنَّ الطَّاعَةَ قَسْرٌ لَّکَ وَ الْمَعْصِیَةُ لَا تَصْرُکَ
تَهَبْ لِي مَا یَسْرُکَ وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا یَغْفِرُکَ يَا
اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ **و اگر خطای در قوت این دعای**
امام محمد جواد علیه السلام را بخوان اللهم ان
الرجاء لنعمة رحمتک انطقنی باسئعک لک و
الامل لا نایک و رفیقک تجعنی علی طلب
امانک و عفولک و لی یا رب ذنوبی قد رجعت
اوجها الی انتقام و خطایا قد لا تنانها اعین
الاصطلام و استوجبت بها علی عدلک الیم العذاب
و استحققت باجرامی العقاب و خفت
تسویفها لا جانی و ردها الای عن قضائ

قوت حضرت امام محمد جواد علیه السلام

لَا حَاجَ بِنَظَائِلِهَا لِي وَفَقَطْعُهَا لِأَسْبَابِ
رَغْبَتِي مِنْ لَحْدٍ مَا أَقْصَى ظَهْرِي مِنْ ثِقَلِهَا
وَهَبْطِي مِنَ الْإِسْقَالِ بِجَهْلِيهَا ثُمَّ تَرَجَعْتُ
نَدْبًا إِلَى حِلْمِكَ عَنْ الْخَاطِئِينَ وَعَفْوِكَ عَنِ
الْمُذْنِبِينَ وَرَحْمَتِكَ لِلْعَاصِينَ فَأَقْبَلْتُ شَفْعِي
مُتَوَكِّلًا عَلَيْكَ طَارِحًا غَفْلَتِي بَيْنَ يَدَيْكَ شَاكِيًا
بَنِيَّ إِلَيْكَ سَائِلًا مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْ تَقْضِيهِ الْغَمِّ
وَلَا أَسْتَحِقُّهُ مِنْ تَغْفِيرِ الْغَمِّ مُسْتَعِلاً لِأَنَّا لَكَ
وَأَتَقَامُوا لَكَ إِلَهُكُمْ فَأَمَّنْ عَلَى يَدِ الْفَرَجِ
وَنُطَوِّلْ عَلَى سَيِّئَةِ الْخُرُوجِ وَأَذِلَّنِي بِرَأْفَتِكَ
عَلَى سَمَةِ الْمَنَاجِيعِ وَأَذِلَّنِي بِمَدَدِكَ عَنِ الطَّرِيقِ
الْأَعْوَجِ وَخَلِّصْنِي مِنْ سِجْنِ الْكَرْبِ يَا قَاتِلَ

وَأَطْلِقْ أَسْرِي بِرَحْمَتِكَ وَطَلْ عَلَى رِضْوَانِكَ
وَجِدْ عَلَى إِحْسَانِكَ وَأَقْلِبْ عَشْرَتِي وَفَرِّجْ
كَرْبِي وَارْحَمْ عَمَلِي وَلَا تَحْبُ
دَعْوَتِي وَاشْدُدْ بِالْإِفَالَةِ أَرْزِي وَقَوْمِيَا ظَهْرِي
وَأَصْلِحْ بِنَا أَمْرِي وَأَطْلِبْ بِنَا عَمْرِي وَارْحَمْ
يَوْمَ حَشْرِي وَوَقْتُ تَشْرِيفِي تَكْ جَوَادِ كَرِيمِ
رُفُوقِ رَحِيمِ **بعد از هر دو ركعت** انما از شبان
دعا را بخوان اللهم اني اسئلك ولم يسئل
مثلك انت موضع مشكلة السائلين ومستهي
رغبتة الراغبين ادعوك ولم يدع مثلك
وامعيت اليك ولم يرغب الي مثلك انت
محب دعو المظطرين وارحم الراغبين اسئلك

يَا أَفْضَلَ الْمَنَاسِلِ وَيَا أَحْسَنَ وَأَعْظَمَهَا يَا اللَّهُ يَا رَحِيمَ
يَا رَحِيمَ وَيَا سَمَاءَ الْخُسْفَى وَمَا لَكَ الْعُلْيَا وَ
لَعْنَتِكَ الَّتِي لَا تُخْفَى وَيَا كَرِيمَ سَمَائِكَ وَ
أَحْسَنَهَا إِلَيْكَ وَأَفْرَبَهَا مِنْكَ وَسَبِيلَهُ وَأَمْرَهُ
عِنْدَكَ مَنْ لَكَ وَأَجْزَلُهَا لَدَيْكَ تَوَالِبًا وَأَسْرَعُهَا
فِي الْأُمُورِ إِجَابَةً وَيَا سَمَاءَ الْمَكُونِ الْأَكْبَرِ
الْأَعَزَّ الْأَجَلِ الْأَعْظَمِ الْأَكْرَمِ الَّذِي تُخْبِتُهُ
وَتَقْضَاهُ وَتَرْضَى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ وَتَسْتَجِيبُ
لَهُ دُعَاؤَهُ وَوَحْيَ مَعْلِكَ أَنْ لَا تَرْدَائِكَ وَبِكُلِّ
إِسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْحِيدِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَ
الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَبِكُلِّ إِسْمٍ دَعَاكَ بِهِ مُتَمَلِّئَةً
عَرْشُكَ وَمَلَأَ كُنُفَكَ وَأَنْبِيَاؤُكَ وَرُسُلُكَ وَأَهْلُ

طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْجَلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَأَبْنِ وَلِيِّكَ
وَتُعْجَلَ خِزْيَ أَعْدَائِهِ وَأَنْ تُفْعَلَ لِي كَذَا
وَكَذَا وَبِحَايِ كَذَا وَكَذَا مَطْلَبُ خُودِ ذِكْرِكَ
بِسُتَيْحِ فَاطِمَةَ زَهْرًا عَلِيمًا أَلَامَ بِكُورِهِ دَعَايَ
كَهْوَاهِي بِكُنْ بِسُ دُوسْجِدِهِ شُكْرُ
كُنْ أَوْ خُوهِي دِي كِي أَنْ دُوسْجِدِهِ بِنِ دَعَايَ
إِمَامِ نَبِيِّنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ أَلَامَ رَحْمَتِ الْإِلَهِي
وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ وَعَظَمَتِكَ لَوْ أَنَّ مَسْئِدَ
بَدَعْتَ فِطْرَتِي مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ عَبْدُكَ دَوَامَ
خُودِ رُبُوبِيَّتِكَ بِكُلِّ شَعْنٍ فِي كُلِّ طَرَفٍ
عَيْنِ سَرْمَدِهِ الْأَبَدِ بِحَمْدِ الْخَلَائِقِ وَشُكْرِهِمْ

أَجْمَعِينَ لَكُنْتُ مُقَصِّرًا فِي بُلُوغِ أَدَاؤِ شُكْرِ
 أَخِي نِعْمَةٍ مِنْ نِعَمِكَ عَلَيَّ وَلَوْ أَنِّي كَرَيْتُ
 مَعَادِنَ حَدِيدٍ لَدُنَا يَا بَنِي آدَمَ وَحَرَّثْتُ أَرْضَهَا
 بِأَشْفَارِ عَيْنِي وَرَبَّكَيْتُ مِنْ خَشْيَتِكَ
 مِثْلَ بُحُورِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ دَمًا وَصَدِيدًا
 لَكَ إِنَّ ذَلِكَ قَلْبِي لَا فِي كَثِيرٍ مَا يَحِبُّ مِنْ
 حَقِّكَ عَلَيَّ وَلَوْ أَنَّكَ إِلَهِي عَذَّبْتَنِي بَعْدَ ذَلِكَ
 بِعَذَابِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ وَعَظَّمْتَ لِلنَّاسِ
 خَلْفِي وَجِسْمِي وَمَالَكَ بِطَقَاتِ حُجَّتِي مَعِي حَتَّى
 لَا يَكُونَ فِي النَّارِ مُعَذِّبٌ غَيْرِي وَلَا يَكُونُ لِحُجَّتِي
 حَظٌّ سِوَايَ لَكَ إِنَّ ذَلِكَ بَعْدَ ذَلِكَ عَلَيَّ قَلْبًا
 فِي كَثِيرٍ مَا اسْتَوْجِبُهُ مِنْ عَفْوِكَ **وَجَوْنُ** هُت

رَكَعَتِ نِمَازِ شَبِّ الْبِكْرَارِ بَعْدَ رَكَعَتِ هِشْتَمِ
 اِنْ دَعَا بِخَوَانِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ **وَهُ** يَا رَسُلَ اللَّهِ
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اِغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَبَشِّرْنِي عَلَى دِينِكَ
 وَدِينِ بَنِيكَ وَلَا تَرْخِ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَ
 هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ
بِسْمِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
 الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْحَيُّ الْمُمِيتُ الْبَدِيعُ الْبَدِيعُ لَكَ
 الْكُرْمُ وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الْأَمْرُ
 وَخَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا خَالِقُ يَا رَازِقُ يَا مُجِيبُ
 يَا مُمِيتُ يَا بَدِيعُ يَا رَفِيعُ اسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْحَمَ ذَلِكَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ
 تَضَرِّعِي إِلَيْكَ وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ وَأُنْصِي بِكَ

بسم بخوان این دعا که حضرت امیر المؤمنین علیه

السلام بعد از رکعت هشتم میخواند **اللَّهُمَّ ارْحَمْ**

بِحُرْمَةِ مَنْ عَازَبَكَ وَجِئَا إِلَى عِزَّتِكَ وَاسْتَظِلْ بِغَيْثِكَ

وَاعْتَصِمْ بِحَبْلِكَ وَكُنْ يَوْماً لِي يَا جَزِيلَ الْعَطَايَا

يَا مُطْلِقَ الْأَسْرَى يَا مَنْ سَمِيَ نَفْسَهُ مِنْ خُودِهِ

وَهَاجِباً أَدْعُوكَ رَغْباً وَرَهْباً وَخَوْفاً وَطَمَعاً وَ

الْحَاجَاحَ وَالْخَافَافَ وَبَضْرَةً قَائِمَةً وَقَائِمَةً قَاعِدَةً

وَدَاكِعَةً وَسَاجِدَةً وَرَاصِبَةً وَمَاشِئَةً وَدَاهِيَةً

وَجَائِيَةً وَفِي كُلِّهَا لَأَنْتَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَنْ تَقْعُدَ بِي كَذَا وَكَذَا

و حاجت خود ذکر کن پس دو سجده شکر کن

بخوان در آنها و بعد از آنها آنچه پیش ازین مذکور

فصل پس چون از تعقیب هشت رکعت نماز

شمارغ شوی متوجه شو بدو رکعت شفع و

یک رکعت وتر و افضل وقت از صبح کاذبت

تا صبح صادق **بدانکه** مشهور میان متأخرین فخرنا

انت که دو رکعت سیم اما شایع و مشهور

در احادیث معصومین علیهم السلام انت که

وتر هر سه رکعت است که دو رکعت شفع هم داخل

وتر است روایت کرده شیخ طوسی قدس سره

در تهذیب بسند صحیح از حضرت امام جعفر

صادق علیه السلام که حضرت امام محمد باقر علیه

السلام در هر سه رکعت نماز وتر قل هو الله احد

میخواند و هم روایت کرده بسند موثق از آنحضرت

علیه السلام که گفته حضرت پیغمبر صلی الله علیه
 وآله میگزارد هشت رکعت نماز نافله زوال
 و چهار رکعت اول یعنی ظهر و هشت رکعت
 بعد از آن یعنی نافله عصر و چهار رکعت عصر
 و سه رکعت مغرب و چهار رکعت بعد از مغرب
 و چهار رکعت عشاء آخر و هشت رکعت نماز
 شب و سه رکعت وتر و دو رکعت فجر و نماز
 غداة یعنی صبح دو رکعت تا آخر حدیث **مرسلین**
 کرده رئیس المحدثین بسند صحیح از جعفر بن سالم
 الخطاط گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام که می گفت باکی نیست آنکه بگزارد
 شخصی دو رکعت نماز و ترید این برود و حاجت

خود را برارد بعد از آن برگردد و بجا آورد
 یک رکعت را و احادیث درین بسیار است و اما
 اطلاق وتر بر رکعت سیم تنها در احادیث بیست
 که است اما در عبادان متأخرین فقها شایع است
 و اما مقتدایان فقها اکثر رکعت سیم را مفرد
 وتر میگویند و اینها ظاهر شد که اگر کسی نذر
 کند و تر موظف را بری الذمّه نمیشود مگر آنکه
 هر سه رکعت را بجا آورد و اینچه شیخ طبرسی قدس
 سره در کتاب مجمع البیان فرموده که فاتح را
 سبع مثالی میگویند برای آنکه دوبار خوانده میشود
 در هر نماز فرضی و سستی و جحی است خالی از قصور
 و اعتراض نماز و تر وارد نیست در هر دو رکعت

شفع بعد از الحمد سوره قل هو الله احد بخوان و
اگر خواهی در رکعت اول قل عوذ بر رب الفلق
و در دوم قل عوذ بر رب الناس و چون سلام
دهی این دعا بخوان الهی تعالی که فی هذا
اللیل المتعرجون و قصد که فيه القاصدون
و امل فضلک و معروفک الظالمون و آنکه فی
هذا الیل نفحات و جوائز و عطايا و مواهب بمن
یها علی من تشاء من عبادک و تمنعها من الشیطان
که العیایه منک و ها أنا ذاعبدک الفقیر الیک
الموئیل فضلک و معروفک فان کنت یا مولای
تنصّلت فی هذه السیله علی احد من خلقک و
عدت علیه بغایتی من عطفک فصل علی محمد

و ایه الطیبین الظاهرین الخیرین المصابین
و جد علی بطولک و معروفک یا رب العالمین
و صلی الله علی محمد خاتم النبیین و ایه الظاهرین
الذین اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا
ان الله حمید مجید اللهم انی ادعوك كما
امرنت فاستجب لی كما وعدت انک
لا تخلف الميعاد بعد از آن برخیز برای مفرد
و تر و بعد از نیت سه رکعت بگو و
بعد از آنها بخوان اللهم انت الملک الحق المبین
الذی لا اله الا انت علی کرم و ظلمت نفسی
فأمر لی ذنوبی انه لا یغفر الذنوب الا انت
بسم و تکبیر دگر بگو و بخوان لیلک و سعیدک

وَالْحَبَرُ فِي يَدَيْكَ وَالشُّرُكُ لَكَ يَا لَيْلَى فَلَمَّ هَدَيْ
مَنْ هَدَيْتَ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنَاجِيْكَ إِلَّا إِلَيْكَ
أَمْسُكَ بِكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ يَا رَكْتَ وَتَعَالَيْتَ
رَبَّنَا وَرَبَّ الْبَيْتِ **بِرْ** وَبِكُو وَبِجَوَانِ وَتَحَبَّبْتَ
وَبَجَّهْتِ لِلَّذِي تَأْتِيهِ وَبِجَوَانِ بَعْدَ الْحَرْسَةِ بَار
فَلَهُ اللَّهُ لَحْدٌ وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَقُلْ أَعُوذُ
بِرَبِّ النَّاسِ وَبَعْدَ أَنْ دَسَّهَا بِرَدَّارٍ وَقَوْتُ
بِجَوَانِ كَرِيهَ كَنَانِ ابْنِ دَعَارٍ أَمَّا دَرَفَتِيهِ بَسَدَ
صَحِيحَ رِوَايَتِ كُرْدِهِ مَعْرُوفِ بْنِ خَرْقُودِ كَمَا مَامَ مَحْمُودِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَمَامَ جَعْفَرٍ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَمَعْرُودِهِ بِكَ وَدَرَفَتِيهِ وَتَرَا لَآلَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَكِيمُ
الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ

قَوْتُ نَمَانِ وَتَر

اللَّهُ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ
السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
اَللّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ ذُو السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ
ذُو السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ جَمَالُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ عِمَادُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ
أَنْتَ اللَّهُ قَوَامُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ
صَبِيحُ الْمُسْتَضْرِحِينَ وَأَنْتَ اللَّهُ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ
وَأَنْتَ اللَّهُ الْمُفْرَجُ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ وَأَنْتَ اللَّهُ
الْمُرْفُوحُ عَنِ الْغَمُومِينَ وَأَنْتَ اللَّهُ مُجِيبُ دَعْوَةِ
الْمُضْطَرِّينَ وَأَنْتَ اللَّهُ إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَأَنْتَ اللَّهُ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ اللَّهُ كَاشِفُ السُّوءِ وَأَنْتَ
اللَّهُ بِلَكَ نُزِّلَ كُلُّ حَاجَةٍ يَا اللَّهُ لَيْسَ مِنْ دُعَايِكَ

الْأَحْلَكُ وَلَا يُجِي مِنْ عِقَابِكَ إِلَّا رَحِمَتَكَ
وَلَا يُجِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ هَبْ لِي مِنْ
لَدُنْكَ يَا إِلَهِي مَخْرَجًا تَغْنِيَنِي بِهَا عَنْ رَحْمَتِكَ مِنْ
سِوَاكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا أَحْيَيْتَ جَمِيعَ مَا فِي الْبِلَادِ
وَبِهَا تَنْشُرُ مَوْتِ الْعِبَادِ وَلَا تَحِلْ كُنِيَ عَمَّا
حَتَّى تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَتَعْرِفَنِي إِلَّا سِجَابَةً فِي
دُعَائِي وَارْزُقْنِي الْعَافِيَةَ إِلَى مُسْتَهَيِّ الْجَلِي وَ
أَقْلِي عَثْرَتِي وَلَا تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي وَلَا تُكِنِّهِ
مِنْ رَفْعَتِي اللَّهُمَّ إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي
يَضَعُنِي وَإِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي
وَإِنْ أَهْلَكَ كُنْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَحْيِيَنِي
وَيُنِي لَوْ يَخْرُجُ لَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِي وَقَدْ عَلِمْتَ

أَنْ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ وَلَا فِي نِقْمَتِكَ
عَجَلَةٌ وَإِنَّمَا يَجْعَلُ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ وَاسْتَمَا
يَخْتَابُ إِلَى الظُّلَمِ الضَّعِيفُ وَقَدْ هَالَيْتَ عَنْ
ذَلِكَ يَا إِلَهِي وَلَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ عَرَضًا وَلَا لِقَمَّةٍ
نَصَبًا وَمَقْلَبًا وَنَفْسِي وَأَقْلِي عَثْرَتِي
وَلَا تُنْغِصْنِي بِلَاؤًا عَلَى لَوْ تَرْتَبَلَاءُ فَقَدْ رَى ضَعْفِي
وَقُلَّةَ حِيلَتِي أَسْتَعِذُّ بِكَ الْيَلَّةَ فَأَعِذْنِي وَ
أَسْجِرْ لِي مِنَ النَّارِ فَأَجِرْنِي وَأَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ
فَلَا تُخْرِجْنِي **وَعَلَى** هَذَا مَا كَرِهْتَنِي بِكَ
وَهَذَا دَابَرُكَ أَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُ وَأَكْتُوبُكَ إِلَهُي أُنِجَا
حَدِيثُ ثَمَامٍ **وَسْتَأْتِيكَ** دَهَاكُنِي بِبَاي
حِجْلُ مَوْ مِنْ يَابِشَرِ جَبِينِ بَكُو اللَّهُمَّ الْغُفْرُ الْغُلَاظِ

وَفَلَا تَجْعَلْ كَرَاهِيَةً لِّكَ فِي سَبْحَةٍ مِّنَ الْمَسْجُودِ
 بِشَرِّ دُيُوتِ رَايَاتِ وَدَسْتِ حَبَابِ رِدَاوِ بَايَانِ
 چنانکه روایت کرده در تفسیر پسند صحیح و اگر
 صد بار استغفار کنی افضل است بعد از آن
 هفت بار بگو **اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ**
الْحَيُّ الْقَيُّومُ فَجَمَعَ ظُلْمِي وَجَرَّمِي وَاسْرَأْنِي عَلَى
نَفْسِي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بعد از آن بگو اَسَأْتُ وَ
 ظَلَمْتُ نَفْسِي فِي بَعْثٍ مَا صَنَعْتُ وَهَدَيْتَنِي يَا رَبِّ
 جَزَاءُ ذُنُوبِي كَسَبْتُ وَهَذِهِ رَقَبَتِي خَاضِعَةٌ
 لِّمَا أَمَرْتَنِي وَهَذَا أَذُنِي بَيْنَ يَدَيْكَ فَخُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ
 نَفْسِي الرِّضْلَ حَتَّى تَرْضَى لَكَ الْعُتْبَى لَا أَعُوذُ **بعد از آن**
 سیصد بار بگو **اَعُوذُ اَعُوذُ اَعُوذُ بعد از آن بگو**

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَأَرْحَمْنِي وَشَبَّ عَلَى لَذَّةِ لَذَّتِ
 التَّوَابِ الرَّحِيمِ **و شَبَّ** تطویل در قنوت و در
 پس اضافه کن قنوتی که در قنوت هشت رکعت نماز
 شب مذکور شد و اگر وقت وسعت داشته باشد
 اضافه کن این دعا را که رئیس المحدثین روایت
 کرده در کتاب امانی که حضرت امام زین العابدین
 علیه السلام میخوانده در قنوت و ترسیدی
 سَيِّدِي هَدَيْتَنِي يَا قَدْ مَدَدْتَنِي إِلَى الْيَقِينِ
 يَا ذَا نُورٍ مَّأْمُومَةٍ وَعَيْنَايَ يَا رَجُلًا مَسْدُودَةٍ
 وَخَوَّلْتَنِي دَعَاكَ بِالْإِسْلَامِ تَذَلُّدًا أَنْ تُجِبَّ بِالْكَرَمِ
 تَقْضِي سَيِّدِي آمِنْ أَقْبَلِ الشُّقَا وَخَلِّقْنِي فَأَهْلِلِ
 رُجْكَ آمِنْ آمِنْ أَهْلِلِ السَّعَادَةَ خَلِّقْنِي فَأَبْشِرْ

تجاني سيدي ام لضرب المعاصي خلقت لعضائي
امر لضرب الحميم خلقت معاني سيدي لوان
عبدا استطاع الحرب من مولاه لكانت اقول
الحاربين منك لاني اعلم اني لا اقول لك
سيدي لوان عذابي ميثاين يدني في ملكك
لاني انك الصبر عليه كثير اني اعلم انه لا يزيد
في ملكك طاعة المطيعين ولا ينقص منه
معصية العاصين سيدي ما انا وما خطري
هب لي بفضلك وجللي بيزرك واعف عني
بكرم ورحمة الاله سيدي ارحمني
مضروعا على الفراش قبلني ايدي احبتي
وان رحمني مطروحا على المعتكز بغلتي

صالح جبرني وارحمني محمولا قد تناولك
الافواه اطراف جناذتي وان رحم في ذلك
البيت المظلم وحشي وغربي ووجدني واكر
وقت تلك باشد در قوت اخصار كند واين
قوت بخوان اللهم ان كسرة الذنوب تكف
ايديا عن انبساطها اليك بالسؤال والمناومة
على المعاصي تمنعنا عن التضرع والابتهال
والرجاء نجسنا على سوالك يا ذا الجلال والإد
لما عطيت السيد علي عبدي ومن يعني المقال
فلا ترد اكفنا التضرعة اليك الا يسوع
الامال وصلى الله على اشرف الانبياء والمرسلين
محمد وآله الطاهرين وبعد انك ركوع كن وجن

سبحك كوع برداری این دعا بخوان هذا
مطهر من حسنة نعمة منك وسبب ان تعلم
ودينه عظيم وشكركه قليل الهي طوح
الامال قد خابت الالديك ومعافيت الهيم
قد تقطعت الالعليك ومذهب العقول
قد سمت الالالك فاليك الرجاء واليك
الملكي يا اكرم مقصود ويا اجود
مسؤل هربت اليك نفسي يا ملجأ الهاربين
يا تقال الذنوب لجلها على ظهري وما اجدك
اليك شافعاسوي معرفتي بانك اقرب من
رجاء الظالمون ورجا اليه المضطرون فامل
مالديك الراجون يا من فتق العقول بمعرفته

و اطلق الالسن بحمدك وجعل ما امن به
على عبادك كفاء مناديه خففه صل على
محمد وآله ولا تجعل لهموم على عقلي سبلا
ولا لباطل على عملي دليلا برحمته يا ارحم
الرحمين **يس نماز مقام كن** بعد از سلام تسبیح
فاطمه زهرا عليها السلام بگو و بعد از آن دعاء
حزین را بخوان اناجيك يا موجود في كل
مكان لعلك تسمع نداءي فتدعظم
جرحي وقل حيائي مولاي يا مولاي اني
الاهوال اندكروا بها اني ولو لم يكن
الا الموت لكفى كيف وما بعد الموت
اعظم وادهي مولاي يا مولاي حق مني

وَالِي مَنِي أَوَّلَ لَكَ الْعُشْبَى مَنَ بَعْدَ الْخَرَى لَمْ
لَا تَجِدْ عِنْدِي صِدْقًا وَلَا وَفَاءً قِيَامًا لَمْ
وَأَعُوذُ بِكَ يَا اللَّهُ مِنْ هَوًى قَدْ عَلَيَنِي وَمِنْ عَذَابٍ
قَدْ اسْتَكَلَبَ عَلَيَّ وَمِنْ دُنْيَا قَدْ تَزَيَّيْتُ
لِي وَمِنْ نَفْسٍ أَمَانَةٍ بِالسَّوَاءِ أَلَا مَا رَجِمَ رَجِي
مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ إِنْ كُنْتُ رَجِمْتُ مِثْلِي فَأَرْحَمْنِي
وَإِنْ كُنْتُ قَبِلْتُ مِثْلِي فَأَقْبِلْنِي يَا قَابِلَ
النَّحْرَةِ أَقْبِلْنِي يَا مَنْ كَرَّ أَدْلُ أَعْرِفْ مِنْهُ الْحُسْنَى
يَا مَنْ يَغْذِي بِي بِالنَّعِيمِ صَبَاحًا وَمَسَاءً أَرْحَمْنِي
يَوْمَ ابْنِكَ وَرَدَّ اشْخَصًا إِلَيْكَ بَصَرِي مُقْبِلًا عَلَيَّ
قَدْ تَبَاوَسْتُ بِجَمِيعِ الْخَلْقِ مَنِي نَعْمَ إِلَهِي أَمِي وَمَنْ
كَانَ لَهُ كُدَيْ وَسَعِي فَإِنْ كَرَّرْتُمْ مَنِي بِرَحْمَتِي

وَمَنْ يُؤَسِّرُ فِي الْقَبْرِ وَخَشَنِي وَمَنْ يَبْطِئُ
لِسَانِي إِذَا حَوَرْتُ بِعَمَلِي وَسَأَلْتَنِي غَفَا أَنْتَ
أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَإِنْ قُلْتَ نَعَمْ فَأَبْرَأَ الْمَهْرَبِ مِنْ
عَذَابِكَ وَإِنْ قُلْتَ كَرَّ أَمْعَلُ قُلْتَ أَلَا أَكُنْ
الشَّاهِدَ عَلَيْكَ فَعَفْوُكَ عَفْوُكَ يَا مَوْلَايَ قَبْلَ
أَنْ تَلْبِسَ الْأَيْدِيَّ سِرَابِيلَ الْقَطْرِ ابْنِ عَفْوِكَ
عَفْوُكَ يَا مَوْلَايَ قَبْلَ أَنْ تَعْلَلَ الْأَيْدِيَّ إِلَى
الْأَعْنَاقِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَخَيْرَ الْغَافِرِينَ
بعد ان سجده كن ودر سجده بگو اللهم صل
على محمد وآله وانهم في بين يديك و
نصرتي اليك ووخشتي في الناس وانشي
بك يا كَرِّ يَا كَانِيًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَكُونُ

كُلِّ شَيْءٍ يَكُونُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ لَا تَقْصُرْ
 فَإِنَّكَ بِي غَالٍ وَلَا تَعْدِ نَبِيَّ فَإِنَّكَ عَلَى قَادِرٍ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ كَرْهِي الْمَوْتِ وَمِنْ
 سُوءِ الْمَرْجِعِ فِي الْقُبُورِ وَمِنْ النَّدَامَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 أَسْأَلُكَ عَيْشَةً هَيَّاسَةً وَمَيِّتَةً سَوِيَّةً وَمَنْقَلَبًا
 كَرِيمًا غَيْرَ مُخْزٍ وَلَا فَاضِحٍ اللَّهُمَّ ارْزُقْ
 مَعْرِفَتَكَ أَوْسَعَ مِنْ دُنُوبِي وَرَحْمَتَكَ أَرْحَى
 عِنْدِي مِنْ عَمَلِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَاعْفُ عَنِّي يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ **فصل** وچون از ^{تعب}
 و تفرار عشوی متوجه شود دو رکعت نافله فجر
 و اینها را دستین هم میگویند زیرا که داخلند
 در نماز شب **وایات** کرده شیخ طوسی قدس سره

در مذهب بسند صحیح که حضرت امام رضا علیه
 السلام فرمود که بپایان دو رکعت نافله فجر
 نماز شب او ظاهر است که وقت این دو رکعت
 میگذرد تا طلوع سرخی آفتاب از جانب مشرق
 چنانکه در بعضی روایات و مذاهب بعضی
 از علمای افاضل و فقهائ آن از طلوع صبح
 کاذب تا طلوع صبح صادق و بخوان بعد از ظهر
 دو رکعت اول قبل از اینها ^{در رکعت} و دوم بعد
 فل هو الله احد و چون سلام دهی بر پهلوی
 راست بخواب رو بقبله چنانکه میت را در لوح
 میگذارند و جانب راست رو را بکنار پرده است
 راست و بگو این دعا است مَسْكُتٌ بِالْعَرَفَةِ الْوُثْقَى

الَّتِي لَا انْقِصَامَ لَهَا وَاعْتَصَمْتُ بِحَبْلِ اللَّهِ الْبَاقِ
 وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ قَسَّةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَبِ
 وَمِنْ حَرِّ حَقِّ الْحَجْرِ وَالْمَلَأَنِ رَحِمَ اللَّهُ رَحِيمًا
 اللَّهُ رَحِمَ اللَّهُ أَمْسَتْ يَا اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ
 لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
 فَحُوسِبْهُ إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرِ قَدَّحٍ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ
 شَيْءٍ قَدْرًا حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ اللَّهُمَّ
 مَنْ أَصْبَحَ وَلَهُ حَاجَةٌ إِلَى خَلْقٍ فَإِنْ حَاجَتِي وَ
 تَغَيَّبَتِي إِلَيْكَ وَخَدَّكَ لَأَمْتَرِيكَ لِلَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
 الْقَبَائِحِ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
 فَاسِمِ الْمَعَاشِ الْحَمْدُ لِلَّهِ جَاعِلِ اللَّيْلِ سَكَنًا وَ
 الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ حُسَامًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ فِي
 قَلْبِي نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا وَفِي لِسَانِي نُورًا
 وَمِنْ بَيْنَ يَدَيَّ نُورًا وَمِنْ خَلْفِي نُورًا وَعَنْ
 يَمِينِي نُورًا وَعَنْ شِمَالِي نُورًا وَمِنْ مَوْتِي
 نُورًا وَمِنْ نَحْيِي نُورًا وَأَعْظِمْ لِي النُّورَ وَ
 اجْعَلْ لِي نُورًا آمَنِي بِهِ فِي النَّاسِ وَلَا تَحْزَنْنِي
 نَوْمَكَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ **بعد اذان** بخوان آية الكرسي
 وَقُلْ اعُوذُ بِرَبِّ الْعَلَقِ وَقُلْ اعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ
 وَبِحَجِّ آيَةِ آخِرِ سُورَةِ آلِ عِمْرَانَ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَلِخَلْقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ
 لِأُولِيَ الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ
 قُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا
 سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ **اللَّهُ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ**
بعد از این بنشین و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام
 بگو و صد بار سبحان کبری العظیم و بحمد
 استغفر الله ربی و اذکر الیه **در وقت که بگویند**
 الله الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم بعد از آن دو سجده شکری و در
 آنها بگو آنچه توانی از دعای کبیریش ذکر شد
 و در سجده های شکری بگو بلامان مومن
 دعا کن و بگو اللهم رب العز و الجلال العز
 و الشرف و الوتر و اللیل اذ ابس و رب کل
 شیء و الله کل شیء و خالق کل شیء و مملک

کل شیء و الله صلی علی محمد و آل محمد و افعل
 بی و یفعلن و فلان ما انت اهل و لا تفعل بنا
 ما نحن اهل و فانت اهل الشفی و اهل المغفرة
فصل و اگر وقت وسعت داشته باشد بخوان
 این دعای صحیفه را که حضرت امام زین العابدین
 علیه السلام بعد از نماز شب میخوانده و مراد
 بزمان شب یا پنج سبزه رکعت که نافه فجر هم
 داخل باشد اللهم یا ذا الملک المنان بالخلود
 و السلطان الممنیع بعید جنود و لا اقوان
 و العز الباقی علی منوال الدهور و خولی الاعوام
 و مواضی الازمان و الایام و عز سلطانتک
 عز الاحد که باقرینه و لا منتهی که باقرینه

وَأَسْتَعْلَىٰ مَلِكًا عَلَوًا سَقَطًا أَلْسِيَاءَ
دُونَ بُلُوعِ أَمْدِهِ وَلَا يَمْلِكُ أَدْنَىٰ مَا اسْتَأْذَنَ
بِهِ مِنْ ذَلِكَ أَقْصَىٰ نَعْتِ الثَّلَاثِينَ صَلَّاتٍ
فِيكَ الصُّغَاتِ وَتَفَحَّحْتَ دُونَكَ الثُّغُورِ
وَحَاسَتْ فِي كَرِيَامِكَ لَطَائِفُ الْأَوْفَارِ
كَذَلِكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فِي أَوَّلِيَّتِكَ وَغَلَى
ذَلِكَ أَنْتَ الْخَاتَمُ لَا تَزُولُ وَأَنَا الْعَبْدُ
الضَّعِيفُ عَمَّا الْحَبِيمُ أَمَّا مَا خَرَجْتَ مِنْ بَيْدِي
أَسْبَابُ الْوَصَالَةِ الْأَمَّا وَصَلَهُ رَحْمَتِكَ وَ
تَقَطَّعَتْ عَنِّي عَصَمُ الْأَمَالِ إِلَّا مَا أَمَّا مَعْنَصِمُ
بِهِ مِنْ عَفْوِكَ فَلَعِنْدِي مَا اعْتَدَيْتَ بِهِ مِنْ
طَاعَتِكَ وَكَثُرَ عَلَىٰ مَا أَبَوَيْتَ بِهِ فِي مَعْصِيَتِكَ

وَلَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوُ عَنْ عَبْدِكَ فَإِنْ
أَسَاءَ فَأَعْفُ عَنِّي اللَّهُمَّ وَقَدْ أَشْرَفَ عَلَى
خَطَايَا الْأَعْمَالِ عِلْمُكَ وَأَكْثَفَ كُلِّ مَسْئُورٍ
دُونَ خَيْرِكَ وَلَا تَنْظُرْ عَلَيَّ ذَفَائِقُ
الْأُمُورِ وَلَا تَعْرِبْ عَنْكَ غِيَاثُ النَّارِ
وَقَدْ اسْتَحْرَدَ عَلَىٰ عَدْوِكَ الَّذِي اسْتَظَرَكَ
لِعَوَائِي فَأَنْظُرْتَهُ وَأَسْتَهْلِكَ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ
لِإِضْلَالِي فَأَهْلَسْتَهُ فَأَوْقَعَنِي فَقَدْ هَرَبْتُ
لَكَ مِنْ صَغَائِرِ تَوْبٍ مُؤَبِّقَةٍ وَكِبَائِرِ
أَعْمَالٍ مُزْدِيَةٍ حَتَّىٰ إِذَا فَارَقْتُ مَعْصِيَتَكَ
وَأَسْتَوْجِبْتُ بِسُوءِ سَعْيِي سَخَطَكَ قَتَلَ عَنِّي
عِذَارَ عَذْرٍ وَلَقَانِي بِكَلِمَةٍ كَفَرَةٍ وَتَوَلَّىٰ

سَخَطَكَ

البراءة مني وأدبر موليا عني فأصحبني
لقلبك فريدا وأخرجني إلى فناء نعمتك
طريدا لا شفع يشفع لي إليك ولا خبير
بؤ مني عليك ولا حزن يحبيني عندك
ولا ملاذ الجمال اليه منك فهذا مقام
العائدين بك وتحمل المعتصمين لك فلا يصفقن
عني فضلك ولا يقصرن دونه عقولك
ولا أكرن أخيب عبادك الثائمين ولا
أقنن قودك الأملين واغفر لي إنك
خير الغافرين اللهم إنك أمرني فزكك
ومهيئني فركبك ومزك لي الخطا خاطرك
السوء فقرطت ولا استشهد على حيائي نهذا

ولا استجير بحجدي ليلا ولا لثني قلبي
بأخيارها استعاضا فروضك التي من
صنيعها ملك ولست أتوسل إليك بفضل
نافلي مع كثير ما أغفلت من وظائفي
فروضك وتعديت عن مقامات حدودي
إلى آخر مايتنمى كتمانها وكبار ذنوبي
انجرح بها كانت عافيتك لي من فضائلها
سيرا وهذا مقام من استجى لنفسه منك
ونخطا عليها ورضى عنك فلتلك ينشر
خاسعه ورفقه خاضعه وظفر منقلبي من
الخطايا واقفا بين الرعية إليك والرهبة
منك وانت أولى من رجاء والحق من خشية

وَأَقْنَاهُ فَأَعْطَيْتَنِي لِأَرْبَ مَا رَجَوْتُ وَأَمْتَنِي
مَا حَدَّثْتُ وَعَدْتُ عَلَى بَعَائِدٍ رَحْمَتِكَ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُسَوِّدُ اللَّحْمَ وَأَدَسْتُ بَنِي
بِعَفْوِكَ وَتَعَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَسَادِ
بِحَضْرَةِ الْأَكْفَاءِ فَأَجَرْتَنِي مِنْ قَضِيحَاتِ
دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ
الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالرُّسُلِ الْمَكْرَمِينَ
وَالضَّالِّحِينَ مِنْ جَارِكُنَّ أَكَامَتِهِ سِتْنَانِي
وَمِنْ دِي حِمِّ كُنْكَ أَحْتَنِمُ مِنْهُ فِي سِرِّي إِذْ
كُنْتُ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي السِّرِّ عَلَى وَثْقَتِكَ
سَبَّحْتُ فِي الْمَغْرَبِ لِي وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ وَثِقَ بِهِ
وَأَعْطَى مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ وَأَرَأَى مِنْ أَسْأَلِهِ

فَارْحَمْنِي اللَّهُمَّ وَأَنْتَ حَدَّثْتَنِي مَا هَمَّ بِنَا
مِنْ صُلْبٍ مُتَضَائِقٍ الْعِظَامِ حَرَجِ الْمَسَالِكِ
إِلَى رَحِمٍ ضَيِّقَةٍ سَفَرُهَا بِالْحَجْبِ بَصُرُ فَنِي
حَالًا عَنْ حَالٍ حَتَّى أَنْهَيْتَنِي إِلَى الْإِنْسَانِ
الضُّوْنِ وَأَنْبَتَ فِي الْجَوَارِحِ كَمَا نَعَتْ
كُفَيَاتِكَ نُطْفَةٍ ثُمَّ عِلْقَةً ثُمَّ مُضْغَةً
ثُمَّ عِظْمَانِ ثُمَّ كَوَتْ الْعِظَامَ كَمَا تَمَرَّاتُنَا نَحْنِي
خَلَقْنَا الْآخَرَ كَمَا شِئْتَ حَتَّى إِذَا اخْتَجْتُ
إِلَى رِزْقِكَ وَلَمْ أَسْتَغْنِ عَنْ عِيَاثِ فَضْلِكَ
جَعَلْتَ لِي قَوْمًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَشَرَابٍ
أَجْرَتِي لِأَمْنِكَ الَّتِي أَسْكَنْتَنِي جَوْفَهَا
وَأَوْدَعْتَنِي قَرَارِ رَحِمِهَا وَلَوْ أَنَّ كَلَنِي

يَا رَبِّ فِي تِلْكَ الْخَالَاتِ إِلَى حَوْلِي وَتَضَاطُّرِي
إِلَى قُوَّتِي لَكَ أَلْهَانُ الْحَوْلِ عَنِّي مُعْتَرِلًا وَ
لَكَ أَسْتِ الْقُوَّةُ مِنِّي بَعْدَ مَعْدُونِي
بِفَضْلِكَ عِذَاءُ الْبَرِّ الطَّيِّبِ تَفْعَلُ ذَلِكَ بِي
تَقُولُ لَا تَعْلَى إِلَيَّ غَايَتِي هَذِهِ لَا أَعْدِمُ بَرِّكَ وَ
لَا يَسْطِي بِي خُسْرُ صَنِيعِكَ وَلَا تَنَاسُكَدُ
مَعَ ذَلِكَ تَعْنِي فَأَتَفَرِّغُ لِمَا مَوَاحِطِي لِمَعْنِيكَ
قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ عَيْنِي فِي سَوَاءِ الظَّنِّ
وَصَعَفَ الْيَقِينَ فَأَنَا أَشْكُو لَوْ فَجَأَ وَرَجَه
إِلَى طَاعَةِ نَفْسِي لَهُ وَاسْتَعِصَمْتُ مِنْ مَلَكَتِهِ
وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ فِي أَنْ تُنْزِلَ إِلَيَّ رِزْقِي سَبِيلًا
فَلَا أَحْمَدُ عَلَى لَيْدِكَ يَا بَلِّغْ لِحُجَامِ وَالْحَامِكِ

أَلْكَ كَرَّ عَلَى الْإِحْسَانِ وَالْإِنْعَامِ فَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَجَعَلْ عَلَيَّ رِزْقِي وَأَنْ
تَقْنَعَنِي بِقُدْرِكَ لِي وَأَنْ تُضَيِّنِي بِحَضْرَتِي
فِيمَا قَمْتُ لِي وَأَنْ تَجْعَلَ مَا دَهَبَ مِنْ جِسْمِي
وَعَمْرِي فِي سَبِيلِ طَاعَتِكَ إِنَّكَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغْلُظُ عَلَى مَنْ
عَصَاكَ وَتَوَعَّدَتْ بِهَا مَنْ صَدَقَ عَنْ رِضَاكَ
وَمِنْ نَارٍ تَوْرَهَا ظِلْمَةٌ وَفَيْتُهَا أَلِيمٌ وَبَعِيدٌ هَا
قَرِيبٌ وَمِنْ نَارٍ يَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضًا وَ
يَصُولُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ وَمِنْ نَارٍ تَدْنُو الْعِظَامَ
رَبِّهَا وَتَشْفِي أَهْلَهَا حِمِيمًا وَمِنْ نَارٍ لَا تَسْقِي
عَلَى مَنْ تَصْرَعُ إِلَيْهَا وَلَا تَرْحَمُ مَنْ اسْتَغْطَفَهَا

وَلَا تَقْدِرُ عَلَى التَّقْصِيفِ عَنْ خَنْعٍ مَا وَاسْتَسْلِمَ
إِلَيْهَا تَلْقَى سَكَاتَهَا بِأَحْزَمٍ مَا لَدَيْهَا مِنْ السَّيْمِ
النُّكَالِ وَشَدِيدِ الْوَبَالِ وَأَعْوَدُ بِكَ
مِنْ عَقَابِهَا الْفَاعِرَةِ أَفْوَاهُهَا وَخِيَابِهَا الضَّالِّغَةِ
بِأَنْبِيَائِهَا وَشَرَائِبِهَا الَّذِي يَقْطَعُ أَمْعَاءَ وَأَفْنِدَةٍ
سَكَاتِهَا وَتَيْبَعُ قُلُوبَهُمْ وَأَسْمُهُمْ بِكَ
لَمَّا بَاعَدَتْهَا وَأَحْرَقَتْهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالِهِ وَاجْعَلْ مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ وَأَقْلَبْ
عَرَائِقِ بَحْسِنِ إِفَالَتِكَ وَلَا تَخْذُلْنِي بِالْخَيْدِ
لِغُجْرَيْنِ لَيْتَ تَقَى الْكَرْبَةَ وَتَعْطَى الْحَسَنَةَ
وَتَقْعَلُ مَا تُرِيدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ إِذَا ذُكِرَ الْأَبْرَادُ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ
وَالنَّهَارُ صَلَاةً لَا يَنْقَطِعُ مَدَدُهَا وَلَا يَحْصَى
عَدَدُهَا صَلَاةٌ تَحْيِي الْهَوَاءَ وَمَمْلَأُ الْأَرْضَ
وَالسَّمَاءَ صَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى يَرْضَى
وَصَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ الرِّضَا صَلَاةً
لَا حَذَرَ لَهَا وَلَا مُنْتَهَى بِأَرْحَمِ الرَّاحِمِينَ
خاتمه سنت دانستن و ملا حظته کردن معنی
هر چه در نماز گفته میشود از ذکرها و
دعاها و آنچه خوانده می شود از فاتحه و سوره
و باید که قرائت نماز که از حرکت دادن زبان
تجربا باشد بی ملا حظته معین با بر حکم
فارسی زبان خواهد داشت که عربی نداند و

نفهمد ولفظی چند از عربی بر زبان برآید و
حکم عربی که فارسی نفهمد و نداند و
لفظی چند فارسی بر زبان داند بی آنکه معنیها
آنها داند و کافست برای تنبیه بر معنی قول
خدای تعالی یا ایها الذین آمنوا لا تقرّبوا

الصّلوة وآنتم راسکالی حتی تعلموا ما
تقولون یعنی و الله اعلم ای آنکسانی که ایمان
آورده اید نزدیک شوید بنماز در حالتی که
شماست باشید تا آنکه بدانید آنچه میگویید
روایت کرده رئیس المحدثین ابن بابویه که حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام فرموده کیکه
دو رکعت نماز بگزارد و داند که چه میگوید

در آنها بر کرده از نماز و حال آنکه غایب باشد
میان او و میان خدای تعالی گناهی که
مک و خدای تعالی آمرزیده باشد برای او
و میا این کتاب را ختم میکنیم تفسیر سوره
فاتحه **بسم الله الرحمن الرحیم**

با حق جبراست اینجا برای استعانت است یعنی
طلب مدد از اسم خدای تعالی یا برای مصیبت
و همراهی و اقول بجهت است زیرا که مشعر است
بلکه ذکر و اسم خدای تعالی در ابتدای کار
وسيلة بجا آمدن و مقام شدن آن کار است
بر وجهی که ما تم که یا که کاری بی ذکر
نام الهی تمام نمی شود و معنی مصلحت این

اشعار عاریت و این جار یا مجروش منعقت
بعامل مقدر و این عامل مقدر یا اسم است
یا فعل و هر یک ازین دو عامست یا خاص و
هر یک ازین چهار مقدرست یا مؤخر و بهترین
این هشت وجه خاص فعل مؤخرست زیرا که
فعل عام مثل ابتدا و اسم عام مثل ابتداء باعث
توهم آن میشود که طلب مدد از خدای تعالی
مخصوص باشد بابتدای کار و اسم خاص مثل
قرآنی باعث زیادهای تقدیرست در کلام
زیرا که او مبتدا خواهد بود پس خبرش مقدر
خواهد بود زیرا که متعلق ظرف بدو مانعت
از آنکه او خبر مبتدای محذوف نباشد و فعل

خاص مقدم مثل اقرأ بسم الله در و مخصوص
بودن یاری طلبیدن از اسم خدای تعالی
فوت میشود **الله** علم شخصی ذات مقدس
الهی است که جامع جمیع صفات کمالات
زیرا که اگر اسم مفهوم واجب الوجود باشد
لازم آید که لا اله الا الله افاده توحید نکند
زیرا که احتمال دارد که افراد آن مفهوم
متعدد باشند در اعتقاد کوبنده این کلمه و بر این
دلیل اعتراض کرده اند یا نکه بنابرین لازم آید که
قل هو الله احد دلالت بر توحید نکند زیرا که
جائز خواهد بود که علم یکی از افراد واجب باشد
یا آنکه این سور را دلیل سمعی انشده اند بر توحید

و این اعتراض وارد نیست زیرا که میتواند بود که
یکی بودن خدا از آخر این سوره معلوم شود
و اما اولش دلالت کند بر احدیت بمعنی عدم
قبول قیمت **الْأَخِرِ الْخَيْرِ** هر دو بمعنی رحمت
کننده و مبالغه در رحمت بیشتر است بحسب زیاده
لفظ و صفت مشبه اند مشتق از رحم بکسر
عین بعد از آنکه نقل کرده اند بر هم بضم عین
و مبالغه در رحمت بیشتر است زیرا که زیاده
لفظ دلالت میکند بر زیاده بمعنی و این
زیاده یا باعتبار کمیت است چنانکه در دعای
يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ رَحِيمَ الْآخِرَةِ گفته اند زیرا که
رحمت دنیا یاد تر است بواسطه آنکه شامل مؤمن

و کافر است و رحمت آخرت مخصوص است بمؤمن
یا آنکه زیاده یا باعتبار کیفیت باشد چنانکه در
دعای **يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَ الدُّنْيَا**
گفته اند بواسطه آنکه نعمت آخرت عظیم و
بی نهایتست بخلاف دنیا پس معنی رحمت ذاتی که
رحمت و بی غایت و نهایت باشد از بیجهت
رحمن مخصوص است بخدای تعالی و اطلاق
بر غیر خدا نمیکند زیرا که رحمت و احسان
کننده و بخشنده حقیقی بی عوض است و رحمت
و احسان غیر او یا برای مدح و ثنای دنیا است
یا برای ثواب آخرت یا برای زیاده کردن آنزدگی
در وقتی که دل او را بهر سبب بسبب خست

یا برای دور کردن شیخی بخل از خود با وجود
اینها آن غیر از واسطه است زیرا که دادن
اصل نعمت و قدرت دادن به دادن و واصل
ساختن همه از جانب خدای تعالی است و تقدیم
الحمد یا آنکه ترتیبی باید با علی نه
از اعلی یادنی برای آنست که رحمت بسبب مخصوص
بودن او بخدای تعالی گویا که واسطه است
میان اسم و صفت پس مناسب آن بود که واسطه
بوده باشد میان علم ذات که الله است و میان صفت
که رحیم است و ذکر این نامهای شریف
در بسم الله که ابتدای کتاب کریمت برای
محکم کردن بنای جود و کرم و تقویت

دادن معال عفو و اذیت و ایشادت
بانکه رحمت الهی سابق بر غضبش و
تنبیه است بر آنکه سزاوار بیاری حبس از
ذکر او در جمیع کارها خدای تعالی است
که جامع جمیع صفات کمالست و جمیع
درغایب و نهانیت و صاحب ولی جمیع
نعمتای دنیا و آخرت و صاحب نعمتهای
برای او که چنانست **الحمد لله رب العالمین**
حمد و ثناءست بر جمیع اختیاری و حمد الهی
بر بعضی از صفاتش و اجتناب مجبور بر اثری که
مرتب میشود بر ذات مقدس بنا بر آنکه
صفات الهی همین ذات و آن آثار اختیاری

الهی است و الف و لام الحکم برای جنس است
یعنی جنس و حقیقت حد مخصوص است
بخدای تعالی یا برای استغراق است یعنی جمیع
افراد حمد یا برای عهد خارجی یعنی فرد
کاملتر از افراد حمد که لایق خدای تعالی باشد
ثابت و مخصوص است بخدای تعالی و
رب یا برای مصدر است بمعنای تربیت
یعنی مساینیدن چیزها در کمالش که کم
و وصف الله رب برای مبالغه است چنانکه
در رجل عدل یا صفت مشبهه است مشتق
است از ربه بر تبه بعد از آنکه فعل کرده
باشد بصیغه لازم چنانکه در رجم مذکور

شد و چون اضافه رب به العالمین اضافه
حقیقت است مثل کرب الیلد زیرا که
عمل نصب اینجا نیست پس جاز است که صفت
الله که معرفت است واقع شود یا آنکه مراد
استمرار است نه حدوث و عالم اسم چیزیت
که باو علم چیزی حاصل شود اما بحسب غلبه
استعمال مراد از و هر جنسی است از اجناس
آنچه باو خدای تعالی را توان دانست چنانکه
گویند عالم افلاک و عالم عناصر و عالم حیوان
و عالم نبات **الرحمن الرحیم** مکرر ساختن
این اسمهای شریف در ابتدای کتاب مجید
برای اشعار است بر آنکه اهتمام حضرت الهی

برحمت بیشتر است از باقی صفات و برای آنکه
 امید بندگان زیاده شود برحمت الهی چون
 دانند که مالک روز جزا رحمن و رحیم است
 گویا که میفرماید که ای کناه کاران مایوس
 مشوید از بخشش خدای تعالی کناهان
 شما را در روز قیامت که او رحمن و رحیم است
مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ قرائت عاصم و کائیت
 یعنی صاحب روز جزا و باقی قرا **مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ**
 یعنی پادشاه روز جزا و موافقت قول
 خدای تعالی **يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا**
وَالْأَمْرُ يَوْمَ لِلَّهِ مؤید قرائت اقل است
 و مرجح قرائت دوم پنج وجه است **اول** آنکه تعظیم

درین بیشتر است **دوم** آنکه مناسب است باضافه
 روز جزا چنانکه میگویند پادشاه عصر **سین**
 آنکه موافقت بیشتر دارد بقول خدای تعالی
لَهُ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ یعنی برای
 کیست پادشاهی و روز قیامت برای خدا نیست که
 یکیت و قهار است **چهارم** آنکه مشابهت بیشتر
 دارد با پنجم در آخر کتابت در سوره
 قل اعوذ برب الناس از وصف بیادش **عبد**
 از وصف بی یوقیت تا مناسب باشد ابتدا با آنها
پنجم آنکه اضافه او بیوم الدین حقیقیست پس
 معروف باشد پس وصف الله که معزمت باو جاز
 است بی توجیهی و تکلفی زیرا که مثل **کلید**

البد است بخلاف مالک که اضافی لفظی است و
کب تعریف نکرده وصف معرفه تواند شد
در کبر و تجسس و تکلفی که گوئیم اینجا
بمعنی ماضی است زیرا که مضارع محقق الوقوع
قایم مقام ماضی گردانیم یا آنکه اینجا مراد
استمرار ثبوتیت و نیز اضافی اسم فاعل بطرف
محتاج است بنوجیه آنکه قایم مقام منقول به
است مجازا و درین جز است چنانکه میگویند
کما تدبیر بدان یعنی چنانکه تو جزا میدهی
جزا خواهی یافت و وجه تخصیص مالکیت و
پادشاهی خدای تعالی بر وز قیامت بآنکه خدای
تعالی مالک و پادشاه هر چیز است در جمیع

اوقات برای تعظیم روز قیامت و برای آنکه
مالکیت و پادشاهی که درین نشأ غیر خدا را
هست در آن روز بآل کلیه نایل و باطل
میکرد و مخصوص میشود بخدای تعالی
در ذکر این صفات بعد از ذکر الله که
دلالت میکند بر آنکه خدای تعالی جامع جمیع
صفات کمال است اشارت بآنکه حمد
بندکان و تعظیم ایشان کمی برای یکی از
چهار چیز است یا برای کمال ذاتی و
صفایت یا بواسطه آنکه از و بایشان احسان و
نعمتی رسیده یا بواسطه آنکه امید دارند که از و
بایشان نعمتی و احسانی برسد یا بواسطه آنکه

فی ترسند از کمال آفر و غضب و کمال
قدش پس گو یا که خدای تعالی میفرماید که
ای مردمان اگر چه کسی برای کمال ذاتی
و صفاتی میکنند پس نام من الله و من جامع
هر دویم و اگر برای احسان و نعمتی است که بنما
نمایند پس من رب یعنی پرورنده عالمیانم
و اگر برای امید و طمع نعمتی که بعد ازین بشما
برسانند در دنیا یا در آخرت پس من رحمن و رحیم
و اگر برای ترس از کمال قدرت و غضب
پس مالک روز قیامت **إِلَّا كَسْبُكَ وَ إِيَّاكَ**
تَسْتَعِينُ عبادت نهایت خضوع و خواریست
و از نجات لایق عبادت نیست مگر کسی که

ولی و دهنده اعلی و اعظم مراتب باشد
مثل وجود و حیات و هر چه لازم و تابع
اینها باشد و استعانت طلبیاری و مددست
برکاری و مراد اینجا طلب مددست در جمیع
کارها یا در ادب و بجا آوردن عبادت و قیام
بوظائف و شروطن از اخلاص تام و حضور
دل و در آیه گیر پنج چیز است که نکته آن را
بیان باید کرد **أَوَّلُ** تقدیم عبادت بر استعانت
ثَانِي تقدیر معموله که ایات است بر عامل که
تقدیر است و استعین **ثَلَاثُ** مکتور ساختن
تفکرات **رَابِعُ** است **خَامِسُ** اختیار صیغه متکلم
مع الغیر بر صیغه متکلم و لحد **سِتُّ** التفات

می ترسند از کمال مهر و غضب و کمال
قدرش پس گو یا که خدای تعالی میفرماید که
ای مردمان اگر چه کسی برای کمال ذاتی
و صفاتی میکنند پس نام من الله و من جامع
هر دویم و اگر برای احسان و نعمتی است که بشما
رسانیده پس من رب یعنی پرورنده عالمیانم
و اگر برای امید و طمع نعمتی که بعد ازین بشما
برسانند در دنیا یا در آخرت پس من رحمن و رحیم
و اگر برای ترس از کمال قدرت و غضب
پس ماله روز قیامت **إِيَّاكَ تَعْبُدُونَ وَإِيَّاكَ**
تَسْتَغِيثُونَ عبادت نهایت خضوع و انواریت
و از نیجت لایق عبادت نیت مکر کسی که

ولی و دهنده اعلی و اعظم مراتب باشد
مثل وجود و حیات و هر چه لازم و تابع
اینها باشد و استعانت طلبیاری و مدد دست
برکاری و مراد اینجا طلب مددست در جمیع
کارها یا در ادای بجا آوردن عبادت و قیام
بوظایف و شروطش از اخلاص تام و حضور
دل و دلیله که هر پنج چیز است که نکته آن را
بیان باید کرد **اول** تقدیم عبادت بر استعانت
دویم تقدیر معموله که ایات است بر عامل که
نعمت است و مستعین **سیم** مکرر ساختن
لفظ ایات است **چهارم** اختیار صیغه متکلم
مع الغیر و صیغه متکلم واحد **پنجم** القات

و توجه از غیبت بخطاب اما میگوئیم تقدیر
عبادت بر استعانت پس شاید که نکته آن هفت
چیز باشد **اول** رعایت موافقت آخر آیات در
حرف سابق بر حرف آخر و این وجه صحیح است
اگر جمله آیه علی وجه باشد از **لله** و **لله** عبادت
مطلوب بندهای تعالی است از بندگان و مدد
مطلوب بندگانت از خدای تعالی پس مناسب
تقدیم مطلوب الهی است بر مطلوب بندگان
سیم آنکه عبادت مناسبتر است بجز او و ثواب
و استعانت بطلب هدایت مناسب آن بود که
هر یک متفضل باشند با آنچه مناسبتر باشد دارد
چهارم آنکه یاری و مدد یافتن بر وجه **اکمل**

اثر و شرف عبادت چنانکه ظاهر میشود از
حدیث قدسی که نزدیک نمیشود بمن بنده من
بچیزی که دوست تر باشد از آنچه من بر او واجب
کرده ام و بد رستی که نزدیکی میجوید بمن
بنده من بندها تا آنکه او را دوست داریم پس
چون او را دوست داریم با شتم کوش او که بآن
می شنود و چشم او که بآن می بیند و دست
او که بآن غصب میکند تا آخر حدیث **پنجم**
آنکه تخصیص خدا بعبادت اول چیزی است که حاصل
میشود با و اسلام اما تخصیص با استعانت
پس بعد از سوختن است در بین پر حق است
تا **آخر** آنکه عبادت وسیله حصول مطلب است

که مدد یافتن است و تقدیم وسیله بر طلب
 مطلب اقریت با حاجت **مقدمه** آنکه چون متکلم
 نسبت عبادت بخود داد نفس او را اندک
 عجبی و ترکبری حاصل شد پس در عقب
 آن اقرار کرد بآنکه عبادت هم تمام نیست و صادر
 نمیشود از من مگر یاری و مدد خدای
 تعالی را تقدیم مفعول عبادت و استعانت
 برایشان پس شاید که نکته در آن تجزیه باشد
اول آنکه عبادت و استعانت مخصوص است
 بخدای تعالی بقصر حقیقی یا اضافی افرادی
دوم آنچه در وجود مقدم است **سیور** ایشان
 بآنکه عبادت کنند و یاری طلبند و باید که منظور

برای تقدیم

و ملحوظ او اولا بالذات خدای تعالی باشد و روش
 ما در آیت شینا **الاول** آیت الله قبله یعنی هیچ
 چیز برانندیدم مگر آنکه خدای تعالی را ملاحظه
 کردم پیش از و بعد از آن ملحوظ خودش باشد
 نه بالذات بلکه اذن جنت که منسوب بخدا
 بعد از آن ملاحظه عشر کند از عبادت نه اذن
 حجت که از و صادر شده بلکه از انجنت که عبادت
 نسبتی است شریف میانه او و میان خدای تعالی
 و از آن مگر آوردن ایالت پس شاید که نکته
 آن چهار چیز باشد **اول** آنکه تصریح کردن
 مخصوص با استعانت خدات و الاحتمال دارد
 که مفعولش را مؤخر تقدیر کنند پس این تصریح

فوت می شد **و بعد** دفع توهم آنکه مجموع عبادت
و استعانت مخصوص است بخدا نه هر یک از آنها
سوره در آن لذت خطاب با محبوب **چهارم** بیط
سخن با محبوب چنانکه در کلام موسی علی نبینا
و علیه السلام که هی عصای انوکو علیها و
افش بها علی غنمی تا آخر آیه و فرق میان این
و وجه آخر آنست که وجه چهارم جاریست اگر
چه بجای آیات از راه می بود بخلاف وجه اول
و اما وجه اختیار صیغه مت کلم مع الغیر که
تعبید و تسعین است بر من کلم واحد که
اعتیاد و استعین باشند پس شاید که بحجت چهار
رنگته باشد **اول** تنبیه نیده برای آنکه در حال

عرض عبادت باید که ملاحظه کند فرشتها را
که با او می باشند یا جماعتی را که در آن نهاد
جماعت حاضرند یا جمیع حواس و قوتهای
ظاهری و باطنی خودش را یا جمیع اینها شامل
اوست دائر امدکان و علامت وجود
بر وقت چنانکه خدای تعالی میفرماید که
قرآن من شئ الا تسبح بحمده یعنی واللهم
هیچ چیز نیست مگر که تسبیح خدای تعالی
میکوید و مشغول است بچرخدای تعالی دوم
اعلام نیده بآنکه خودش را حقیر تر از آن دانند که
عبادت خودش را شما عرض تواند کرد و گویند
از آنکه شما طلب یاری برای خود تواند نمود

بر درگاه عظمت و کبرای الهی بکند باید که با
عبادت جمع دیگر چنانکه داب و قاعده است
در عرض تحفها و هدیه بآید درگاه پادشاهان
سوم آنکه چون خطاب بنده با حضرت ربوبیت
و عرض این که عبادت بعضی نهایت خشوع
و خضوع و تعظیم را بجای آورد مگر برای
حضرت الهی و مدد طلبیدن او در کارها
منحصراً حضرت الهی یعنی از غیر خدا
طلب مدد نمیکند با آنکه خدای تبارک و تعالی
میداند که بنده خضوع و خشوع برای غیر
خدا هم میکند و از غیر خدا هم مدد میطلبد
چرا نیست عظیم و بجای و دروغ گوئی

ظاهرات پس بواسطه این عدول کرده از
مت کلام واحد بمنکلم مع الغیر بقصد آنکه
این خطاب از زبان انبیا و اصفیا و اولیا و
فوسطیات که استعانت و نهایت خضوع برای
غیر خدای تعالی نمیکند و طلب مدد از
غیر خدا نمی نمایند **چهارم** آنکه چون در شرع
الهی که بر زبان حضرت رسالت پناهی صلی الله
علیه و آله جاری شده است که اگر شخصی
مناعی چند را به یکبار بفروشد بیک بیع
و ظاهر شود که بعضی از آنها عیب دارد
مشتری را نمیدرسد که بی عیب یا نه نگاه دارد
و عیب دارد یا پرده بلکه یا هم را بر دهد

یا همه را نگاه دارد و قبول کند پس گویا که
عابد چون عبادت خود را عیب دار میداند
عبادت عیب دار خود را با عبادات انبیا
و اولیا و ملائکه مقربین که خالی از عیبات
بهین کبار بر حضرت صاحب جود و
بخشش عرض میکند و حضرت خدای تعالی
کرم تر است از آنکه عیب دار را مد کند
و بی عیب قبول نماید و حال آنکه بندگان را
ازین نهی کرده و در کرم اولایق نیست که
همه دار کنند پس همه را قبول خواهد کرد
و مطلوب بنده هم حاصل میشود و این وجه
عبادت غیر معصومین ظاهرست و اما نسبت

ایشان

عبادت ایشان آنست که هم عبادت خود را
ناقص میدانند و قائل **و اما** آن کنند توجه
از غیبت بخطاب پس حضرت استاد دام ظلّه
در تفسیر عروق الوثنی چهارده وجه برای
آن ذکر کرده اند و اینجا شش وجه
از آنها بیان فرموده اند **اول** تنبیه بر آنکه بنده
باید که عبادت و قراوت را با توجه تمام و حضور
دل بجا آورد چنانکه هر اسمی از اسمهای الهی را
که بزبان گذراند و معنی آن را در دل نقش
کند و راقب زیاده شود بدرگاه الهی تا آنکه
بمرتبه حضور و مشاهده رسد پس درینوقت
عدول باید از غیبت بخطاب **دوم** آنکه رد

هدیه در روی شخصی باعث شکست خاطر
او میشود و خدای تعالی از آن کریم ترست
که شکست خاطر مؤمنی کند خصوصاً در روی او
پس عاید خواست که هدیه با آنکه عیب ناکست
مقبول شود خود بردرگاه ربوبیت جل و علا
معروض داشت **سیر** آنکه اشارت بآنست که
چون خدای تعالی همیشه حاضرست و غایب
نیست بلکه نزدیکترست به بنده از آنکه کردن
پس بایست که اول کلام بطریق خطاب باشد
اما چون بنده خود را از مقام قرب و حضور
دور داشته بواسطه رعایت قانون ادب که
داب عاشقان چنانکه گفته اند طُرُقُ الْعِشْقِ

کَلِمَاتُ آدَابِ پَسِ چُون عَابِدِ اَوْ لَا قِیَامِ بَا پَسِ
نموده گو یا که مستحق حضور شد پس تکلم
کرد بمقتضای مقام محالست چنانکه فرمود
أَنَا جَلِیْسٌ مِّنْ ذَکَرٍ فِی حِجَابٍ **تنبیه** بر بزرگی
رتبه قرآن مجید و ناه نمودن بنده با آنکه
هرگاه این قدر از قرآن را بر زبان جاری
سازد فایز میشود بعبادت قرب و نزدیک
و حضور پس اگر مداومت نماید بزد کرد
الهی و مواظبت کند بر تلاوت قرآن و دانستن
معنیها آن در شبها و روزها پس البته حجاب
ان میانه برمیخیزد و میرسد بمقام حضور و
مشاهده حقیقی **روایت** که حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام فرموده که خدای تعالی بجای کرده
 برای بندگانش در کلامش لیکن ایشان
 نمی بینند **و هم ادان حضرت علیه السلام** روایت که
 در بعضی روزها نماز می گزارده در اثنای
 نماز بیهوش می شده می افتاد بعد از آن سبیل آن
 پدید آمد حضرت فرمود که چندان این آیه را
 تکرار کردم که از کوبیده اش شنیدم بعضی
 از عارفین گفته که در آن وقت زبان حضرت
 علیه السلام بجای رخت طور موی بوده که
 گفت ای انا الله و درین معنی شیخ شبستری
 فرموده که **مشهور** روایات انا الله از درختی
 چران بود و از نیل بختی **بختی** آنکه چون در

عبادت کلفتی و مشقتی هست و از داب
 عاشق آنست که در حضور معشوق تحمل مشقت
 بیشتر میکند از غیبت بلکه در حضور آنرا
 مشقت نماید خدای تبارک و تعالی خولت
 که شوق بنده را زیاد کند بعبادت اشعار او
 بآنکه او حاضر است بر جمیع احوال و واقف
 و مطلع باینده را نشاط زیاد شود و اتمام
 عبادت از روی نشاط تمام و شوق تمام کند
شمار آنکه حمد اظهار نیکیهای محمود است نزد
 غیر او پس مادام که سالک از مرتبه قرب و حضور
 دودست در نظرش غیر او وجودی هست و اظهار
 کمالات محبوب نزد آن غیر میکند **اما بختی**

سبب کس و توجیه بد رکاه الهی او را زنی
واقع شود از مرتبه بعد بمرتبه حضور در نظر اثر
وجودی همانند سواى معبود بحق را بر بالضرورت
با و متوجه شده او را مخاطب خواهد ساخت و
بالاتر ازین مقام مقامیت که ازان نشان
نمیتوان داد و سخن را در بیان آن راه نیست
بلکه از گفتگوی پنهانتر میشود و وَإِنْ قَمِصْنَا
خِطَّ مِنْ ثَمَرٍ نَعْمَةٍ وَعِشْرِينَ حَرْفًا عَمَّ
مَعَالِيَهُ قَاصِدٌ یعنی پیراهنی که از تار و پود
بیت و نه حرف بافته شده باشد بر بالای
بلندترین مرتبه کوناست خدا یا یکشانه دیدهای
مایردها جسمانی را و بردار از دلهای ما

پوششهای هیولانی را تا بقدر توانند از زیر
نظر و نباشد در دل ما از وعیبی و اثر چون
تو بخشنده کریمی و مهربان رحیمی اَهْدِنَا
الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ هدایت ارشاد و دلائی
است بطلقت خواه بمطلب برساند و خواه راه
مطلب نماید و خواه متعذری شود بمفعول
دویم بواسطه حرف جریانی واسطه و بعضی
گفته اند اگر متعذری شود بواسطه حرف جر
پس بمعنی راه بمطلب نمودنت و اگر بواسطه
حرف متعذری شود بمعنی رسانیدن بمطلبت
و بعضی گفته اند که مطلقاً بمعنی رساندن
مطلوبت و ذوق میکند این مذهب را قول

خدای تعالی و هدایت الهی و هدایت و هدایت و هدایت
رد میکند قول خدای تعالی فاستجبوا لعنای
علی الهدی و اما قول خدای تعالی انک
لا تهتدی من کتبت مطیع اثنان و اثبات
نمیکند بلکه خاص تر است از مطلوب ایشان **بنا** که
هدایت حضرت عزت شأنه اگر چه غیر متناهیست
و حصرو تعداد آن ممکن نیست داخل است در
چهار نوع **اول** راهنمایی برفیق منفعتها و دفع
مضرتها بید دادن حواس ظاهری از چشم و
کوش و شانه و لامه و ذایقه و حواس
باطنی از فکر و فهم و غیر آن و قوت عاقله
چنانکه میفرماید اعطی کل شیء خلقه ثمر

هدی و **و** هدایت نصیب لیلای عقلی که فروکننده
است میان حق و باطل و صلاح و فساد
چنانکه میفرماید و هدایت الهی من **سیر** هدایت
بفرستادن پیغمبران و کتابها چنانکه
میفرماید و اما تمود هدایتهم فاستجبوا
العنای علی الهدی **بجمله** مودون راه سیر
و طریق و رسیدن بحضرة های قدس و فایز شدن
بمقام انس بنیایل ساختن آثار تعلقات بدنی و
کندن پوششهای جسمانی و عرف شدن در
ملاحظه اسرار کمال و مطالعه نورهای
جمال و این نوع از هدایت مخصوص است باولیا
و تابعان ایشان پس هرگاه قاری در مرتبه سیم

قصد کند با هدایت مرتبه چهارم را
 و اگر به مرتبه چهارم رسیده باشد قصد
 کند با هدایت معنی ثبوتی مابین ثابت و برین
 هدایتی که کرده چنانکه در تفسیر این آیه
 حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده یا قصد
 کند زیادتى را یعنی هدایت مازیا ده
 کردن پس هدایت بنا بر اول مجاز است و بنا
 بر دومی هم مجاز است و اگر زیادتى را در معنی
 مستعمل فیه داخل دانیم و الا حقیقت است و
 صراط انجا بمعنی جاده و راهست گویا که فرد
 می برد راه رو یا آنکه گویا راه رو او را فرو
 می برد و این کثرت بیون خوانده و غیر حتمی از

قرا بصاد و حمزه اشباع میکند برای و مواد
 بصراط مستقیم یا راه حقست مطلقا یا دین
 اسلام **صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ**
لِلْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ مجموع این آیهست نزد جمیع
 علمای ما و هر که موافق است با ما در آنکه بسمله
 یک آیه است از الحمد و اما بعضی مخالفین که
 بسمله را یک آیه از الحمد میدانند **صِرَاطَ الَّذِينَ**
أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ را آیه ششم میدانند و باقی را آیه
 هفتم زیرا که جمیع امت پیغمبر صلی الله علیه و آله
 متفقند اند در آنکه سوره فاتحه هفت آیه است
 پس اگر کسی نذر کند که یک آیه از سوره فاتحه
 بخواند وقت او پری نمیشود بخواندن **صِرَاطَ الَّذِينَ**

وَلَا الضَّالِّينَ

آنچه عَلَيْهِمْ پیش علای ما چنانکه پیش علای
مخالفین بری نمیشود بخواندن بسمه و این آیه
در حکم تفسیر صِرَاطَ الْمُسْتَقِيمِ است و
صراط بدل کل است از و مراد بالذین الْأَنْعَامُ
عَلَيْهِمْ جماعتی اند که مذکورند در آیه اولی که
مَعَ الدِّينِ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ
الضُّدِّيقِينَ وَ الْكُهْدَاءِ وَ الضَّالِّينَ وَ بعضی
گفته اند مراد مسلمانانند زیرا که نعمت اسلام
بر جمیع نعمت‌هاست **بدان** نعمت‌های الهی اگر چه
غیر متناهی است و هیچ کس اقدرت حضور و
تعداد آن نیست هفت نوع است زیرا که دین و
یا اخروی و این دو یا موهبتی است یا کسی

و هر یک ازین چهار یار روحانی است یا جسمانی
یا بر تفصیل دینی موهبتی روحانی مثل
دادن عقل و فهم و جسمانی مثل خلق اعضا
دینی کسی روحانی مثل دادن صفات
نیکی و جسمانی مثل زینت دادن بدن
تجلیات خوب اخروی موهبتی روحانی مثل
بخشیدن کناه یا توبه جسمانی مثل عطرها
شیر و غسل هفت اخروی کسی روحانی
مثل بخشیدن کناه بعد از توبه جسمانی
مثل لذت جسمانی که در آخرت در عوض
افعال داده میشود و مراد اینجا چهار آخرت
و آنچه از چهار اول باشد برای تحصیل این

چهار آخر **و غضب** بر آنکس متدن نفس است
 برای انتقام و اسنادش بخدای تعالی با اختیار
 غایت مثل رحمت و ضلال عدول است
 از راه راست اگر چه صواب باشد و مشهور
 آنست که مراد بمغضوب علیهم میورند و بضالین
 مضادی و بعضی تفسیر کرده مغضوب علیهم را
 بعاصیان در فروع و ضالین را بخالفان
 در اعتقادات زیرا که منعم علیه کسی است
 که جمع کرده باشد میان علم با حکام اعتقاد
 و عمل بشریعت مطهره پس مقابل او کسیت
 که یکی ازین دو نداشته باشد و لفظ عین
 باید است از الذین یا صفت مبینه اوست

یا صفت مفیده است و بر هر تقدیر غیر نکره
 صرفت و کب تعریف از مضاف الیه خود
 نمیکند مگر آنکه مضاف الیه را یک صند
 باشد و موصوفش معرفت است و وصف معرف
 بنکر جان نیست پس اینجا باید از کتاب
 آن کرد که غیر چون مضافت بجای که
 او را یک صند است پس کب تعریف کرده
 یا آنکه چون مراد بالذین جماعتی اند که اقامی
 شان ایشان نیست پس قائم مقام معرفت بلام
 جنس باشد که مراد بیک فرد غیر معین باشد و
 لفظ لا برای تاکید نفی است که پیش از دست
 و برای تصریح بآنکه شامل هر یک از این متعلقین است

و چون اینجا غیر منضمین معنی مغایرت است
 و معنی نفی جائز است ذکر لا و از بخت
 جائز است گفتن آنرا زیداً غیر ضارب برای
 رعایت جانب نفی پس اضافی بمنزله عدم میشود
 پس جائز است تقدیم معمول مضاف الیه بر
 مضاف چنانکه جائز است آنرا زیداً لا ضارب
 اگر چه جائز نیست در امثال ضارب زیداً آنرا زیداً
 مثل ضارب زیرا که متشع است واقع شدن
 معمول جانی که متشع است واقع شدن و امثال
 اینجا **بما که** مناسب آن بود که بعد از **الذی** آفتاب
 علیه السلام غیر الذی **بما** غضب علیهم گفت شود در
 عدول کردن حضرت عزت در اسناد غضب

بخودش چنانکه بواسطه محکم ساختن
 بنای عفو و بخشش در دل بندگان ایشان
 از آنکه جود و بخشش محبوب است نه
 غضب و کویا که آنچه از و صادر می شود
 همین رحمت و عفو و غضب از عید
 او صادر می شود و مثل اینست در تفسیر
 اسناد فحمت و تعریض در جانب عقاب
 قول خدای تعالی **لَئِنْ شَکَرْتُمْ لَا زِيدُ لَکُمْ**
وَلَئِنْ کَفَرْتُمْ لَآتِکُمُ الْعَذَابُ لَشَدِيدٌ
بما که نکفت **لَا عَذَابَ لَکُمْ** **بما که** مناسب
 بمقابله این بود و همچنین قول خدای تعالی
تَغْفِرْ لِمَن يَشَاءُ وَ لِعَذَابٍ مِّنْ بَيْنِهِمْ

اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ **بَابُكَ** مناسب بمقابله

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا مَعْتَدًا بآبِ جَدِّ بَابِ

عَدُولِ اِذَا نَبِيَّكَ رَحِمْتَ بِوَاسِطَةِ

تَرْجِيحِ جَانِبِ رَحْمَتِكَ وَجَانِبِكَ دَرِ قَوْلِ

خُدَايَ تَعَالَى عَزَّ سُلْطَانُهُ غَافِرُ الذَّنْبِ وَ

قَابِلُ التَّوْبِ شَدِيدُ الْعِقَابِ دِي

الْقَوْلِ كَمَا حَضَرَتْ عَزَّتْ سَهْ صِفَتْ رَحِمَتْ

ذَكَرْ كُودَهُ وَبِكَ صِفَتْ اِنْتِقَامِ وَاَنْ رَا

هَمْ دَر مِيَانِ صِفَاتِ عَفْوِ مُسْتَعْرِقِ كُودِ اَيْنِدِهِ

غَفُورٌ رَحِيمٌ كَنَاهُ مَا دَر مَانْدِ كَانِ

بِجَانِ رَا بَابِ مَغْفَرَةٍ وَرَحْمَتِ بَشُوتَا اٰخَرِ

عَمَّا زَشَرِ شَيْطَانِ نَكَاهُ دَارِ وَ مَسْلُطِ كُودَانِ

کتابخانه
موسسه کربلائی

مارا

مارا برو و مارا ب دارین مارا اذ خزنیه

کرم وجود رو اکن و مارا بغیر

خود محتاج ساز و درد مارا خود

دوا کن قد فرغت بعون الله تعالی

الکریم من کتابه هذا الكتاب فی یوم الاربعاء

ثمان عشر شهر رمضان المبارك من السنة

الخامسة بعد التسعين والالف من الهجرة العبد

المذنب العاصی المؤمل الی عفورته

الکریم ابن محمد حسین محمد جعفر

اللهم اغفر لهما

بجاء التبی و السلام

الله علیهم

وَعَلَّمَ الْقُرْآنَ
لَنَا فِي الدُّنْيَا قُرْآنًا وَفِي السَّكَنِ قُرْآنًا وَفِي الْقَبْرِ قُرْآنًا وَفِي الْقِيَمَةِ قُرْآنًا
بَشِيرًا وَعِنْدَ الْمَوْتِ نَذِيرًا وَفِي الصَّاطِرِ دَلِيلًا وَفِي الْخَلْقِ رَحِيمًا
شَفِيعًا وَفِي الْمِيْزَانِ ثَقِيلًا وَعَلَى الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَفِيقًا وَعَلَى الْخَيْرَاتِ دَلِيلًا بِحَسْبِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
اللَّهُمَّ اعْطِنَا بَرَكَاتَةَ الْقُرْآنِ خَيْرَ الدَّارَيْنِ وَصَفِ
لَنَا وَلِلْوَالدِّينِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ اللَّهُمَّ
ارْزُقْنَا بِكُلِّ سُورَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ سَلَامَةً
وَبِكُلِّ آيَةٍ مِنْهَا حُكْمًا وَبِكُلِّ حَرْفٍ مِنْهَا جَزَاءً
اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا بِأَلْفِ مِائَةِ آيَةٍ مِنْهُ أَلْفَ
وَبِالْبَاءِ بَرَكَاتَةً وَبِالنَّاءِ تَوْبَةً
وَبِالنَّاءِ



